**ﺟﮭت درﯾﺎﻓت ﺳواﻻت ﺗﻣﺎﻣﯽ دوره ھﺎی ﺿﻣن ﺧدﻣت ﺑﮫ** [**ﺳﺎﯾت دبیران فایل**](https://dabiranfile.ir/) **ﺑﮫ آدرس روﺑرو ﻣراﺟﻌﮫ ﮐﻧﯾد**

دبیران فایل

[**dabiranfile.ir**](https://dabiranfile.ir/)

**کانال تلگرام ضمن خدمت فرهنگیان:**

**t.me/dabirfile dabirfile@**

**کانال سروش:**

**Sapp.ir/dabiranfile**

[**dabiranfile.ir**](https://dabiranfile.ir/) **ﺟﮭت درﯾﺎﻓت ﺳواﻻت ﺗﻣﺎﻣﯽ دوره ھﺎی ﺿﻣن ﺧدﻣت ﺑﮫ** [**ﺳﺎﯾت دبیران فایل**](https://dabiranfile.ir/) **ﺑﮫ آدرس روﺑرو ﻣراﺟﻌﮫ ﮐﻧﯾد**

جمهوری اسلامی ایران

وزارت آموزش و پرورش

دستورالعمل اجرایی بسته تحولی کنترل وزن و چاقی دانش آموزان(کوچ)

)کلیه رتبه ها(

ویژه سنجش دانش حرفه ای آموزگاران دوره ابتدایی، دبیران و مدیران و معاونان دوره متوسطه اول، دبیران دوره دوم متوسطه نظری، مشاوران مدارس، هنر آموزان فنی حرفه و کاردانش، آموزگاران و دبیران تربیت بدنی

مرکز برنامه ریزی منابع انسانی و امور اداری

آذر ۹۹

فهرست مقدمه ...........

عوامل موثر و زمینه ساز بروز اضافه وزن و چاقی در دانش آموزان .....

اهداف پروژه ..........

گروه مورد ارزیابی (گروه هدف)......

زمان اجرای پروژه ..............

نحوه جمع آوری و ثبت اطلاعات نمودار تشکیلانی پروژه ملی کنترل وزن و چاقی دانش آموزان ستاد عالی تشکیلاتی شورای راهبری سند تحول بنیادین ..........

ستاد ملی اجرای پروژه ..

ستاد استان .............

ستاد شهرستان / منطقه ....

ستاد مدرسه ...........

نقش ها و وظایف ارکان مدرسه در اجرای پروژه ...........

مراحل اجرای پروژه کنترل وزن و چاقی دانش آموزان .............

نحوه اجرای پروژه کنترل وزن و چاقی دانش آموزان در وضعیت های مختلف با توجه به شیوع کرونا ............

نحوه همکاری مشترک مدرسه و خانواده در پیشگیری از اضافه وزن و چاقی دانش آموزان ........

جدول زمانبندی اجرای پروژه...............

پیوست 1: راهنمای اندازه گیری قد، وزن و محاسبه BMI

پیوست ۲: پرسشنامه پروژه ملی کنترل وزن و چاقی دانش آموزان ......

پیوست ۳: پوشه کار هفتگی بخش فعالیت حرکتی و تغذیه ............

پیوست ۴: فرم ارجاع به مراکز جامع سلامت و خانه های بهداشت ...

الصحه أفضل النعم

تندرستی از برترین نعمت هاست .حضرت علی )ع

مقدمه

وزارت آموزش و پرورش، سیاست ها و برنامه های خود را با الهام از آموزه های سند تحول بنیادین ترسیم نموده است. موضوع سلامت و توانایی جسمانی دانش آموزان در این سند، مورد اعتنای جدی قرار گرفته، به نحوی که در بیانیه ارزش ها، چشم انداز و هدف های کلان، بر نشاط و سلامت جسمانی دانش آموزان، حفظ و ارتقاء سلامت فردی و پاسخ دهی به نیازهای جسمی و روانی دانش آموزان از طریق ورزش و تفریحات سالم فردی و گروهی تاکید شده است.

بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۲ تا ۹ درصد هزینه سلامت جوامع مختلف، صرف پیامدهای چاقی میشود، که در دهه های اخیر با افزایش ۲ برابری همراه بوده است. طبق گزارش های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، چاقی 5/. تا 7/1 درصد از تولید ناخالص ملی کشورها را هدر می دهد. از طرفی هزینه درمان خانواده - هایی که اعضای آن ها با اضافه وزن و چاقی روبرو هستند، ۳۷ درصد بیشتر از خانواده های دارای وزن طبیعی می باشد.

آمارهای مختلف نشان می دهد که اضافه وزن و چاقی دانش آموزان به عنوان یک عامل خطر و زمینه ساز بیماری - های غیرواگیر مانند دیابت نوع ۲، فشار خون بالا، مشکلات قلبی عروقی، متابولیکی، عوارض روانی و اجتماعی و.... در بسیاری از کشورها به مرز هشدار رسیده است. همچنین بر اساس مطالعه عوامل خطر بیماری های غیر واگیر سال ۱۳۹۵، حدود ۶۰ درصد جمعیت ایران دارای اضافه وزن و چاقی بوده و چاقی در کودکان و نوجوانان کشور، روند افزایشی را طی می کند، به طوری که با توجه به مطالعه کاسپین، حدود ۲۱ درصد کودکان و نوجوانان ایران در سنین مدرسه، دچار اضافه وزن و چاقی هستند.

معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش در راستای ارتقاء سطح سلامت دانش آموزان و با بهره - مندی از ظرفیت معلمان تربیت بدنی و مراقبین سلامت، برنامه هایی از قبیل المپیاد ورزشی درون مدرسه ای، مدرسه پویا، ورزش صبحگاهی، کانونهای ورزشی، انجمن های ورزشی، سفیران سلامت، آموزش تغذیه سالم وطرح مکمل یاری با قرص آهن و ویتامین D را اجرا نموده و توانسته است زمینه توسعه سلامت جسمانی و افزایش سواد حرکتی را فراهم نماید. با این حال، با توجه به تغییرات غلط در سبک زندگی خانواده ها، لزوم برنامه ریزی و اجرای برنامه های مداخله ای بیشتری جهت افزایش فعالیت بدنی برای سلامتی و پیشگیری از عوارض چاقی برای این طیف سنی در سطح مدارس ضروری می باشد. چرا که پیشگیری و درمان هر چه زودتر اضافه وزن و چاقی باعث کاهش

عوارض کوتاه مدت و بلند مدت آن خواهد شد و بدیهی است که شکل گیری عادات صحیح و سبک زندگی فعال و سالم در سنین پایین تر به مراتب ساده تر و پایدارتر از اصلاح عادت نادرست در سنین بالاتر خواهد بود. از این رو لازم است اقدامات زیربنایی جهت پیشگیری و کنترل هر چه زودتر اضافه وزن و چاقی از سنین دانش آموزی انجام شود.

بنابراین وزارت آموزش و پرورش با احساس مسئولیت در قبال تضمین سلامت نسل، در برنامه ابلاغی سال ۱۳۹۶، بسته تحولی "کنترل وزن و چاقی دانش آموزان)کوچ(با رویکرد ترویج سبک زندگی فعال و سالم" را در دستور کار خویش قرار داده است.

در این پروژه سعی شده است با افزایش آگاهی عوامل سهیم و موثر در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور اعم از دانش آموزان، معلمان، مدیران، خانواده ها و... از عوارض و پیامدهای منفی ناشی از اضافه وزن و چاقی، انجام غربالگری و شناسایی دانش آموزان دارای اضافه وزن و چاق، ارائه مشاوره ها و توصیه های تغذیه ای و فعالیت بدنی با ترویج سبک زندگی فعال و سالم، زمینه تحقق شعار **دانش آموز سالم، مدرسه سالم و جامعه سالم** مهیا گردد.

بی تردید این مهم نیازمند برنامه ریزی مطلوب در کلیه سطوح و لایه های مدیریتی در نظام تعلیم و تربیت و مشارکت حداکثری مدیران، معلمان، دانش آموزان، اولیاء و سایر بخش های مرتبط و مشارکت و حمایت دستگاه های برون سازمانی می باشد.

امید است که این پروژه ضمن ترغیب دانش آموزان به داشتن وزن مطلوب، افزایش فعالیت های حرکتی و ارتقا نشاط و شادابی در پرورش نسل مورد انتظار، نقش موثر خود را ایفا نماید و از این رهگذر دانش آموزان با خود مراقبتی وزن خویش را در طول عمر مدیریت نمایند.

**عوامل موثر و زمینه ساز اضافه وزن و چاقی در دانش آموزان**

باید اذعان نمود که نمی توان چاقی و اضافه وزن را نتیجه انتخاب آگاهانه سبک زندگی کودکان و نوجوانان دانش - آموز دانست، بلکه عوامل زمینه ای و محیطی در جامعه، مدرسه و منزل و همچنین عادات رفتاری، نوع تغذیه و سبک زندگی والدین تاثیرات تعیین کننده ای در ایجاد اضافه وزن و چاقی دانش آموزان دارد که می بایست در پروژه کنترل اضافه وزن و چاقی به آنها توجه وافر نمود )شکل شماره ۱(

شکل 1: عوامل زمینه ای و محیطی موثر در اضافه وزن و چاقی دانش آموزان

**عوامل اجتماعی یا مدرسه ای**

\*توزیع مواد غذایی چرب، شیرین و پر نمک در بوفه مدارس

\*زندگی ماشینی و شهری

\*عادی شدن چاقی در محیط اجتماعی

\*عدم دسترسی و به مراکز ورزشی

\*فروشگاه های مواد غذایی در مسیر مدرسه

\*کم توجهی به برنامه و فوق برنامه تربیت بدنی در مدارس

\*کم توجهی سازمان های محلی به توسعه فعالیت ورزشی کودکان

\*کمبود عرصه و امکانات ورزشی

\*نبودن مسیرهای دوچرخه و پیاده روی شهری

\*نحوه گذراندن اوقات فراغت جامعه

**سبک زندگی والدین**

\*ترجیحات غذایی والدین

\*دانش تغذیه خانواده

\*دسترسی به غذا در منزل

\*عدم ترغیب والدین به فعالیت حرکتی

\*عدم نظارت والدین بر میزان تماشای تلویزیون و استفاده از وسایل رایانه ای فرزند

\*کم تحرکی والدین

\*کنکور زدگی والدين

\*موقعیت و اندازه کوچه زندگی

\*میزان مصرف غذایی والدین

\*وضعیت وزن والدین

**ویژگی های دانش آموز**

\*جنس

\*سن

\*عادت به پرخوری

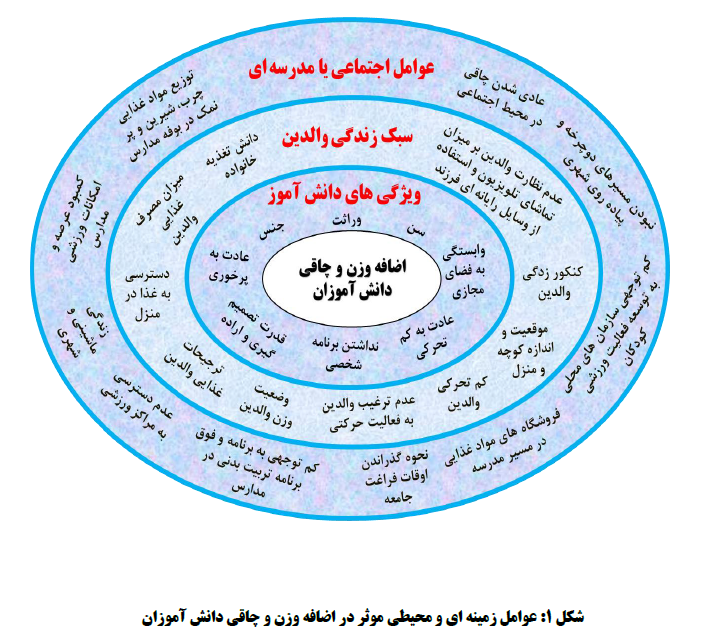
\*عادت به کم تحرکی

\*قدرت تصمیم گیری و اراده

\*نداشتن برنامه شخصی

\*وابستگی به فضای مجازی

\*وراثت



**اهداف پروژه**

هدف کلی افزایش دانش و بهبود نگرش و کمک به دانش آموزان در مدیریت وزن خویش و داشتن سبک زندگی فعال و سالم

**اهداف اختصاصی**

• غربالگری و تعیین شاخص توده بدنی کلیه دانش آموزان کشور در دو مرحله اولیه و ثانویه

• جلب حمایت و همکاری کلیه ذی نفعان به ویژه مدیران، معلمان، کارکنان، دانش آموزان و والدین

• جلب حمایت و همکاری سازمان های سهیم و موثر در کمک به اجرای بهتر پروژه و همچنین مشارکت تمامی حوزه های وزارت آموزش و پرورش

• ایجاد تغییر رفتار و سبک زندگی دانش آموزان به سبک زندگی فعال و سالم

• کاهش ۳ درصدی تعداد دانش آموزان چاق و دارای اضافه وزن

• کمک به حفظ وضعیت دانش آموزان دارای وزن طبیعی و متناسب

• کمک به بهبود وضعیت دانش آموزان لاغر و کم وزن

**گروه مورد ارزیابی)گروه هدف(**

کلیه دانش آموزان دختر و پسر در دوره های تحصیلی ابتدایی و متوسطه

**زمان اجرای پروژه**:

سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹

**نحوه جمع آوری و ثبت اطلاعات**:

جمع آوری اطلاعات در این پروژه به ترتیب زیر انجام می شود:

1- اندازه گیری قد و وزن دانش آموز مطابق فایل راهنما ( پیوست ۱) در دو مرحله سنجش اولیه )پیش آزمون( و سنجش ثانویه)پس آزمون( و تکمیل اطلاعات پرسشنامه )فرم شماره 1، پیوست ۲(

۲- ثبت اطلاعات در سامانه سناد

تذکر: در صورتی که مدرسه ای به سامانه دسترسی نداشته باشد، فرم اطلاعات دانش آموزان(فرم شماره ۱) را پس از تکمیل، جهت ثبت در سامانه سناد به اداره آموزش و پرورش منطقه / شهرستان / ناحیه ارسال نماید.

نمودار تشکیلاتی پروژه ملی کنترل وزن و چاقی دانش آموزان ساختار و تشکیلات پروژه در سطوح ستادی، استانی، منطقه ای و مدرسه ای به شرح زیر پیش بینی شده است.

**\*** ستاد عالی تشکیلاتی

**\***شورای راهبری سند تحول بنیادین

**\***ستاد ملی اجرای پروژه

**\*** ستاد استانی اجرای پروژه) شورای آموزش و پرورش استان(

**\***ستاد شهرستانی/ منطقه ای اجرای پروژه) شورای آموزش و پرورش شهرستان / منطقه(

**\*** ستاد مدرسه ای اجرای پروژه) شورای مدرسه)

**\*** (مدیر پروژه (مدیر مدرسه

**\*دبیر اجرایی پروژه) معاون پرورشی و تربیت بدنی(**

- آموزگار/ دبیر) ارزیاب و آموزش دهنده(

-دبیر تربیت بدنی و مراقب سلامت (مشاورین تخصصی(

-انجمن اولیا و مربیان( حامی و پشتیبان(

- معاون اجرایی مدرسه یا فرد جایگزین)ثبت نتایج در سامانه(

- تشکل های دانش آموزی سفیران سلامت، انجمن های ورزشی و... (برگزار کننده پویش های کلاسی و مدرسه ای)

**ستاد عالی تشکیلاتی**

این ستاد با حضور شخصیت ها، مسئولان وزارتخانه و سازمان های مرتبط تشکیل می شود و هدف آن ایجاد یک نظام یکپارچه و هماهنگ ملی به منظور جلب همکاری و حمایت کلیه سازمان ها و ارگان های ذی ربط کشور و مشارکت تمام حوزه های وزارت آموزش و پرورش در اجرای موفق پروژه می باشد.

ترکیب اعضای ستاد عالی تشکیلاتی به شرح زیر می باشد:

• وزیر آموزش و پرورش )رئیس(

• معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه

• وزیر کشور

• وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

• وزیر ورزش و جوانان

• وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات

• وزیر صنعت، معدن و تجارت

• وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

•رئیس سازمان صدا و سیما

• رئیس سازمان بهزیستی

• رئیس سازمان حفاظت محیط زیست

• رئیس کمیته ملی المپیک

• دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش

• معاون تربیت بدنی و سلامت )دبیر(

**شورای راهبری سند تحول بنیادین**

این پروژه یکی از پروژه های ملی تحولی مستخرج از سند تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش است و شورای راهبری سند تحول بنیادین به عنوان شورای راهبری این پروژه، میزان وضعیت پیشرفت و چالش های این پروژه را رصد و حمایت های لازم را به عمل خواهد آورد. اعضای این شورا عینا همان اعضای شورای راهبری سند تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش می باشد.

**ستاد ملی اجرای پروژه**: این ستاد که همان شورای مدیران معاونت تربیت بدنی و سلامت است، زیر نظر شورای راهبری سند تحول بنیادین با برگزاری جلسات مستمر هفتگی در ایام قبل، حین و بعد از برگزاری پروژه نسبت به هماهنگی بخش ها و کمیته های مختلف به منظور ایجاد مقدمات لازم، حمایت از اجرای موفقیت آمیز پروژه، ارزیابی نتایج و تحلیل مشکلات و نارسایی های احتمالی و تلاش در جهت رفع مشکلات و موانع اقدام خواهد نمود.

**ستاد استان**: این ستاد که همان شورای آموزش و پرورش استان می باشد و با موضوع "کنترل وزن و چاقی دانش آموزان با رویکرد ترویج سبک زندگی فعال و سالم" جهت انجام وظایف زیر تشکیل می گردد

•جلب مشارکت و همراهی شورای سلامت استان و کلیه نهادها و ادارات کل استان در راستای اجرای ویژه پروژه و تقسیم وظایف و مسئولیت ها بین مدیران استانی

• تاکید بر برگزاری جلسات مشترک شورای آموزش و پرورش شهرستان با دعوت از اعضای مرتبط شورای سلامت شهرستان ها و مسئولین سایر سازمان های مرتبط

کمیته اجرایی استانی پروژه به ریاست مدیر کل آموزش و پرورش استان و دبیری معاونت تربیت بدنی و سلامت تشکیل می گردد و اعضای آن شورای معاونان اداره کل آموزش و پرورش استان و مدیران سازمانها و نهادهای مرتبط با اجرای پروژه می باشند و وظایف آن به شرح زیر است:

* •سازماندهی و تقسیم کار مربوط به پیشبرد پروژه در سطح استان و صدور ابلاغ مسئولین و مدیران تعیین شده و ایجاد زمینه برای پیشبرد اهداف آن
* ارسال دستورالعمل اجرایی پروژه به مناطق و شهرستان ها
* تشکیل جلسه ویژه روسای آموزش و پرورش مناطق و شهرستان ها با دستور جلسه این پروژه
* هدایت و نظارت مستمر بر حسن اجرای پروژه در مناطق تابعه و تحلیل وضعیت پروژه در هر منطقه و ارائه بازخورد لازم
* تعیین، تهیه و توزیع وسایل اندازه گیری (قدسنج و ترازو) به تعداد مورد نیاز برای هر شهرستان یا منطقه
* بهره مندی از ظرفیت انجمن اولیاء و مربیان در استان و مناطق به منظور مشارکت فعال انجمن اولیاء و مربیان مدارس و والدین دانش آموزان در اجرای پروژه
* بررسی میزان پیشرفت پروژه در سطح استان، مناطق و مدارس و ارائه جمع بندی به شورا و ستاد ملی اجرایی
* برگزاری جلسات و دوره آموزشی و توجیهی ویژه کارشناسان، مدیران و معلمان استان، مناطق و مدارس
* معرفی همکاران مشارکت کننده در پروژه جهت تقدیر، به معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش

ستاد شهرستان / منطقه:

شورای آموزش و پرورش شهرستان منطقه با موضوع "کنترل وزن و چاقی دانش آموزان با رویکرد ترویج سبک زندگی فعال و سالم" جهت انجام وظایف زیر تشکیل می گردد

•جلب مشارکت و همراهی کلیه نهادها و ادارات شهرستان / منطقه در راستای اجرای ویژه پروژه و تقسیم وظایف و مسئولیت ها بین آنها

• برگزاری جلسه مشترک مدیران مدارس با عنوان پروژه(عند اللزوم به تفکیک دوره های تحصیلی) با حضور رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان / منطقه به منظور اطلاع رسانی، توجیه و جلب مشارکت جدی مدیران

کمیته اجرایی شهرستانی / منطقه ای پروژه با مسئولیت رئیس آموزش و پرورش شهرستان / منطقه و دبیری معاون پرورشی و تربیت بدنی و عضویت اعضای شورای معاونان اداره آموزش و پرورش شهرستان / منطقه و مدیران سازمانها و نهادهای مرتبط با اجرای پروژه و کارشناس مسئولان تربیت بدنی و سلامت اداره تشکیل می گردد که وظایف آن به شرح زیر است

* سازماندهی، تقسیم کار مربوط به پیشبرد پروژه در سطح شهرستان منطقه و صدور ابلاغ مسئولین تعیین شده
* ارسال دستورالعمل اجرایی به کلیه مدارس و ایجاد زمینه برای پیشبرد اهداف آن
* تشکیل جلسات ویژه برای مدیران مدارس با دستور جلسه مربوط به این پروژه
* تشکیل جلسه هماهنگی معاونان پرورشی و تربیت بدنی مدارس با دستور جلسه مربوط به این پروژه
* تشکیل جلسه هماهنگی با دبیران تربیت بدنی و مراقبین سلامت، ناظرین و ارزیابان
* راهبری اجرای دقیق پروژه در مدارس و نظارت بر حسن اجرای آن
* فراهم آوردن استفاده از فضاهای مدارس جهت فعالیت بدنی و ورزش در ساعات آموزشی و غیر ساعات آموزشی مطابق دستورالعمل کانون های ورزشی درون مدرسه ای
* تقویت پایش و نظارت بر پایگاه های تغذیه سالم مدارس
* بررسی نقاط قوت و ضعف و ارائه پیشنهادات مفید و مساعدت لازم درباره اجرای بهتر پروژه به مدارس
* جمع بندی اقدامات و ارائه گزارش اجرا در مدارس شهرستان / منطقه به انضمام پیشنهادات و ارسال آن به ستاد استانی
* به کارگیری ظرفیت ذی نفعان و سازمان های ملی مانند شهرداری ها، شورایاری ها، شوراهای مناطق و بهره - مندی از ظرفیت مدارس مانند شورای معلمان، انجمن اولیاء و مربیان، والدین و تشکل های دانش آموزی (شورای دانش آموزی، انجمن های ورزشی، سفیران سلامت، پیشتازان، هلال احمر و..)در اجرای پروژه
* تشکیل دوره آموزشی ویژه مدیران و اعضای تیم ارزیابی، ناظرین و حامیان
* معرفی همکاران مشارکت کننده در پروژه جهت تقدیر، به اداره کل آموزش و پرورش استان

ستاد مدرسه : این ستاد همان شورای مدرسه است که با موضوع "کنترل وزن و چاقی دانش آموزان با رویکرد ترویج سبک زندگی فعال و سالم" و با مسئولیت مدیر مدرسه تشکیل می گردد و وظایف آن به شرح زیر است:

• بهره مندی از ظرفیت های درون و برون مدرسه ای و جلب مشارکت سازمان ها و ارگانهای دولتی و خصوصی فعال در شهر یا روستا

• سازماندهی، تقسیم وظایف و تعیین نقش ها و ابلاغ به ارکان مدرسه اعم از معاونان، معلمان، مربیان، انجمن اولیا و مربیان، تشکل های دانش آموزی و ...

• برگزاری جلسات توجیهی و آموزشی ویژه توانمندسازی دست اندرکاران و مجریان در راستای اجرای موفق پروژه

• ایجاد زمینه برای ارزیابی اولیه و ثانویه قد و وزن دانش آموزان مدرسه و ثبت نتایج در سامانه

• فراهم آوردن استفاده از امکانات مدرسه در راستای توسعه ورزش و فعالیت های بدنی در ساعات آموزشی و بعد از ساعات آموزشی مطابق دستورالعمل کانون های ورزشی درون مدرسه ای

• نظارت بر رعایت مقررات مربوط به عرضه مواد غذایی در پایگاه های تغذیه سالم مطابق دستورالعمل ابلاغی

• شناسایی ظرفیت های مالی و جلب حامیان برای جذب کمک های مادی و معنوی در راستای کمک به اجرای پروژه

• تشکيل متناوب جلسات ستاد و نظارت بر پیشرفت پروژه مطابق زمانبندی و کیفیت پیش بینی شده • توجيه والدين و جلب مشارکت آنان در سنجش شاخص توده بدنی فرزند خویش و رصد پیشرفت او در خودمراقبتی و مدیریت وزن

• افزایش آگاهی های عمومی دانش آموزان در زمینه فواید وزن مطلوب متناسب با اقتضائات سنی آنان

• برگزاری جشن پایانی و تقدیر از دانش آموزانی که موفق به کنترل و مدیریت وزن خویش شده اند. • معرفی همکاران مشارکت کننده در پروژه جهت تقدیر، به اداره آموزش و پرورش شهرستان/ منطقه • تاکید و نظارت بر اختصاص بخشی از نمره ارزشیابی درس تربیت بدنی با توجه به میزان مشارکت دانش آموز در فرایند اجرای پروژه و کسب دانش مرتبط با دستیابی به وزن متناسب، مضرات اضافه وزن و چاقی، اصول مربوط به تغذیه سالم، افزایش آمادگی جسمانی و همچنین بروز رفتارهایی که به مدیریت وزن می انجامد

نقش ها و وظایف ارکان مدرسه در اجرای پروژه :

مدیر مدرسه

مسئولیت راهبری و اجرای پروژه را بر عهده دارد و وظایف ذکر شده در خصوص ستاد مدرسه را پیگیری و به مرحله اجرا خواهد گذاشت.

**معاون پرورشی و تربیت بدنی**

به عنوان دبیر اجرایی پروژه با راهبری مدیر مدرسه و مساعدت اعضای شورای مدرسه و سایر همکاران و بهره مندی از ظرفیت انجمن اولیا و مربیان و تشکل های دانش آموزی (شورای دانش آموزی، انجمن های ورزشی ، سفیران سلامت، پیشتازان، هلال احمر و …) وظایف زیر را بر عهده دارد :

* هماهنگی جهت برگزاری جلسات آموزشی و توجیهی اوليا
* کمک به جلب حمایت سازمان های برون مدرسه ای و بهره مندی از همکاری کلیه همکاران مدرسه
* هماهنگی جهت اجرای مراسم در روزهای احسان و نیکوکاری و درختکاری در اسفند ماه ۹۹ با حضور دانش آموزانی که موفق به کنترل و مدیریت وزن خویش شده اند.
* برگزاری مراسم اختتامیه در هفته سلامت

**معاون آموزشی**

مسئولیت هماهنگی و تسهیل امور مرتبط با اجرای پروژه را بر عهده دارد.

**معاون اجرایی** جهت اجرای پروژه وظایف زیر را به عهده دارد

ثبت نتایج سنجش اولیه(پیش آزمون) و سنجش ثانویه (پس آزمون) در سامانه سناد

هماهنگی های لازم جهت اجرای پروژه در مدرسه

**آموزگار / دبیر**

در مدارس ابتدایی مسئولیت سنجش توده بدنی دانش آموزان با آموزگار هر کلاس می باشد. در مدارس متوسطه یکی از دبیران هر پایه / کلاس از جانب مدیر مدرسه به عنوان مسئول سنجش توده بدنی دانش آموزان آن پایه /کلاس تعیین می شود و وظایف زیر را به عهده دارد

* سنجش اولیه و ثانویه شاخص توده بدنی دانش آموزان در مدرسه (ضعیت سفید و زرد) و توجيه والدین در راستای سنجش شاخص توده بدنی دانش آموزان (در وضعیت قرمز) مطابق با مفاد دستورالعمل ابلاغی
* اختصاص موضوع انشاء دانش آموزان به فواید وزن مطلوب، سبک زندگی فعال و سالم و مضرات اضافه وزن و چاقی
* بهره مندی از ظرفیت دروس تربیت بدنی ، هنر، بهداشت و سلامت و مهارت های زندگی در راستای نیل به اهداف پروژه
* آموزش و ارائه مشاوره لازم به والدین و دانش آموزان در راستای حمایت از کنترل وزن دانش آموزان
* بارگذاری کلیپ ها و جزوات آموزشی مرتبط در کلاس مجازی شبکه آموزش دانش آموزان(شاد) ارائه نتایج سنجش اولیه ( حداکثر تا ۱۵ آبان)و نتایج سنجش ثانویه)حداکثر تا ۱۵ اسفند(به مدیر و معاون اجرایی مدرسه جهت ثبت به موقع در سامانه سناد
* ارائه دانستنی ها و آگاهی های لازم به دانش آموزانی که از وزن سالم و مطلوب برخوردار می باشند در راستای حفظ وضعیت شاخص توده بدنی خود
* بهره گیری از فنون تقویت مثبت، افزایش انگیزه و هدایت موثر دانش آموزان در راستای مدیریت و کنترل وزن خویش

**معلمان تربیت بدنی و مراقب سلامت**

دبیر تربیت بدنی و مراقب سلامت مدرسه به عنوان مشاورین تخصصی آموزگاران، معلمان، دانش آموزان و والدین تعیین می شوند و وظایف آنها به شرح زیر است:

* ارائه مشاوره، راهنمایی و پاسخگویی به سوالات آموزگاران و دبیران در زمینه نحوه تعیین شاخص توده بدنی و نحوه مشاوره و مداخله در زمینه کنترل وزن دانش آموزان
* رصد وضعیت وزن دانش آموزان در فاصله بین سنجش اولیه و سنجش ثانویه و تشویق و ترغیب آنان جهت مدیریت وزن
* همفکری با آموزگاران و دبیران مسئول سنجش شاخص توده بدنی و ارائه راهنمایی های لازم
* پاسخگویی به سوالات تخصصی در زمینه امور مرتبط با فعالیت های بدنی و تغذیه
* ارائه راهنمایی و مشاوره در خصوص چگونگی مقابله با موانع و بهره مندی از تسهیل گرهای کمک کننده به دانش آموزان در خصوص مدیریت وزن خویش
* آگاهی بخشی در خصوص میزان مصرف کالری در فعالیت های مختلف حرکتی و میزان کالری مواد مختلف غذایی
* اختصاص بخشی از نمره ارزشیابی درس تربیت بدنی با توجه به میزان مشارکت دانش آموز در فرایند اجرای پروژه و کسب دانش مرتبط با دستیابی به وزن متناسب، مضرات اضافه وزن و چاقی، اصول مربوط به تغذیه سالم، افزایش آمادگی جسمانی و مدیریت وزن

**تشکل های دانش آموزی :**

با توجه به راهکار ۳-۸ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش باید ساز و کار لازم برای حضور فعال دانش آموزان در تشکل های دانش آموزی ایجاد گردد و همچنین برابر راهکار ۸-۸ سند تحول بنیادین باید در مراجعه با نیازهای فردی و عمومی جامعه از قبیل شیوع بیماری ها مشارکت نمایند. لذا وظایف این تشکل ها به شرح زیر است

* تشکل سفیران سلامت مدرسه نسبت به راه اندازی پویش مربوط به وزن سالم - زندگی سالم، پویش تغذیه سالم - زندگی سالم مبادرت نمایند
* تشكل انجمن های ورزشی دانش آموزان نسبت به راه اندازی پویش فعالیت بیشتر، زندگی طولانی تر و پویش فعالیت حرکتی بیشتر، قلب سالم تر و پویش زندگی فعال، زندگی شاداب مبادرت نمایند
* ترتیبی اتخاذ شود تا از ظرفیت سایر تشکل های دانش آموزی، انجمن اسلامی دانش آموزان، جوانان هلال احمر، سازمان دانش آموزی نیز به فراخور ماموریت خویش استفاده شود

**انجمن اولیا و مربیان**

به عنوان حامی و پشتیبان، همکاری و مساعدت جهت اجرای پروژه و کمک و راهنمایی سایر والدین دانش آموزان را به عهده دارند

**والدین**

* جهت اجرای موفق پروژه وظایف زیر را به عهده دارند
* آشنایی با اصول تغذیه سالم و پرهیز از فراهم نمودن غذاهای چرب، شیرین و شور
* رفع موانع کم تحرکی و پیشگیری از دسترسی فرزندان به جذب کالری بیش از حد نیاز
* اقدام به کنترل وزن خویش به عنوان یک الگو، همراه و تشویق کننده برای فرزندان
* اقدام و درج برنامه فعالیت های حرکتی در برنامه روزانه و همراهی نمودن فرزندان
* آشنایی با نحوه تعيين شاخص توده بدنی خود و فرزندان و درج تابلوی روند پیشرفت کنترل وزن در محل مناسبی از منزل برای ارزیابی و مقایسه هفتگی
* خودداری از اصرار به فرزندان در اتمام کامل وعده غذایی خود
* محافظت فرزندان در برابر تبلیغات نامناسب تنقلات شیرین و نوشیدنی های قنددار

نکته ۱: در صورت نیاز و صلاحدید منطقه شهرستان، تیم ارزیابی و غربالگری متشکل از متخصصین و معلمان آموزش دیده به مدارسی که با محدودیت مواجه هستند اعزام شوند.

نکته ۲: مدیران آموزش و پرورش شهرستان/ مناطق می توانند با هماهنگی شبکه های بهداشت و درمان شهرستان به منظور ارزیابی دانش آموزان در مدارس روستایی از ظرفیت خانه های بهداشت استفاده نمایند و پس از ارزیابی، فرم - های تکمیل شده را به مدیر مدرسه جهت ثبت در سامانه تحویل دهند

**مراحل اجرای پروژه کنترل وزن و چاقی دانش آموزان:**

مراحل اجرایی این پروژه در سه مرحله درون داد، فرایند و برون داد قابل پیگیری است

**اقدامات مرحله درون دادی:**

• تنظیم، تصویب و ابلاغ طرح به مراکز استانی، شهرستانی و مدارس کشور

طراحی و تدوین محصولات آموزشی و توجیهی ویژه منابع انسانی

• آموزش و توانمندسازی منابع انسانی شاغل در مدارس

• توجیه و آموزش والدین و دانش آموزان

• خرید وسایل و تجهیزات مورد نیاز مانند قدسنج و ترازو

• اجرای طرح در بخشی از مدارس پنج استان پایلوت کشور و بررسی نتایج آن

• ایجاد آمادگی برای افتتاح سراسری طرح در کشور

**اقدامات مرحله فرایندی**

• سنجش اوليه شاخص توده بدنی(پیش آزمون) کلیه دانش آموزان حداکثر تا پایان آبان ماه

• تکمیل پرسشنامه )پیوست ۲( و ثبت نتایج سنجش اولیه شاخص توده بدنی در سامانه سناد

• شناسایی دانش آموزان دارای اضافه وزن و چاق

• آموزش، مشاوره، حمایت و نظارت بر افزایش فعالیت های حرکتی و کنترل تغذیه )توانمندسازی و ترغیب دانش آموز در مدیریت وزن( و ارائه بازخوردهای لازم با توجه به پوشه های کار خود اظهاری (پیوست ۳)

• تکمیل و تحویل فرم ارجاع به مراکز جامع سلامت و خانه های بهداشت )پیوست ۴( در مورد دانش آموزان دارای کم وزنی و چاق

• دریافت میثاق نامه و دل نوشته دانش آموز در خصوص کنترل وزن خویش

• سنجش ثانویه شاخص توده بدنی )پس آزمون (کلیه دانش آموزان به ویژه دانش آموزانی که در سنجش اولیه با اضافه وزن و چاقی روبرو بوده اند

• ثبت نتایج سنجش ثانویه شاخص توده بدنی در سامانه سناد

**اقدامات مرحله برون دادی:**

• تحليل نتایج و مقایسه نتایج سنجش اولیه و ثانویه

• اجرای فعالیت ها در روزهای احسان و نیکوکاری و درختکاری

• تدوین وضعیت شاخص توده بدنی دانش آموزان در سطوح ملی، شهرستانی / منطقه ای و مدرسه ای

• تحلیل عوامل دخیل در تفاوت های وضعیت شاخص بدنی استان های مختلف کشور

• بررسی میزان اثر بخشی طرح و میزان نیل به هدف کاهش ۳ درصدی تعداد دانش آموزان دارای اضافه وزن و چاق

• برگزاری مراسم اختتامیه در هفته سلامت(فروردین ۱۴۰۰)

مراحل اجرای پروژه کنترل وزن و چاقی دانش آموزان

**درون داد**

- تنظیم، تصویب و ابلاغ طرح به مراکز استانی شهرستانی و مدارس کشور

- آموزش و توانمندسازی منابع انسانی شاغل در مدارس

- وسایل و تجهیزات مورد نیاز

**فرایند برون داد**

- سنجش اولیه شاخص توده بدنی در هفته تربیت بدنی آغاز و حداکثر تا پایان آبان ماه در پرسشنامه و سامانه ثبت میگردد(پیش آزمون)

- دریافت میثاق نامه - آموزش، مشاوره، حمایت، نظارت و ارائه بازخورد در خصوص فعالیت های حرکتی و کنترل تغذیه

- تکمیل فرم ارجاع دانش آموزان کم وزن و چاق به مراکز جامع سلامت و خانه های بهداشت

- تعيين شاخص توده بدنی دانش آموزان به ویژه دانش آموزان دارای اضافه وزن و چاق و ثبت در سامانه حداکثر تا ۱۵ اسفند(پس آزمون)

- مقایسه نتایج پیش آزمون و پس آزمون و تحلیل نتایج

**برون داد:**

- کاهش تعداد دانش آموزان دارای اضافه وزن و چاق به میزان ۳ درصد کشور

- اجرا و حضور در فعالیت های روزهای احسان و نیکوکاری و درختکاری در اسفند ماه

- برگزاری مراسم اختتامیه در هفته سلامت فروردین ماه سال ۱۴۰۰

**بازخورد**

**نکته:**

سنجش اولیه شاخص توده درهفته تربیت بدنی( 26 مهر تا دوم آبان ماه) انجام می گیرد و پس از ارائه مشاوره و راهنمایی به دانش آموزان در اسفند ماه سنجش ثانویه شاخص توده بدنی صورت می گیرد. پیشنهاد می شود دانش آموزان به شکرانه توفیق در مدیریت وزن خویش، در روز چهاردهم اسفند ماه به مناسبت روز احسان و نیکوکاری در قبال جامعه اقدام خیرخواهانه انجام خواهند داد و در روز پانزدهم اسفند ماه روز درختکاری یک درخت در محله، خانه یا مدرسه خود خواهند کاشت. این درخت به عنوان یادمان شوق دانش - آموزان را برای استمرار مدیریت وزن خویش به همراه خواهد داشت. مراسم اختتامیه نیز در هفته سلامت برگزار می گردد.

**نحوه اجرای پروژه کنترل وزن و چاقی در وضعیت های مختلف با توجه به شیوع بیماری کرونا**

با توجه به شیوع ویروس کرونا ممکن است استانهای کشور در ۳ وضعیت سفید، زرد و قرمز قرار بگیرند.

**وضعیت سفید:** به شرایطی عادی گفته می شود که کلاس های آموزشی در مدارس به صورت حضوری برگزار می گردد و دانش آموزان به صورت تمام وقت در مدارس حضور دارند

**وضعیت زرد:** به شرایطی گفته می شود که کلاس های آموزشی مدارس به صورت نیمه حضوری دایر می باشد و دانش آموزان به صورت پاره وقت در مدارس حضور خواهند داشت. برخی از مواد آموزشی نیز به صورت غیر حضوری ارائه می گردد

**وضعیت قرمز**: به شرایطی گفته می شود که دانش آموزان در مدارس حضور پیدا نمی کنند و کلاس های آموزشی و فوق برنامه به صورت غیر حضوری برگزار می گردد.

اجرای پروژه کنترل وزن و چاقی دانش آموزان با توجه به وضعیت های مذکور به صورت زیر پیگیری خواهد شد

**وضعیت سفید:** مطابق دستورالعمل ابلاغی کنترل وزن و چاقی دانش آموزان با راهبری مدیر مدرسه و در مدارس ابتدایی توسط آموزگار پایه و مدارس متوسطه توسط یکی از دبیران که مدیر مدرسه مشخص خواهد کرد، صورت خواهد گرفت

وضعیت زرد: در صورت حضور دانش آموزان در مدارس به صورت پاره وقت، اندازه گیری قد و وزن به صورت حضوری مطابق دستورالعمل ابلاغی با راهبری مدیر مدرسه و در مدارس ابتدایی توسط آموزگار پایه و مدارس متوسطه توسط یکی از دبیران که مدیر مدرسه مشخص می نماید، صورت خواهد گرفت

وضعیت قرمز: با توجه به عدم حضور دانش آموزان در مدارس در این وضعیت، اجرای پروژه کنترل وزن و چاقی دانش آموزان با هدایت و راهبری مدیر مدرسه و با مسئولیت و نظارت آموزگار یا دبیر تعیین شده پیگیری می شود. همچنین سنجش اولیه و ثانویه قد و وزن توسط والدین دانش آموزان صورت خواهد گرفت و نتایج برای آموزگار یا دبیر مربوطه ارسال خواهد شد. تا توسط معاون اجرایی مدرسه در سامانه سناد ثبت گردد. توصیه ها و مشاوره های تغذیه ای و فعالیت بدنی و بازخورهای لازم توسط آموزگار و دبیر مربوطه از طریق شبکه شاد ارائه می شود.

لازم به ذکر است در صورت تغییر وضعیت سنجش ثانویه مطابق دستورالعمل در مدرسه انجام می شود.

**مدیر مدرسه** از ظرفیت سایر همکاران مدرسه و همچنین معلم تربیت بدنی و مراقب سلامت به عنوان مشاورین تخصصی در اجرای پروژه و آموزش دانش آموزان و اولیا استفاده خواهد نمود.

پیشگیری از اضافه وزن و چاقی دانش آموزان با همکاری مشترک مدرسه و خانواده



**مشارکت موثر خانواده**

**-فعالیت والد دانش آموز**

* اندازه گیری وزن، قد و محاسبه شاخص توده بدنی با کمک یکدیگر
* انجام فعالیت بدنی به همراه خانواده در منزل و طبیعت
* انجام ورزش های هوازی

**- آموزش والدین**

* تهيه بروشورهای آموزشی والدین
* وظایف و نحوه تعامل والدین در خصوص کنترل وزن فرزند
* بحث و گفتگو در مورد پیشگیری از چاقی در زندگی روزانه

مداخلات موثر مدرسه

**رویداد های جذاب و الهام بخش**

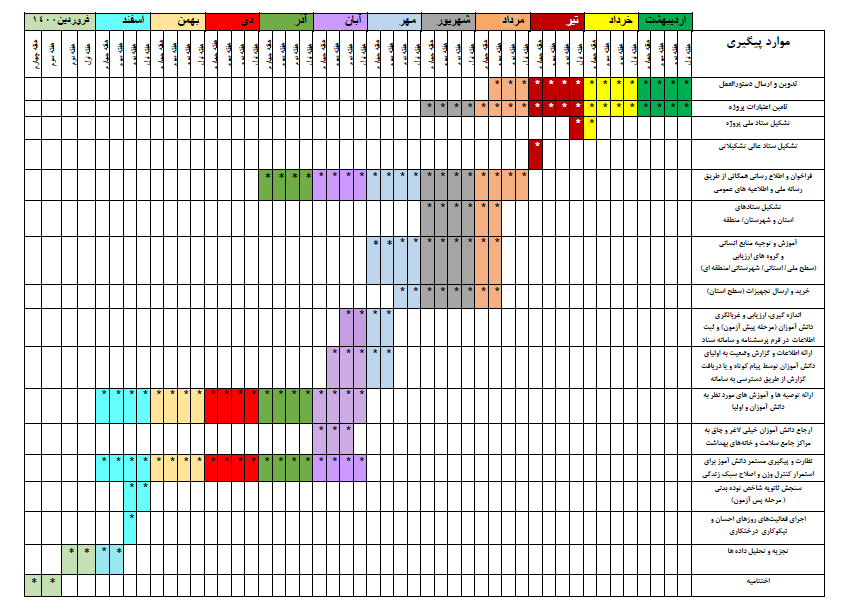
* پیاده روی از منزل تا مدرسه
* استفاده کمتر از تلویزیون و شبکه های مجازی
* کمک به والدین در کار منزل
* کمک دراجرای فعالیت های مدرسه ای
* شرکت در فعالیت ورزشی مدرسه( حياط پويا کانون ورزشی، ورزش با خانواده، ورزش صبحگاهی)
* مسابقه نقاشی، مقاله ،اجرای تئاتر با اجرای نمایش با موضوع نقش تربیت بدنی درپیشگیری از چاقی
* برگزاری مسابقه
* استفاده از ظرفیت های ورزشی محله کوه، پارک، ورزشگاه و...
* اجرای متمرکز بر دانش و مهارت در پیشگیری از چاقی
* پیاده روی با دوچرخه سواری مسیر منزل و مدرسه حداقل چند بار در طول هفته

**-درس تربیت بدنی**

* آموزش و آگاهی بخشی و افزایش دانش و مهارت پیشگیری از چاقی از طریق فعالیت بدنی و تغذیه
* استفاده از ظرفیت برنامه ویژه مدرسه(بوم)

**حمایت مدیر و جو مدرسه**

* انتشار اخبار و اطلاعیه های افراد موفق
* تشویق آنان در مراسم آغازین و اختتامیه پروژه
* دریافت دلنوشته ومیثاق نامه از دانش آموزان
* آگاه سازی و اجرای دقیق دستورالعمل
* سنجش قد و وزن و محاسبه شاخص توده بدنی در کلاس
* اجرای صحیح دستورالعمل پایگاه پایگاه تغذیه سالم و نظارت سالم
* تبلیغات،تراکت،برشور،و..مربوط به خطرات چاقی برسلامتی و تاثیر فعالیت بدنی برکنترل و پیشگیری ازاضافه وزن و چاقی
* راهنمای تغذیه سالم(تبلیغات، پوستر،و....)
* ارائه توصیه های سلامتی و ترویج فرهنگ پیشگیری از اضافه وزن و چاقی

پیوست(1)

راهنمای اندازه گیری قد، وزن و محاسبه شاخص توده بدنی

مقدمه

متداولترین روش برای تعیین اضافه وزن و چاقی در کودکان و نوجوانان استفاده از شاخص توده بدن ((BMI) (Body Mass Indexاست. شاخص توده بدن یک شاخص ساده وابسته به وزن و قد است و از طریق تقسیم وزن )کیلوگرم(بر مجذور قد)متر( محاسبه می شود

از BMI برای غربالگری و شناسایی دانش آموزان لاغر، دارای وزن طبیعی، اضافه وزن و چاق استفاده می شود. هر چند روش های دیگر تعیین چربی دقیق تر هستند اما برای غربالگری و مطالعه جمعیت های بزرگ استفاده نمی شود.

نتایج BMI با نتایج سایر روشهای اندازه گیری چربی، همبستگی مثبت دارد. لذا نتیجه آن از نظر علمی قابل اعتماد و قابل استناد است.

سازمان جهانی بهداشت نیز برای تعیین وضعیت وزن و ترکیب بدنی دانش آموزان (کودکان و نوجوانان) سنجش BMI را توصیه می کند. در این پروژه نیز برای سنجش ترکیب بدنی از روش استاندارد سنجش BMI وابسته به قد و وزن دانش آموز استفاده می شود.

**نحوه اندازه گیری قد**

دانش آموز به طور عمودی، بدون کفش و پاها جفت کنار دیوار و روی یک سطح صاف (با زاویه قائمه نسبت به قدسنج نصب شده روی دیوار قرار دارد، بایستد.

٢. پاشنه ها، باسن، کتف، شانه و سر باید به دیوار بچسبد. اما در نظر داشته باشید که با توجه به قامت و وضعیت ساختاری دانش آموز، ممکن است همه این نقاط با دیوار در تماس نباشد

٣. سر دانش آموز باید مطابق شکل ۱ روبه جلو و دست ها راحت در کنار بدن باشند.

۴. از دانش آموز خواسته شود یک نفس عمیق بکشد و بدن خود را سمت بالا کشش دهد. \*

۵. آزمونگر لبه بالای قدسنج را بر روی بالاترین قسمت سر دانش آموز قرار داده و اندازه قد را از روبرو و با دقت 1/. سانتی متر خوانده و ثبت می کند(چنانچه قدسنج وجود ندارد از نصب یک متر نواری بر دیوار با رعایت کلیه موارد ذکر شده استفاده شود و شرط استفاده از آن این است که چشم فرد آزمونگر در امتداد بالاترین نقطه سر دانش آموز، متر را ببیند و قد دانش آموز را بسنجد)

۶. مطمئن شوید که زانوها خم نشده اند و بازوها در کنار بدن قرار دارند.

**نحوه اندازه گیری وزن**

از دانش آموز بخواهید کفش و لباس های نسبتا سنگین مانند کاپشن و کت را از تن خارج کند. با استفاده از یک ترازو، وزن آزمودنی را اندازه گرفته و آن را با دقت ۱۰۰ گرم (۰٫۱ کیلو گرم) ثبت کنید (شکل ۲)

ملاحظات در اندازه گیری وزن بدن

1- از یک ترازوی استاندارد استفاده کنید.

۲. دانش آموز باید بدون کفش و بدون لباس اضافه وزن شود.

٣. اندازه گیری وزن ترجیحا ساعت ۸ الی ۹ صبح انجام شود.

۴. از آنجایی که تغییرات هورمونی که در طول قاعدگی اتفاق می افتد می تواند تاثیر بسیاری روی تغییرات وزنی داشته باشند، اندازه گیری وزن در این دوران توصیه نمی شود.

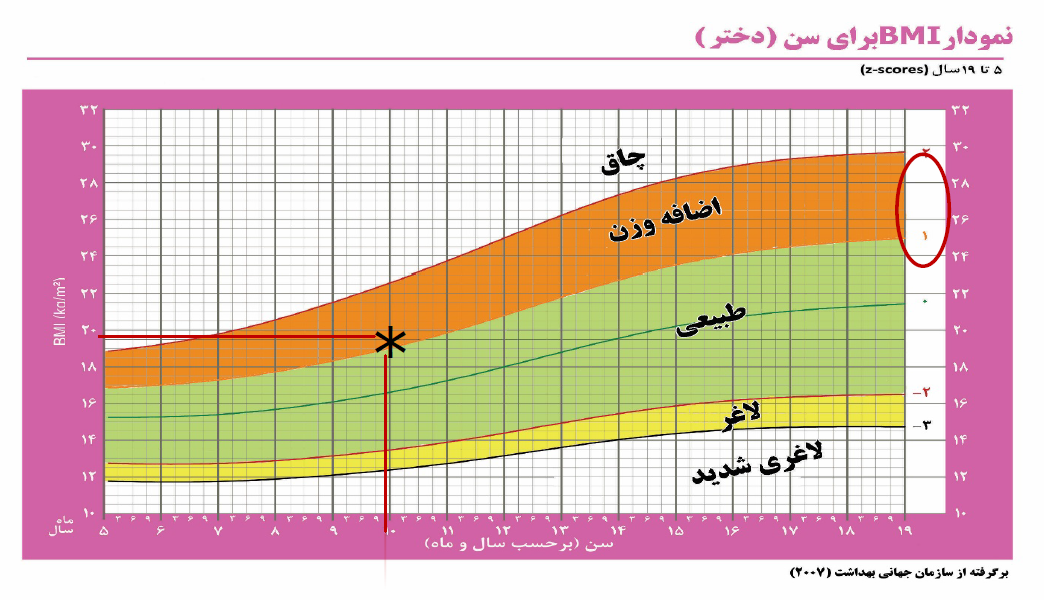
جهت یکسان سازی و کاهش ضریب خطا بهتر است از ترازوی دیجیتال جهت اندازه گیری وزن استفاده شود.

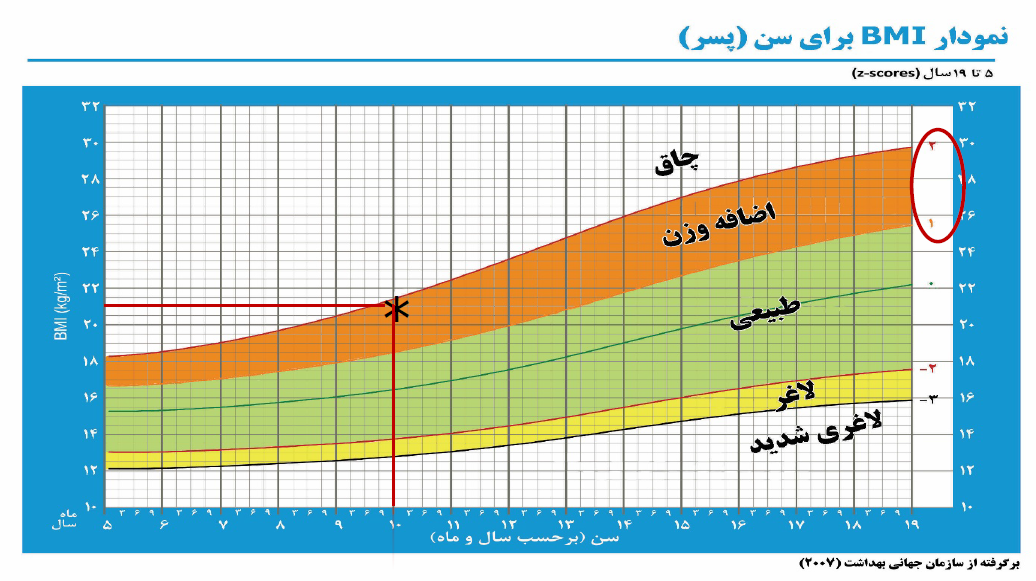
**محاسبه شاخص توده بدنی (BMI)**

جهت محاسبه شاخص توده بدنی، اندازه قد و وزن را در کادر مربوطه در سامانه سناد وارد نمایید. با فشردن دکمه محاسبه BMI، این شاخص بر اساس فرمول تعریف شده به صورت خودکار محاسبه شده و تفسیر آن بر اساس نمودارهای BMI ارائه شده بر حسب سن و جنس دانش آموز(شكل ۳)

در اختیار کاربر قرار می گیرد. تفسير مقادیر شاخص توده بدنی( لاغر، طبیعی، اضافه وزن یا چاق) در سامانه بر اساس نقطه **تلاقی سن و مقدار شاخص توده بدنی** محاسبه شده انجام می گیرد.

تذکر: در صورتی که مدرسه ای به سامانه دسترسی نداشته باشد، فرم اطلاعات دانش آموزان (پیوست ۲) را پس از تکمیل، به اداره آموزش و پرورش شهرستان / منطقه / ناحیه جهت ثبت در سامانه ارسال می نماید





|  |  |
| --- | --- |
| **(SD) Z-score** | **طبقه بندی** |
| بیشتر از 2+ (منطقه سفید بالاتر از ناحیه نارنجی) | چاق |
| بین1+تا2+ (ناحیه نارنجی) | اضافه وزن |
| بین2-تا1+ (ناحیه سبز) | طبیعی |
| بین 2-تا3- (ناحیه زرد) | لاغر |
| کمتر از3- (منطقه سفید پایین تر از ناحیه زرد) | لاغرشدید |

نمودار شاخص توده بدنی دختران و پسران ۵ تا ۱۹ سال

نمودار BMIبرای سن (دختر) فما ۱۹ سال (Estcores نمودار BML برای سن (پسر) ها ۱۹ سال [sore امانه وزن وه : لا لا لاغری شدید اعمال برگرفته از سازمان جهانی بهداشت (۲۰۰۷) برگرفته از سازمان جهانی بهداشت (۲۰۰۲) (SD) Z-score طبقه بندی چاق بیشتر از ۲+ () بین ۱ تا ۲+ () اضافه وزن بین ۲ تا ۱+ (ناحیه سبز) بین ۲ تا ۳- (ناحیه زرد) | کمتر از 3- () طبیعی لاغر لاغری شدید شكل ۳: نمودار شاخص توده بدنی دختران و پسران ۵ تا ۱۹ سال

پیوست (۲) پرسشنامه پروژه ملی کنترل وزن و چاقی دانش آموزان 1- کدملی دانش آموز ( الزامی): ........ ٢- نام: .......... ٣- نام خانوادگی: ......... ۴- نام پدر: ............ ۵- تاریخ تولد: ........... ۶- جنس : دختر پسر - نام مدرسه:........................ ۸- پایه تحصیلی: ...... - استان: ................ ۱۰- شهرستان / منطقه: ............... شهری ] روستایی ۱۱- تلفن همراه پدر یا مادر (الزامی): ........ تذکر: با وارد کردن کد ملی دانش آموز در سامانه تمام بندهای پرسشنامه به جز مورد شماره ۱۱ به طور خودکار در سامانه نمایش داده می شود. نتایج اندازه گیری: . : قد: .......... متر و .......... سانتی متر ( مثال: ۱ متر و ۵۰ سانتی متر) وزن: ................ کیلوگرم ارزیابی کننده: ................................................................. ( معلم تربیت بدنی / مراقب سلامت / آموزگار پایه / دبیر / تیم ارزیاب منطقه) نام و نام خانوادگی ارزیاب: ........... نتیجه بررسی ارزیاب بر اساس خروجی سامانه : . مقدار شاخص توده بدنی (BMI) ............ وضعیت دانش آموز : وزن مطلوب L اضافه وزن L چاق ] لاغر خیلی لاغر ] اقدامات مورد نیاز : توصیه های آموزشی / ارائه برگه ارجاع به مراکز جامع سلامت و خانه های بهداشت ]

پیوست (۳) پوشه کار هفتگی بخش فعالیت حرکتی و تغذیه الف: پوشه کار بخش فعالیت های حرکتی جدول ۱: پوشه کار هفتگی (بخش کاهش عادات رفتاری غیر فعال) نام فعالیت توضیحات امضاء اولیا جدول ۲: پوشه کار هفتگی (بخش عادات رفتاری فعال) توضیحات نام فعالیت امضاء اولیا جدول 3: پوشه کار هفتگی (بخش فعالیت های متوسط تا شدید) روز | شدت نام فعالیت مدت توضیحات و امضاء اوليا ۲۴

ب: پوشه کار بخش تغذیه سالم و ناسالم جدول ۴: پوشه کار هفتگی (بخش تغذیه ناسالم) ردیف | مواد غذایی مقدار مصرف هفتگی شنبه | یکشنبه | دوشنبه سه شنبه چهارشنبه | پنجشنبه | جمعه توضیحات تنقلات شور و پرچرب از قبیل چیپس و پفک شیرینی ها مانند کیک، آبنبات، بستنی، پاستیل، پیراشکی، قند، شکلات و .. خوراکی های پرچرب مانند سس ها، پیتزا، سوسیس، همبرگر و سایر فست فودها نوشیدنی های شیرین و گازدار و آب میوه های غیر طبیعی مانند آب میوه پاکتی، نوشابه، دلستر و... جدول ۵: پوشه کار هفتگی (بخش تغذیه سالم) ردیف مواد غذایی مقدار مصرف هفتگی توضیحات شنبه | یکشنبه | دوشنبه | سه شنبه چهارشنبه | پنجشنبه لبنیات مانند شیر، ماست و... آب میوه ها و نوشیدنی های صد در صد طبیعی | انواع میوه ها و سبزی های طبیعی خشکبار، خرما، کشمش، مغزها و دانه ها لقمه های سالم مانند نان و پنیر و گردو نان و تخم مرغ و ...

پیوست (۴) فرم ارجاع به مراکز جامع سلامت و خانه های بهداشت مرکز خدمات جامع سلامت خانه بهداشت: ................... با سلام خانم / آقای .............................................. ........................... در بررسی و ارزیابی انجام گرفته در « پروژه کنترل وزن و چاقی دانش آموزان ، دارای شاخص توده بدنی .................. می باشند و بر همین اساس در وضعیت لاغر لاغری شدید ] چاق ] قرار دارند. لذا جهت بررسی و اقدامات بیشتر و ارائه توصیه های لازم به آن مرکز معرفی می گردند. نام و نام خانوادگی مدیر مدرسه تاریخ و امضا

6-1با هم نگری مبانی اساسی

از آن جا که تربیت در هر حال عبارت است از کوششی هدفمند برای تحول و حرکت آدمی از وضع موجود به وضع مطلوب، اینک با مرور بر مبانی یاد شده، می توانیم همه آنها را با توجه به مقصود اصلی از این بحث (یعنی تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت) در سه محور توصیف واقعیت انسان و موقعیت او در هستی، ترسیم جایگاه شایسته و مطلوب آدمی در هستی و بیان چگونگی وصول به این جایگاه البته، بنا بر جهان بینی توحیدی و نظام ارزشی دین اسلام تنظیم و تلخیص کنیم.

**1-6-1 واقعیت انسان و موقعیت او در هستی**

1-6-1-1 انسان موجودی دارای فطرت الهی (معرفت و گرایشی اصیل نسبت به خداوند) است، که با اراده آدمی هم قابل فعلیت یافتن و شکوفایی است و هم می تواند به فراموشی سپرده شود، اما هرگز نابود نخواهد شد. وجود فطرت الهی در انسان زمینه بسیار مساعدی است که میتواند به همه شناختها، گرایشها و اعمال وی جهتی الهی دهد و در صیرورت آدمی به موجودی کمال جو، دارای آرمانهای والا و اهداف متعالی وتلاشگر در این جهت، نقش اصلی را ایفا نماید.

**1-6-1-2 انسان دارای استعدادهای طبیعی قابل رشد و عواطف و تمایلات متنوعی**است.

هر شخص می تواند در صورت وجود زمینه مناسب این استعدادها را فعلیت بخشد و تمایلات وعواطف خود را در جهت مورد نظر به کار گیرد. اما فعلیت یافتن این استعدادهای طبیعی یا به کارگیری عواطف و امیال آدمی، با توجه به وجود آزادی و قدرت انتخاب در انسان، همواره در یک جهت نیست و می تواند به طور ناقص یا همه جانبه، به شکل متوازن یا نامتعادل صورت پذیرد.

1-6-1-3 انسان موجودی همواره در حال شدن، حرکت و دگرگونی است.

حرکت نفس در مرتبه انسانی، امری از پیش تعریف شده نیست، بلکه به اراده و انتخاب او بستگی دارد. از این رو حرکت آدمی در جهت صعود یا سقوط، موضوعی نامتعین است که در طی زندگی دنیایی به طور پیوسته ادامه دارد..

1-6-1-4 انسان موجودی آزاد (دارای قدرت انتخاب و اختیار) است، اما این آزادی را خدا به او داده است. در گستره زندگی با فراهم آمدن تجربه های عملی مختلف و افزایش قدرت ارزیابی، می توان انسان را موجودی آزاد ومختار (دارای قدرت انتخاب و اختیار) دانست، ضمن این که علم و عقل نیز از مبادی آزادی و اختیار انسان محسوب میشوند.

1-6-1-5 انسان توانایی شناخت جهان هستی و ابعاد مختلف آن را دارد.

خداوند به انسان نیرویی عطا کرده است که به واسطه آن می تواند از هستی و موقعیت خویش در آن آگاهی یابد. عقل، قابلیتی در نوع بشر است که به وسيله آن می تواند در صدد ادراک واقعیتها وحقائق هستی در همه مراتب و جلوه های آن، با کسب انواع علوم حقیقی واعتباری (البته در حد وسع بشر)، برآید، حق و باطل و صلاح و فساد و صدق و کذب را از هم تمیز دهد، به حقیقت و ارزشهای حق بگرود و در مقام عمل اختیاری نیز به لوازم درک و باور خویش ملتزم گردد و پیوسته با ابداع روش ها و ابزار مؤثر، تدابیر مناسب اتخاذ کند، اعمال صالح انجام دهد و موقعیت خود و دیگران را بهبود بخشد.

این فعالیت عقل در عين محدود و مخاطره آمیز بودن امکان دست یافتن آدمی به واقعیت هستی و برخی حقایق فراتاریخی در مورد آن و بهبود موقعیت خود و دیگران را براین اساس فراهم می آورد. اما فعالیت فکری انسان، چه بسا به لحاظ وجود برخی موانع درونی و بیرونی نسبت به شناخت حقیقت و التزام عملی به لوازم آن، موجب بروز جهل و نادانی، انکار حقایق هستی ومقابله با آنها با انجام اعمال جاهلانه و ناشایست میشود و در نتیجه به تنزل موقعیت خود و دیگران می انجامد.

1-6-1-6 انسان همواره در موقعیت قرار دارد و می تواند آن را درک کند و تغییر دهد. منظور از موقعیت؛ نسبت مشخص، پویا، قابل درک و تغییری (توسط خود و دیگران است که حاصل تعامل پیوستۀ فرد- به منزله عنصری آگاه، آزاد و دارای قدرت انتخاب با خداوند و گستره ای از جهان هستی(خود، طبیعت وجامعه) در محضر خداوند متعال است (که حقیقت برتر، رب یگانه انسان و جهان و محیط بر همه موقعیت س ت ؛ هرچند انسان از او غافل باشد یا به انکار این حقیقت بپردازد). بنابراین درک و تغییر موقعیت با توجه به ویژگی آزادی و توانایی انتخاب انسان می تواند در جهت صعود یا سقوط آدمی باشد.

1-6-1-7 انسان موجودی اجتماعی است و شخصیت او تا حد زیادی در اجتماع و تحت شرایط محیطی ساخته و پرداخته می شود. یعنی هویت انسان از نظام فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اجتماع تأثیر می پذیرد؛ هر چند این تأثیر هرگز به آن پایه نیست که او را به صورت تابعی مطلق از وضع محیط اجتماعی در آورد. بلکه آدمی می تواند در مقابل شرایط محیطی مقاومت نماید یا حتی با شناخت جامعه و قوانین حاکم بر تحولات اجتماعی، بر محیط اجتماعی پیرامون خود تأثیر گذار باشد.

1-6-1-8 انسان در تکوین و تحول هویت ناتمام و پویای خود، نقش اساسی دارد. انسان با داشتن فطرت الهی، برخورداری از قابلیت عقل و استعدادهای طبیعی و تأثیرپذیری نسبی از عوامل محیطی و وراثتی، در اثر درک موقعیت های مختلف و مواجه اختیاری با آنها، به تدریج واقعیتی مشخص و سیال می یابد که از آن با نام هویت یاد میشود. «هویت» به طور کلی برآیند تعامل اختیاری آدمی با مجموعه ای از عوامل و موانع مؤثر بر وجود اوست که در قالب ترکیبی از بینش ها، باورها، گرایش ها، تصمیمات، اعمال مداوم (فردی و جمعی و آثار تدریجی آنها به تدریج در درون خود فرد شکل می گیرد و به همین منوال متحول می گردد. از این رو در نتیجه، هویت متمایز هر انسان، در نهایت محصول اکتساب برخی صفات و توانمندیها و مهارتهای توسط خود اوست و از این رو، نه تنها امری ثابت و از پیش تعیین شده نیست، بلکه حاصل تلاش و توفيق شخص در پرتو اراده و عنایات الهی و البته تا حدودی متأثر از شرایط خواسته و ناخواسته و آگاهانه یا ناخود آگاه حاکم بر زندگی فرد است. لذا هویت هر شخص، واقعیتی تدریجی، پویا و ناتمام در دو بعد فردی و جمعی است که در نهایت با حضور اختیاری انسان در موقعیت های فردی واجتماعی گوناگون (ومتأثر از نحوه درک وتغيير آن ها )در طی زندگی این دنیا به تکوین و تحول می رسد و در حیات اخروی نیز تداوم می یابد. بنابراین تحقق و تحول هویت فردی و جمعی انسان، بیش از هر چیز به جریان منحصر به فرد زندگی فردی و اجتماعی هر شخص و معرفت، باور، اراده و اعمال اختیاری(فردی و جمعی) خود او وابسته است. یعنی هر شخص در روند شکل گیری و تغییر پیوسته هویت خویش، تا حدود زیادی آزاد و لذا نسبت به آن مسئول است.

1-6-1-9 انسان با شناخت، باور، میل و اراده و عمل فردی و جمعی، در تغییر موقعیت، تکوین و تحول هویت فردی و جمعی و تعیین آینده و سرنوشت خویش و دیگران تأثیرگذار است.

انسان به منزل موجودی خردورز، آگاه، باورمند، دارای اراده وعامل، خود منشأ اصلی عمل (یعنی فعل اختیاری برخاسته از معرفت، باور، میل، اراده، طراحی و عزم )خویش است و با کسب معرفت و نگرش، اتخاذ تصمیم و انجام اعمال فردی یا جمعی (شایسته یا ناشایست که همواره بر اساس مبادی معین و در موقعیتی خاص صورت می پذیرد، هم در درک و تغییر موقعیت خویش ودیگران مؤثر است و هم با ایمان (یا کفر) و اراده و عمل صالح (یا ناصالح) و تکرار وتغییر آن، در تکوین و تحول پیوسته هویت فردی و جمعی خود و دیگران و نیز در شکل گیری و تغییر مداوم محیط طبیعی واجتماعی پیرامون خویش نقش می آفریند.

1-6-1-10 خداوند انسانها را با وجود اشتراکات بسیار در استعدادها و علایق طبیعی، فطرت الهی، بهره مندی از عقل و اراده و اختیار و...، دارای برخی خصوصیات متفاوت آفریده است.

بر اساس این تفاوت ها، چگونگی و میزان مسئولیت و نیز گسترۂ زمینه ها، امکانات و فرصتهای تکامل یا تنزل در انسان، گوناگون است. این گونه اختلافها تابع حکمت الهی و نظام علت و معلولی حاکم بر جهان است و سبب می شود تا انسان ها علاوه بر تکالیف مشترک)، بر حسب وسع های متفاوت، با تکالیف و وظایف متنوعی مواجه گردند. این تفاوت قابل توجه هم بین افراد و اصناف بشر (به لحاظ جنسیت یا بر حسب نوع و میزان استعدادهای طبیعی و امکانات و شرایط زندگی) وجود دارد و هم در طول زندگی یک فرد و بر حسب شرایط و مقتضیات مراحل رشد رخ می نماید.

**1-6-2 جایگاه شایسته آدمی در هستی**

1-6-2-1 انسان آفریده خداست؛ پس غایت زیست انسانی نمی تواند فارغ از غایت آفرینش باشد و غایت آفرینش انسان، باید با غایت آفرینش جهان هماهنگ باشد.

دستیابی به غایت هستی، هدف اساسی آدمی است؛ اما رسیدن به این هدف، با توجه به نیروی اراده و اختیار در آدمی، مستلزم حرکت تعالی جویانه انسان از مراتب فرودین زندگانی به سوی حق متعال است. این حرکت، نیازمند تلاش و کوشش مستمر و تعهد نسبت به ارزش های متعالی است.

1-6-2-2 قرب الى الله مصداق اتم غایت زندگی انسان از منظر دین است و تحصیل همه کمالات مقدمة قرب به خدا و انسانیت انسان در گرو رسیدن به مراتب آن است.

مراد از قرب به خداوند، نزدیکی زمانی و مکانی آدمی به حضرت حق نیست؛ بلکه مقصود از آن رابطه ای حقیقی بین خدا و انسان است؛ به گونه ای که روح انسان در اثردرک، باور و اعمالی خاص متناسب با غایت آفرینش خویش و براساس خواست و نظام معیار الهی) رابطه ای وجودی وآزادانه (اختیاری) با خدای متعال برقرار سازد و به طور مداوم آن را تشدید کند و در نتیجه ایجاد چنین ارتباطی مراتب کمال را در وجود خویش محقق سازد. این ارتباط، واقعیتی تکوینی، ولی حصول آن (به لحاظ مقدمات) امری اکتسابی و اختیاری است. البته این ارتباط وجودی با خداوند (که کمال مطلق وموجود بی نهایت است) امری دارای مراتب و درجات است، که می تواند به طور مدام تشدید شود یا تنزل یابد.

1-6-2-3 شرط اصلی قرب الى الله، تحقق توحید ربوبی در همه مراتب و ابعاد زندگی انسان است.

آدمی برخلاف دیگر موجودات عالم تکوین، راه پر پیچ و خمی به سوی اثبات توحید ربوبی در پیش رو دارد. زیرا او بر سر دوراهی انتخاب قرار دارد و می تواند بر اساس ارادۂ تکوینی حق مبنی بر آزادی انسان) توحید ربوبی را پذیرا شود یا آن را در نظر یا عمل) انکار کند. اما تحقق هستی متعالی و پایدار انسانی برای وصول به آسایش جاودانه، در گرو پذیرش و تحقق توحید ربوبی توسط خود انسان است.

هرچند این امر به اثبات فلسفی و تبیین فکری تقلیل نمی یابد باید در اندیشه، باور، میل، اراده و عمل فردی و جمعی آدمی نیز تا حد شکل گیری صفات و توانمندیهای شخصیتی (براساس اراده و مشیت ربوبی و بالأخره تکوین هویت یک پارچه توحیدی و تحقق تمام ابعاد فردی و اجتماعی حیات آدمی) بر این مبنا ظهور نماید. تحقق توحید با قلب، زبان و عمل چنان است که فرد پس از شناخت خدا (که رب یگانه جهان و انسان است)، تنها او را رب خود و دیگران بداند و برگزیند و در مقام عمل فردی و جمعی نیز فقط به ربوبیت او تن دهد؛ یعنی بکوشد تا تمام مراتب و ابعاد حیات فردی و جمعی خود را، صرفا بر اساس نظام معیار ربوبی-یعنی مبانی و ارزشهای مقبول رب یگانه انسان و جهان براساس دین حق (= اسلام) - سامان دهد. بنابراین، می توان در بیانی دیگر، ارزش و غایت نهایی حرکت انسانی را تحقق توحید ربوبی در همه مراتب و ابعاد زندگی دانست.

1-6-2-4 تحقق حیات طیبه بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار ربوبی، تنها راه قرب الى الله است.

حیات طیبه، وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، بر اساس نظام معیار ربوبی است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی انسان یعنی قرب الهی خواهد شد. تحقق این گونه زندگانی، مستلزم ارتباط آگاهانه و اختیاری با حقیقت هستی و تشدید رابطه با او در همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی است که باید بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیارمناسب با دین حق(=اسلام) باشد. بنابراین، یکی از مشخصات اصلی حیات طیبه، تکیه بر ارزش غایی زندگی قرب الى الله و نظام معیار متناسب با آن یعنی مبانی و ارزشهای مقبول دین اسلام است. زیرا با توجه به لزوم پذیرش ربوبیت خداوند متعال (که یگانه رب حقیقی جهان و انسان است) این نظام معیار، جهت اساسی نحوه تحقق حیات طیبه را در همه مراتب و ابعاد آن مشخص می نماید. لذا، انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار ربوبی (ایمان به عقائد و ارزش های دین حق و انطباق همه ابعاد زندگی با این نظام (تقوا)، وجه تمایز اساسی حیات طیبه از زندگی غیردینی (= سکولار) رایج محسوب میشود.

1-6-2-5 تحقق حیات طیبه دارای ابعاد فردی و اجتماعی و دربرگیرنده شئون مختلف زندگی آدمی است.

حیات طیبه در حقیقت حاصل ارتقا و استعلای حیات طبیعی و متعارف آدمی، با صبغه الهی بخشیدن به آن است که با پذیرش حاکمیت نظام معیار ربوبی (مبانی و ارزشهای مقبول دین اسلام) برشئون مختلف زندگی آدمی و انتخاب و التزام آگاهانه واختیاری این نظام معیار تحقق می یابد. پس حیات طیبه جنبه های گوناگون زندگی متعارف بشر را فرا می گیرد. لذا از آن جا که میان جنبه های گوناگون حیات آدمی، تعامل و ارتباط وجود دارد، نمی توان و نباید در تحقق حیات طيبه هیچ کدام از این شئون را از نظر دور داشت یا به طور نامتوازن به آنها پرداخت. بنابراین اگرچه حیات طیبه مفهومی یکپارچه و کلی است، اما در بردارنده شئون متعدد زندگی متعارف انسان است که در ارتباط و تعامل با همدیگر، این مفهوم پویا و متکامل را محقق می سازند. این شئون را میتوان با عنایت به جنبه های مختلف وجود انسان و استقلال نسبی آنها به این شرح برشمرد: شأن اعتقادی، اعتقادی واخلاقی، شأن بدنی و زیستی، شأن اجتماعی و سیاسی، شأن علمی و فناوری، شأن اقتصادی و حرفه ای و شأن هنری و زیبایی شناختی در این میان، البته شأن اعتقادی، عبادی واخلاقی در بین شئون حیات طیبه، جایگاهی ویژه دارد؛ هم از نظر اولویت وتقدم رتبی این شأن به لحاظ نقش محوری اعتقاد والتزام به نظام معیارربوبی در همه ابعاد و شئون حیات طیبه و تأثیری که توجه به این جنبه از زندگی در ایجاد وتقویت ایمان (= باور به خداوند و انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار ربوبی) و انجام اعمال صالح فردی و جمعی(رفتارهای اختیاری مبتنی بر مبادی معرفتی، میلی وارادی) بالتزام به رعایت تقوا(= انطباق با نظام معیار ربوبی) دارد و هم از نظر چگونگی ارتباط آن با س ایر شئون زندگی انسان که در عین وجود نوعی تمایز و استقلال نسبی، با همه آنها در هم تنیده است (به دلیل شمول معیارهای اعتقادی، عبادی واخلاقی بر همه شئون زندگی انسان). بنا براین، شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی زندگی با دیگر شئون حیات طیبه متفاوت است و به طور طبیعی و منطقی، جایگاه محوری و ممتازی را در تحقق حیات طیبه بر عهده دارد.

1-6-2-6 مراتب و ابعاد حیات طیبه را می توان از منظر دینی مصداق همه مفاهیم و ارزش های ناظر به غایت زندگی انسان، که قابل تحقق در زندگی دنیوی بشرند، دانست.

تحقق حیات طیبه در همه ابعاد، از منظر دینی غایت قابل وصولی برای همه اعمال فردی و جمعی آدمیان در زندگی دنیاست. البته حیات طیبه مراتبی دارد که تحقق برخی از آنها را می توان با عنایت به علاقه ذاتی همه انسانها نسبت به تداوم و توسعه زندگی پاکیزه، گوارا ومتوازن مطلوب فطری وبالفعل همه انسانها دانست و همه افراد جامعه (اعم از دینداران و غیر آنان را به سوی تحقق حیات طیبه در این مراتب فراخواند. لذا تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد آن، نه تنها مقصود همه اعمال فردی و اجتماعی هر انسان دیندار در دنیاست، بلکه وصول به برخی مراتب مقدماتی ویا پیش نیاز آن- نظير تأمین متعادل نیازهای زیستی و طبیعی افراد جامعه در چهارچوب نظام معیار ربوبی(سلامت، آرامش و امنیت و دوری از فقر و تنگدستی.........) یا رعایت بعضی از هنجارها و ارزشهای اخلاقی مورد قبول عموم عقلاء (صداقت، امانتداری، وفای به عهد وعدالت ورزی و...) هم، مقبول نظام معیار ربوبی وبلکه مورد تأکید فراوان همه ادیان الهی است وهم، مورد درخواست هر شخص خردمند و دارای عقل سلیمی است که جلودهای التزام عملی به فطرت پاک و طبیعت سالم انسانی، در وجود او باقی باشد. لذا می توان و باید تدبیر و تلاش برای تحقق این نوع زندگانی شایسته را از این مراتب مقدماتی و پیش نیاز آغاز نمود.

1-6-2-7 یکی از ویژگی های مهم حیات طیبه، توازن و اعتدال در ابعاد مختلف است.

فرد دارای حیات طیبه، انسانی معتدل است، به طوری که علاوه بر شکوفایی فطرت الهی، به رشد همه جانبه استعدادهای طبیعی و تنظیم متعادل عواطف و تمایلات خود بر مبنای نظام معیار اسلامی (به دور از هرگونه افراط و تفریط) دست یافته است و جامعه موصوف به حیات طیبه، یعنی جامعه صالح نیز در مسیر تحقق مفهوم قرآنی «امت وسط»، از حد قابل قبولی از همه شاخص های اجتماعی «زندگانی سالم و طبیعی (و البته تعالی جویانه) انسان»، به طور متوازن - البته براساس همین نظام معیاراسلامی برخوردار است.

1-6-2-8 مهم ترین زمینه تحقق حیات طیبه در بعد فردی آن است که هر یک از افراد جامعه، آماده تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد شوند و مؤثرترین بستر تحقق حیات طیبه در بعد اجتماعی هم آن است که جامعه به لحاظ حیثیت جمعی خود(روابط و اوصاف متکی برجمع ) آماده تحقق آگاهانه و اختیاری حیات طیبه شود.

هرچند شکل گیری حیات طیبه، صرفا در پرتو مشیت و هدایت الهی و با استمداد از عنایات او امکان پذیر است و در حقیقت بنا بر نص قرآن کریم - (نحل:۹۷) - حیات طیبه را خدای متعال به انسان های دارای ایمان و عمل صالح ارزانی می دارد، اما بر اساس سنت الهی لزوم تکیه بر اسباب وعلل، تحقق این مهم نیازمند تمهید انواع مقدمات و فراهم آوردن زمینه ها و شرایط مناسب اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... برای آن است، که مداخله مؤثر فردی و اجتماعی را جهت ایجاد مقتضیات و رفع موانع این نوع زندگانی شایسته (البته به شکل منطبق با نظام معیار ربوبی) اقتضا می نماید.

**1-6-3 - چگونگی وصول انسان به جایگاه شایسته خود در هستی**

1-6-3-1 باید زمینه شکوفایی فطرت الهی انسان را فراهم نمود؛ یعنی سعی شود تا این سرمایه ی ارزشمند خداداد، فعلیت یابد، تثبیت شود و تعالی پیدا کند. تکیه بر فطرت الهی زمینه بسیار مساعدی که می تواند به همه شناختها، گرایشها و اعمال انسان جهت والای الهی دهد در صیرورت آگاهانه و اختیاری آدمی به موجودی والا، ممتاز و هدف دار نقش اصلی را ایفا می کند و لذا باید در روند تکوین و تحول هویت، با ایجاد مقتضیات و رفع موانع، زمینه های لازم را برای بهره مندی از این سرمایهی خداداد که در وجود آدمی به طور خودکار فعال نیست و حتی می تواند بر اثر همراهی فرد با برخی عوامل و موانع محیطی، پنهان یا تضعیف شودفراهم کرد و آن را فعلیت بخشید، تثبیت کرد و شکوفا ساخت.

1-6-3-2 باید زمینه هدایت روند رشد استعدادهای طبیعی و تنظیم عواطف و تمایلات انسان به گونه ای همه جانبه، متعادل و همسو با شکوفایی فطرت، در جهت غایت زندگی انسان (کمال وجودی او = قرب الى الله) مهیا گردد.

با عنایت به صیرورت اختیاری آدمی، فعلیت یافتن این تواناییهای خداداد وتعديل امیال وعواطف به شکل مداوم و در جهت هدف غایی زندگی انسان و كمال وجودی او ضرورت می یابد. لذا جریان رشد استعدادهای طبیعی(یعنی مجموعه تغییرات پیوسته، بالنده و نسبتا پایدار در همه استعدادهای طبیعی انسان و بهره مندی از عواطف و تمایلات طبیعی باید به گونه ای همه جانبه و متعادل (متناسب با مراحل متفاوت و شئون مختلف حیات و همسو با شکوفایی فطرت) راهنمایی شود تا در جهت غایت زندگی (قرب الى الله و براساس هدایت تشریعی الهی قرار گیرد. اما از آنجا که روند رشد استعدادهای طبیعی و تنظیم امیال و عواطف انسان، با وجود تأثیرپذیری از شرایط و عوامل بیرونی، در نهایت به خواست آگاهانه و اراده و عمل خود فرد وابسته است، ضروری است تا بهره مندی آدمی در طول زندگی از این گونه هدایت، باتوجه به نقش آفرینی آگاهی و اختیار خود فرد، صورت پذیرد.

1-6-3-3 باید در مسیر قرب الى الله، افراد جامعه را جهت تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد فردی و اجتماعی، بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیاراسلامی آماده ساخت تا زمینه اصلی شکل گیری و پیشرفت مداوم جامعه صالح برهمین اساس فراهم شود.

بدون شک مهمترین زمینه تحقق حیات طیبه آن است که هر یک از افراد جامعه، آماده تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه (براساس ایمان، انتخاب و التزام نظام معیار متناسب با این نوع زندگی برتر ومهیای انجام عمل صالح فردی و جمعی شوند تا این نوع آمادگی در کلیت جامعه ایجادشود که جامعه صالح (= اجتماع انسانی مطلوب بر اساس نظام معیارربوبی) با وجود این آمادگی به آسانی تشکیل شود. لذا باید گفت ایجاد این گونه آمادگی در آحاد جامعه (به لحاظ تکیه حیات طیبه بر وجود انسان هایی دارای معرفت و ایمان و توانا در انتخاب و اراده خیرات واهل عمل صالح فردی و جمعی ونیز دارای روابط جمعی بر اساس نظام معیار اسلامی) - چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی - مهمترین زمینه و عنصر اصلی واقعیت یافتن این نوع زندگی شایسته است.

1-6-3-4 باید در راستای تحقق حیات طیبه، زمینه های لازم را جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت فردی و جمعی افراد جامعه، به منظور شکل گیری و تحول مداوم جامعه ای صالح براساس نظام معیار اسلامی، فراهم آورد.

وجود آمادگی در افراد جامعه برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، امری مطلوب و آرمانی است. از آنجا که شکل گیری و تحول هویت از سویی بیش از هر چیز به جریان منحصر به فرد زندگی فردی و اجتماعی هر شخص و اراده و اعمال اختیاری خود او وابسته است و از سوی دیگر روند شکل گیری و تحول مداوم جامعه نیز در آینده بر اعمال و کوششهای فردی و جمعی بسیار تأثیرگذار است، لذا آدمی برای آماده شدن جهت تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، لازم است

در روند تکوین و تعالی پیوسته هویت فردی و جمعی خود براساس نظام معیار اسلامی در راستای شکل گیری جامعه صالح وتحول مداوم آن برهمین مبنا نقش آفرینی کند.

1-6-3-5 هر انسان برای تأثیرگذاری در روند تکوین و تعالی پیوسته هویت فردی وجمعی خویش باید موقعیت خود و دیگران را به درستی درک کند و آن را به طور مداوم براساس انتخاب والتزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار اسلامی بهبود بخشد.

باتوجه به این که آدمی همواره در موقعیت خاصی قرار دارد و می تواند همواره آن را با تکیه برخردورزی به درستی درک کند و با اراده و عمل آگاهانۀ فردی و جمعی تغییر دهد، لذا آدمی باید برای تکوین و تحول پیوستۀ هویت فردی و جمعی خود در راستای تشکیل و تحول مداوم جامعه ای صالح براساس نظام معیار اسلامی - که شکوفایی فطرت، رشد همه جانبه استعدادهای طبیعی و تنظیم متعادل عواطف و تمایلات آدمی را نیز به همراه دارد- هم در درک درست موقعیت خویش و دیگران و هم در بهبود مداوم آن براساس انتخاب والتزام آگاهانه واختیاری نظام معیار اسلامی، مؤثر باشد.

1-6-3-6 هر انسان برای درک مناسب موقعیت خود و دیگران و عمل مداوم برای بهبود آن بر اساس نظام معیاراسلامی، باید شایستگی های فردی و جمعی لازم را (نظیر تعقل، معرفت، ایمان، تقوا، انگیزه، توانایی و مهارت جهت انجام اعمال صالح فردی وجمعی) کسب نماید.

درک و بهبود مداوم موقعیت خود و دیگران، حاصل تعامل فردی و جمعی پیوسته انسان به منزله عنصری آگاه، آزاد و فعال)با خداوند و گستره ای از جهان هستی در محضر حق متعال است؛ و این گونه تعامل، مقتضی معرفت فرد نسبت به خود و اعتماد به خویش که شناسنده و اصلاح کننده موقعیت است و معرفت و باور به خداوند (حقیقت برتر ورب یگانه جهان و واقعیت فراتر هر موقعیت و کشف و برقراری نسبت عناصر موقعیت با خداوند متعال که مبدأ و مقصد هستی است؛ چه این که هرگونه عمل آدمی نیز دست کم بر مبادی خردورزی، معرفت، باور، میل و اراده متکی است و عمل شایسته جمعی نیز علاوه بر انطباق محتوای آن با نظام معیاراسلامی (=تقوا) وتكية عامل بر ایمان (=باور به خداوند وشناخت، انتخاب والتزام آگاهانه و اختیاری نظام معیاراسلامی)، نیازمند تحقق اوصافی جمعی در عاملان (نظیر همراهی و تعاون با یکدیگر در مسیر خیر، توصیه مداوم یکدیگر برحق و تحمل مشکلات، سعه صدر، پذیرش خردجمعی و پیروی همگان از تصمیمات رهبری خردمند وعادل) حاصل میشود و بدیهی است که هیچ یک از این خصوصیات لازم برای درک موقعیت خود و دیگران و عمل مداوم برای بهبود آن براساس نظام معیاراسلامی، در وجود انسانها فعلیت ندارند ولذا باید هر انسان طی فرایندی مستمر، هدفمند و سنجیده، این گونه صفات و توانمندی های لازم (= شایستگی های فردی و جمعی) را کسب نماید.

1-6-3-7 باید جمعی از افراد نسبتا رشد یافته هر جامعه، به منظور هدایت دیگر انسانها در مسیر قرب الى الله، زمینه های اجتماعی و هدفمند تکوین و تعالی پیوسته هویت آنها را فراهم آورند تا ایشان با کسب شایستگی های فردی و جمعی لازم، جهت درک موقعیت خود و دیگران و عمل مداوم برای اصلاح آن بر اساس نظام معیارربوبی، برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد آماده شوند.

با اینکه براساس ربوبیت الهی و با مشیت و تقدیر رب العالمین، در جریان تکوین هویت آدمی وهر گونه تحول در آن، اراده و عمل اختیاری هر فرد نقش اصلی را برعهده دارد، عوامل پیدا و پنهان بسیاری نیز در این روند-بطور آگاهانه وعمدی یابه صورت تکوینی(غیر عمدی وحتی ناآگاهانه) - باذن الهی تأثیرگذارند؛ لذا در این زمینه، با توجه به تعالیم دینی و با پیروی از سیره مربیان الهی و براساس سنت الهی لزومتکیه بر اسباب و علل، نمی توانیم از تمهید عامدانه شرایط اجتماعی مناسب برای کمک به حرکت آگاهانه و اختیاری دیگران به سوی کمال (یعنی قرب الى الله و تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد) غافل شویم. بنابراین باید، جمعی از افراد نسبتا رشد یافته هر جامعه، زمینه های اجتماعی و هدفمند هدایت افراد جامعه خود را با ایجاد مقتضیات و رفع موانع تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان در راستای شکل گیری جامعه ای صالح، براساس نظام معیار دینی، فراهم آورند تا ایشان با کسب شایستگی های فردی و جمعی لازم جهت درک موقعیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آن بر این اساس، برای تحقق آگاهانه واختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد آماده شوند. هر چند هرگونه توفیق در این مسیر، از سویی منوط به انتخاب وارادة خود فرد و از دیگر سو در گرو اراده و مشیت الهی و در حقیقت وابسته به امداد وتأیید حضرت حق و لطف وعنایت ربوبی اوست، که مربی حقیقی آدمیان است

؛ همچنان که قرآن کریم می فرماید: «انک لاتهدی من احببت ولكن الله يهدي من يشاء» قصص /۵۶

154-158

**4-3 اهداف تربیت**

تحقق هدف کلی تربیت – یعنی «آمادگی فردی و جمعی متربیان برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد ومراتب» یا «تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان در جهت شکل گیری و پیشرفت مداوم جامعة صالح براساس نظام معیار اسلامی به گونه ای که بتوانند موقعیت خود و دیگران در هستی را به درستی درک و آن را به طور مستمر با عمل صالح فردی و جمعی متناسب با نظام معیار اسلامی اصلاح نمایند» - بیش از هر چیز، به جریان منحصر به فرد زندگی هر شخص و اراده و اعمال اختیاری خود او وابسته است؛ اما برای نقش آفرینی در این امر به صورت مناسب، با توجه به روند تكوين وتحول هویت، لازم است متربیان نخست مجموعه ای از شایستگی های لازم را کسب نمایند. چنان که گذشت منظور از شایستگی های لازم، مجموعه ای ترکیبی از صفات، توانمندیها ومهارتهای فردی و جمعی(نظير تعقل، معرفت، ایمان، اراده و تقوا) ناظر به تکوین و تعالی هویت در تمام شئون زندگی وتمام مؤلفه های جامعه صالح است که متربیان در جهت درک موقعیت خود و دیگران و عمل برای بهبود مستمر آن در راستای آماده شدن برای تحقق مراتب حیات طیبه باید آنها را کسب کنند.

بنابراین، شایستگی های لازم، بیان تفصیل یافته ای از همان هدف کلی فرایند تربیت اندکه می توان آنها را بر حسب انواع تربیت، اهداف متنوع فرایند تربیت در نظر گرفت وانتظار داشت که متربیان با ملاحظه آنها و کوشش نسبت به کسب این صفات و تواناییها، در راستای تحقق هدف کلی فرایند تربیت و نتیجه آن حرکت کنند.

**اهداف جریان تربیت (با توجه به ساحتهای تربیت)**

شایستگی های فردی و جمعی لازم جهت درک واصلاح مداوم موقعیت خویش ودیگران بر اساس انتخاب والتزام آگاهانه واختیاری نظام معیار اسلامی را میتوان به طرق گوناگون و برای سطوح ومراحل مختلف فرایند تربیت (برحسب شرایط متربیان و مقتضیات زمان ومکان و.....) تعیین نمود. ولی در اینجا با توجه به ساحتهای تربیت ، برحسب شئون مختلف حیات طیبه، اهداف تربیت را در سطحی کلی بیان می کنیم

**اهداف ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی**

• پذیرش آزادانه و آگاهانه دین اسلام (به عنوان آیین زندگی و مبنای نظام معیار) برای تکیه بر آن، جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت خود در راستای تشکیل جامعة صالح و پیشرفت مداوم آن؛

•تلاش مداوم جهت ارتقای ابعاد معنوی وجودی خویش و دیگران از طریق برقراری ارتباط با خداوند (عبادت و تقید به احکام دینی ودعوت سایرین به دینداری و اخلاق مداری؛

•خودشناسی ودیگرشناسی برای پاسخ گویی مسئولانه به نیازها، محدودیت ها و پیشرفت ظرفیت های وجودی خویش ودیگران از طریق درک و اصلاح موقعیت خود و دیگران براساس نظام معیار اسلامی؛

• تلاش پیوسته برای خودسازی واصلاح دیگران براساس نظام معیاراسلامی از طریق مهار غرایز طبیعی، تعدیل عواطف و تمایلات، تقویت اراده و خویشتن داری، حفظ کرامت و عزت نفس، کسب صفات و فضایل اخلاقی، پیشگیری از تکوین صفات و رذائل غیر اخلاقی و امر به معروف و نهی از منکر؛

• تلاش پیوسته برای حضور مؤثر و سازنده دین و اخلاق در تمام ابعاد فردی و اجتماعی زندگی با التزام عملی به نظام معیار اسلامی (تقید عملی به احکام و ارزشهای اسلامی ورعایت اصول و آداب اخلاقی در زندگی روزمره).

**اهداف ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی**

• بازشناسی، حفظ و اصلاح آداب، رسوم، هنجارها و ارزش های جامعه در پرتو نظام معیاراسلامی؛

• درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانه با تحولات اجتماعی وسیاسی بر اساس نظام معیار اسلامی، به منظور ساختن آینده ای روشن و تأثیرگذاری بر آینده خود و جامعه در سطح ملی و جهانی؛

• توسعه آزادی و مرتبه وجودی خویش و دیگران در پرتو درک واصلاح موقعیت اجتماعی خود و دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران و همشهریان وهموطنان و....)، برقراری رابطه سازنده و مناسب با ایشان بر اساس نظام معیار اسلامی و کسب صفاتی جمعی نظیر احسان، مهر ورزی، انصاف، خیرخواهی، بردباری، وفاق، همدلی و مسالمت جویی؛

• آمادگی جهت تشکیل خانواده و حفظ و تداوم آن به مثابه مهم ترین نهاد تحقق بخش جامعة صالح براساس ارزشهای نظام معیار اسلامی؛

• تعامل شایسته بانهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی و کسب شایستگی هایی نظیر رعایت قانون، مسئولیت پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی و پاسداشت ارزش های اجتماعی در جهت شکل گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن بر اساس نظام معیاراسلامی؛

• بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی، همراه با توجه به نیازهای حال و آینده جامعه و تلاش جهت تحقق امت واحدہ اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی؛

• تلاش برای ارتقای ابعاد مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) هویت خویش به طور یک پارچه و براساس نظام معیار اسلامی؛

• مشارکت جمعی مؤثر در حیات اجتماعی و سیاسی با رعایت اصول حق طلبی، حفظ کرامت وعزت، ظلم ستیزی، عدالت خواهی، کسب و حفظ استقلال همه جانبه، مراعات حقوق و آزادی های مشروع دیگران، پیشرفت مردم سالاری دینی، بسط عدالت اجتماعی، حفظ وحدت و تفاهم ملی، تعامل میان فرهنگی و تفاهم بين المللی بر اساس نظام معیاراسلامی.

**اهداف ساحت تربیت زیستی و بدنی**

• درک ویژگیهای زیستی خود و پاسخگویی مسئولانه به نیازهای جسمی و روانی خویش از طریق تعديل غرایز و تمایلات و عواطف طبیعی، تقویت قوای جسمی و روانی و مبارزه با عوامل ضعف و بیماری بر اساس نظام معیار اسلامی؛

• تلاش پیوسته جهت حفظ و ارتقای سلامت و بهداشت جسمی و روانی خود و دیگران براساس نظام معیار اسلامی؛

• بصیرت نسبت به سبک زندگی انتخاب شده و ارزیابی پیامدهای آن درباره خود، جامعه وطبیعت بر اساس نظام معیار اسلامی؛

• تلاش فردی و جمعی برای حفظ و ارتقای سلامت و ایمنی افراد جامعه در سطح محلی،ملی و جهانی بر اساس نظام معیار اسلامی؛

• کوشش مداوم فردی و جمعی برای حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت براساس نظام معیار اسلامی

**اهداف ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری**

• درک معنای پدیده ها وهدف رویدادهای طبیعت آهستی برای دست یابی به درک کلی از جهان هستی و جایگاه خویش در آن بر اساس نظام معیار اسلامی؛

• رمزگشایی و رمزگردانی از پدیدههای آشکار و پنهان طبیعت / هستی و ابراز آن به زبان هنری؛

•پرورش حواس و قدرت تخیل برای بازخوانی فطرت الهی خویش و دریافت تجلیات حق در سراسر طبیعت هستی با توجه به نظام معیار اسلامی؛

• درک زیبایی های جهان آفرینش به منزله مظاهر جمال و کمال الهی و ارتقای ذائقه زیباشناسانه خود؛

• زیبا سازی محیط زندگی وپیراستن آن از انواع زشتیهای معنوی، اخلاقی وزیست محیطی

• بهره گیری از قدرت تخیل خود در خلق آثار هنری با هدف حفظ و تعالی میراث هنری در سطح ملی و جهانی.

**اهداف ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای**

• تدبیر امر معاش و زندگی اقتصادی با درک موقعیت اقتصادی خود و جامعه و تلاش برای بهبود پیوسته آن از طریق مشارکت سازنده در فعالیت های اقتصادی متناسب بر اساس نظام معیار اسلامی؛

• درک و فهم مسائل اقتصادی خود و جامعه در زمینه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی) و رعایت الگوهای ملی تولید، توزیع و مصرف منابع، کالاها و خدمات، با توجه به نظام معیار اسلامی؛

• مراعات قوانین و احکام معاملات و التزام به ارزش های اخلاقی و رعایت حق، عدالت وانصاف در روابط اقتصادی با دیگران بر اساس نظام معیار اسلامی؛

• کسب شایستگی های لازم جهت تکوین و تعالی مداوم هویت حرفه ای و انتخاب آگاهانه شغلی متناسب با تواناییها و علائق خود و فعالیت در آن حرفه در جهت رفع نیازهای فردی و اجتماعی و کمک به منافع شخصی و ملی، بر اساس نظام معیار اسلامی؛

• تلاش فردی و جمعی برای تحقق غنا، کفاف، عمران، رشد و استقلال اقتصادی، حفظ و پیشرفت ثروت ملی، افزایش بهره وری، تأمین رفاه عمومی و بسط عدالت اقتصادی و شناسایی عوامل فقر، فساد و تبعیض و تلاش جهت مقابله با آنها در سطح ملی و جهانی در جهت تشکیل جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن، بر اساس نظام معیار اسلامی

**اهداف ساحت تربیت علمی و فناوری**

• شناخت و بهره گیری از نتایج تجارب متراکم بشری در حوزه علم و فناوری (فهم و درک دانش های پایه و علوم کاربردی، کسب مهارت دانش افزایی، کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی، به کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی و داشتن تفکر انتقادی در مواجهه با مسائل زندگی ) بر اساس نظام معیار اسلامی؛

• بهره گیری و ارزیابی از یافته های علمی و فناورانه و ایجاد خلاقیت و نوآوری در آنها جهت کشف صورتهای جدید واقعیت یا خلق روش ها و ابزارهای نوین برای وصول به اهداف متعالی در چهارچوب نظام معیار اسلامی؛ و برنامه ریزی و اجرای آگاهانه فعالیتهای علمی پژوهشی برای دست یابی خود و جامعه به آینده مطلوب بر مبنای نظام معیار اسلامی؛

• برقراری ارتباط سازنده با طبیعت از طریق شناخت و استفاده از طبیعت با هدف تکریم، تسخیر، آبادانی و آموختن از آن برای ایفای نقش سازنده در فعالیتهای علمی در سطح ملی و جهانی بر اساس نظام معیار اسلامی؛ • درک و کشف و تفسیر پدیده ها و رویدادهای طبیعی در جهت رمزگشایی و رمزگردانی از آنها به منزله مخلوقات و آیات الهی در پرتو نظام معیار اسلامی

206-226

1-مبانی اساسی تربیت رسمی وعمومی

فلسفه تربیت رسمی و عمومی مانند هر نظریۂ کلان وخرد تربیتی بر مفروضات و مبانی خاصی استوار است. اعتبار گزاره های تجویزی فلسفه تربیت رسمی و عمومی از مفروضات و مبانی آن نشأت می گیرد. البته بخش مهمی از این مبانی و مفروضات در «فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران» و مبانی اساسی مندرج در این مجموعه مدون به اجمال در بخش پیشین مورد بحث قرار گرفته است. اما بخش دیگری از تبیین فلسفی تربیت رسمی و عمومی به دلیل ویژگی های این نوع از تربیت با مباحث سیاسی و حقوقی ارتباط پیدا می کند.

از سوی دیگر، این نوع تربیت به سبب شمول نسبت به گروه ویژه ای از مخاطبان در دوره رشدی خاص با مباحث روان شناختی و همچنین به دلیل تلقی از نظام تربیت رسمی وعمومی به مثابه یک نهاد اجتماعی خاص با مباحث جامعه شناختی نیز ارتباط پیدا می کند. لذا برای تبیین تربیت رسمی وعمومی باید از دستاوردهای معتبر این دو دانش مرتبط با تربیت (جامعه شناسی و روان شناسی) نیز کمک بگیریم. بر این اساس در بخش مبانی اساسی تربیت رسمی وعمومی، چهار گروه مبانی سیاسی، مبانی حقوقی، مبانی روان شناختی و مبانی جامعه شناختی، با توجه به خصوصیات تربیت رسمی وعمومی، مطرح می شوند.

1- 1. مبانی سیاسی

تربیت رسمی و عمومی به دلیل قانونمندی، رسمیت، عمومیت والزام آور بودن حضور متربیان در آن با نظام سیاسی حاکم بر جامعه نسبت وثیقی بر قرار می کند. از این رو تدوین فلسفه تربیت هر جامعه نمی تواند نسبت به مقتضیات سیاسی آن جامعه بی تفاوت باشد. بنابراین در تبیین الگوی تربیت رسمی و عمومی برای نظام جمهوری اسلامی ایران باید به ویژگی های سیاسی این نظام نیز توجه شود. «مبانی سیاسی» آن دسته از گزاردهای مفروضی هستند که از یک سو جایگاه تربیت را در نظام سیاسی کشور جمهوری اسلامی ایران نشان میدهند و از دیگر سو چگونگی دخالت و تأثیر نظام سیاسی را در حوزه تربیت بیان می کنند. در اینجا به برخی از مهم ترین مبانی سیاسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران، که از اسناد معتبر برگرفته شده اند، اشاره می کنیم:

۱ - ۱ - ۱ . هدف حکومت دینی زمینه سازی برای تحقق حیات طیبه است

در اندیشه اسلامی، که هستی مراتبی بی انتها دارد و انسان در دایره هستی موجودی ناتمام و در راه وصول به كمال تلقی می شود، مبنای تأسیس جامعه اسلامی مقاصد و اهداف ویژه ای است که در نگرش اسلامی تعریف شده و به منزله غایت، رسالت و فلسفه دین مطرح است. به این ترتیب فلسفه دین به فلسفه انقلاب دینی، سپس به فلسفه حکومت دینی و در نهایت به فلسفه تأسیس نهادهای اجتماعی و اقدامات مربوط به آن تفصیل می یابد. هدف از تشکیل حکومت متناسب با هدف دین، زمینه سازی برای تحقق حیات طیبه است.

بنابر این، دولت اسلامی دولت «زمینه ساز تحقق حیات طیبه» است، نه دولت رفاه. به بیان دقیق تر، تأمین رفاه هدف اصلی دولت اسلامی نیست، بلکه هدف اساسی آن زمینه سازی برای تحقق حیات طیبه است و هر چند با عنایت به نقش حرکت آگاهانه واختیاری افراد جامعه در تحقق حیات طیبه، توجه دولت اسلامی بیش از هر موضوع بر تربیت افراد جامعه تمرکز می یابد؛ در عین حال، از آن جا که تأمین رفاه و امنیت و مانند اینها بر موفقیت هدایت و تربیت آحاد مردم تأثیر آشکار دارد، دولت زمینه ساز تحقق حیات طیبه نیز موظف است به تأمین رفاه وامنیت مردم، همچون مقدمه ای برای تحقق حیات طیبه همت گمارد.

امام علی (ع) فرمود: «كاد الفقر أن یکون کفرا». همچنین ایشان در عهدنامه مالک اشتر به چهار وظیفه مهم دولت اسلامی یعنی مدیریت مالی، ایجاد امنیت، آبادانی و عمران و استصلاح شهروندان اشاره کرده اند. مطابق این فرمایش، دولت اسلامی وظیفهای جدی و مهم برای امنیت، عمران و آبادانی جامعه و مبارزه با فقر و ناداری مردم دارد و انجام این وظایف به در واقع زمینهای برای تحقق حیات طیبه به شمار می رود. با چنین نگاهی، تأمین رفاه و دیگر نیازهای افراد جامعه نیز زمینه ساز تحقق حیات طیبه است.

**1-1-2 تربیت شایسته عموم مردم به لحاظ حاکمیت اصل مردم سالاری دینی در حکومت اسلامی، هم از جمله اهداف تشکیل حکومت است و هم با توجه به تکيه این نوع حکومت بر انتخاب و حضور آگاهانه مردم، راهکار اصلی حفظ و تداوم نظام سیاسی مطلوب به شمار می آید.**

چنان که گذشت، تربیت از کارکردهای اساسی حکومت اسلامی به شمار می آید و آن چه به اهداف حکومت تلقی شود(نظیر اجرای احکام الهی، رفاه، امنیت و برپایی عدالت) در حقیقت وسایل و اهداف واسطی برای تحقق حیات طیبه و در عین حال مقدمه تحقق فرایند مطلوب تربیت در جامعه هستند. اما در واقع خاستگاه اقتدار دولت اسلامی وحفظ آن، انسانهای هدایت یافته ای هستند که در راه برپایی عدالت، پایداری حکومت دینی و گسترش هدایت، خستگی ناپذیر مجاهدت می نمایند. به این ترتیب زمینه سازی برای هدایت یا تربیت آحاد مردم، هم مقصد و هدف دولت اسلامی است و هم، مبدأ و ضامن بقای آن؛ یعنی زمینه سازی هدایت مردم (که هم خاستگاه اقتدار عرفی این نوع حکومت مردمی است و هم اقتدار قانونی آن را تداوم می بخشد)، از یک سو توسط دولت اسلامی پیگیری می شود و گسترش می یابد و از سوی دیگر میزان توجه مردم به حفظ حکومت دینی و تلاش ایشان برای گستردن حوزه نفوذ آن با حضور در عرصۂ حیات اجتماعی سیاسی توسط آحاد جامعه اسلامی از علائم هدایت مردم تلقی می شود. لذا نهادهای تربیتی در جامعه اسلامی نسبت به زمینه سازی برای حضور آگاهانه و مشارکت فعال عموم مردم در حیات اجتماعی و سیاسی و تلاش و مجاهدت آحاد متربیان برای پیشرفت و اعتلای مداوم جامعه مسئولیت دارند. از مصادیق این ساز و کار «شورا» است.

شورا یکی از اصول اساسی سیاست و رهبری در دولت و مدیریت اسلامی است. قرآن کریم، در آیه های ۱۵۹ سورة آل عمران و ۳۸ سوره شورا، پیامبر و مسلمانان را به شورا سفارش کرده است. در احادیث و روایات نیز تأکید بسیاری بر آن رفته است (برای نمونه نگاه کنید به ترجمه الحيات، جلد اول، فصل چهل دوم از باب نخست). این توصیه ها نشانه اهمیت و نقش حیاتی این اصل در بهبود امور جامعه در حوزه های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی است. نظرخواهی و شورا و مشارکت خردها در حیات اجتماعی(خرد جمعی از تعالیم اساسی دین مبین اسلام است و این کار برای رهبران و مدیران جامعه ضروری تر و حیاتی تر است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل هفتم، برای شورا نقش ممتاز قائل شده است در این اصل چنین آمده است: «طبق دستور قرآن کریم: وامرهم شوری بینهم، و نیز شاورهم في الأمر، شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می کند».

**1-1-3 در حکومت اسلامی پیشرفت جامعه، وسیله ای برای بسط هماهنگ و متعادل ظرفیت های وجودی افراد و تعالی تجارب متراکم جامعه در جهت تحقق حیات طیبه است.**

رسالت دولت اسلامی سیاست گذاری و برنامه ریزی برای بسط ظرفیت های وجودی افراد جامعه و گسترش تجارب متراکم اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی است (نه توسعه در مفهوم محدود آن) و لذا دولت اسلامی برخلاف دولت رفاه (که تشکیلات ایدئولوژیک سرمایه داری تلقی میشود)، از قدرت اقتصادی، صرفا هم چون ابزاری برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد بهره می گیرد.

بنابراین دولت اسلامی اگر چه صورت تفصیل یافته رهبری دینی و تشکیلات اجتماعی آن محسوب میشود (ولذا تلاش برای تمهید مقدمات تربیت دینی و اخلاقی افراد جامعه از لحاظ ارزشی وظیفه مهم تر دولت اسلامی است اما تمهید مقدمات لازم جهت تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت اقتصادی و حرفه ای، تربیت علمی و فناوری، تربیت هنری، زیبایی شناختی، تربیت زیستی و بدنی و.... افراد جامعه نیز از وظایف اصلی دولت اسلامی است.

به بیان دیگر زمینه سازی برای رشد هماهنگ و متعادل همه جنبه ها و استعدادهای افراد جامعه بر اساس تعالیم اسلامی، وظیفه نظام اسلامی است. زیرا در نگاه اسلامی کل فرایند تربیت و همه ابعاد آن باید در چهارچوب معیارهای اسلامی باشد- چه در ساحت تربیت دینی (به معنای خاص یعنی تربیت اعتقادی عباددی) و اخلاقی و چه در ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت اقتصادی و حرفه ای از این رو حتى تقدم و محوریت تربیت دینی و اخلاقی در چهارچوب نظام تربیت اسلامی زمانی معنا می یابد که در آن، سایر ابعاد و ساحتهای تربیت نیز از اهمیت لازم برخوردار باشند.

**1-1-4در حکومت اسلامی مجموعه نهادهای فرهنگی کشور باید به صورت هماهنگ و در چهارچوب سیاستهای کلان کشور و سیاستهای کلی بخش فرهنگ (مصوب مقام رهبری عمل کنند.**

نظام تربیت رسمی و عمومی، که یکی از مهم ترین دستگاههای فرهنگی کشور است، باید مطابق با اصل پنجم قانون اساسی، در راستای اصول و سیاستهای فرهنگی حاکم بر مجموعه نهادهای فرهنگی کشور تحت نظارت مقام ولایت فقیه، سامان یابد و جهت دهی شود و در همین چهار چوب، تمامی سازمانها و نهادهای فرهنگی ناظر به رشد همه جانبه عموم مردم باید با این نظام به صورت هماهنگ عمل کنند.

1-1-5 در حکومت اسلامی، جهت گیری تربیتی از جمله اولویت های اساسی همه بخش ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است. با توجه به مبانی پیش گفته، کل نظام اسلامی، تحت نظارت ولایت فقیه، باید بکوشد تا فرایند تربیت توسط نهادهای تربیت رسمی و غیررسمی بر اساس معیارهای اسلامی تحقق یابد. از این رو جهت گیری تربیتی از مهم ترین اولویت های کل نظام محسوب می شود و لذا برنامه های سیاسی و اقتصادی تابعی از جهت گیری های تربیتی نظام اند و نمی توانند تعیین کننده حدود و ثغور و کمیت و کیفیت تربیت باشند. این جهت گیری های اساسی که عمدتا ماهیت تربیتی و هدایتی دارند، در اصل سوم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته اند.

طبق اصل سوم قانون اساسی: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد

• ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی؛

• بالا بردن س طح آگاهی های عمومی در همه زمینهها، با استفاده ی صحیح از مطبوعات و

رسانه های گروهی و وسایل دیگر؛

• آموزش و پرورش [تربیت رسمی و عمومی) و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام

سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛

• تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از

طريق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان؛

• طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب؛

• محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛

• تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛

• مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛

• رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی؛

• ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور؛

• تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور؛

• پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه؛

• تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینهاء

• تأمین حقوق همه جانبه افراد، از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون؛

• توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم؛

• تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.

**1-1-6 رویکرد «تمدن سازی» در زمینه مواجهه با مظاهر مدرنیته، جهت گیری مختار و برگزیده است.**

بر اساس پیش فرض ها و مبانی دین شناختی تشریح شده در بخش مبانی فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران برای مواجهه با مدرنیته و مظاهر و آثار آن، رویکرد تمدن سازی در قبال رویکردهایی نظیر تجددگرایی، شریعت گرایی و سنت مداری جهت گیری مرجح است. در این رویکرد، علاوه بروحی و تعالیم دینی جایگاه ویژه ای برای عقل در نظر گرفته میشود. دین صرفا در قلمرو و محدوده زندگی فردی قرار ندارد بلکه برنامه جامع زندگی تلقی می شود و در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی حضور اساسی دارد. دین در عرصه های مذکور اصول کلی و در مواردی اصول و قوانین جزئی دارد و در عرصه هایی نیز به «منطقة الفراغ» وارد نشده است. از این رو در عرصه اخير، استفاده از عقل و دانش متراکم بشری و توسعه آنها در چهارچوب مبانی و ارزشهای دینی، جایگاه ارزشمندی دارد. بر اساس این رویکرد، مسلمانان می توانند و باید بر مبنای تفسیر کتاب و سنت و اجتهاد روشمند و پویا، در جامعه اسلامی، متناسب با مقتضیات زمان و مکان، به سوی پی ریزی تمدن نوین اسلامی گام بردارند.

**از منظر رویکرد تمدن سازی اجرای همه جانبه اسلام، تنها در قالب فرایند نوسازی جامعه به سوی یک الگوی مطلوب اسلامی و تأسیس نهادها و سازوکارهای متناسب با آنها میسر است.**

این رویکرد، به طور کلی بر این محورها تأکید دارد:

\* نگرش نظام مند به معرفت دینی؛ و اصول گرایی در حوزه معرفت دین و توسعه گرایی در حوزه تحقق دین؛

• تکامل در روش اجتهاد و لزوم تجدید نظر در روش علوم جدید؛

\* ضرورت تدوین الگوهای اجتماعی؛

• پی ریزی تمدن نوین اسلامی

1-2 مبانی حقوقی

بر اساس مبانی اسلامی همه انسانها صاحب حق و حقوقی هستند که باید توسط همگان رعایت شوند. زیرا به همان اندازه که در نگاه دینی مکلف بودن انسان اهمیت دارد صاحب حق بودنش نیز در خور توجه است و این دو موضوع، دو روی یک سکه اند. به سخن دیگر، بین حق و تکلیف آحاد اجتماع، موازنه بر قرار است. اگر در جایی حقی هست تکلیفی نیز وجود دارد.؟

تربیت رسمی و عمومی، به دلیل قانونمندی ونیز به سبب ارتباط عمیق با نظام سیاسی، لاجرم با نظام حقوقی جامعه نیز ارتباط پیدا می کند؛ از دیگر س و نظام حقوقی جامعه در نگاهی کلان، مجموعه ای از گزاره های اعتباری وتجویزی است که خرد جمعی جامعه مبتنی بر فلسفه اجتماعی، آنها را برای حیات بالنده آحاد خود ضروری می داند. لذا به آنها وجاهت قانونی می دهد و برای آن ها لوازم ضمانت اجرایی فراهم می کند. از این رو نظام های حقوقی نیز با مصالح تربیتی کلان جامعه ارتباط دارند. لذا می توان گفت که فرایند تربیت رسمی و عمومی با نظام حقوقی ارتباطی دوسویه و وثيق برقرار می کند. در این بخش، متناسب با صبغه مباحث حقوقی به مهمترین مبانی حقوقی تربیت در جامعه اسلامی ایران اشاره می کنیم این مبانی در قالب حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوانین موضوعه ومعاهدات بین المللی پذیرفته شده در جمهوری اسلامی ایران (منطبق با ضوابط فقه و حقوق اسلامی مورد تأکید قرار گرفته اند:

حق برتربیت

حق بر تربیت از جمله موضوعاتی است که دو جنبه فردی و اجتماعی دارد که استیفای این حق با تکلیف نهادهای مختلف جامعه همراه است.

در جنبه فردی تربیت، فرد و خانواده صاحب حق و تکلیف اند. لذا به طور کلی مسئولیت اولیه و اصلی تربیت کودکان با والدین است و دولت نقش مکمل و ناظر را به عهده دارد. ولی ایفای جنبه اجتماعی حق بر تربیت باید با مسئولیت ارکان تربیت و همه نهادهای سهیم صورت پذیرد که در تربیت رسمی و عمومی مسئولیت اصلی بر عهده حاکمیت است و والدین نقش مکمل و ناظر را دارند. در عین حال والدین (خانواده) در فرایند تربیت رسمی و عمومی فرزندان خود از حقوق زیر برخوردارند:

• حق انتخاب نوع تربیت فرزندان خود (در چهارچوب فلسفه تربیتی جامعه)؛

• حق مشارکت در مدیریت نظام تربیت رسمی و عمومی در حد توانایی و صلاحیت؛

• حق مشارکت در جریان تربیت فرزندان خود؛

• حق نظارت بر نظام تربیت رسمی و عمومی؟

در جنبه اجتماعی تربیت، دولت اسلامی (حاکمیت) برای تحقق شایسته حق بر تربیت نسبت به آحاد افراد جامعه عهده دار سیاست گذاری و برنامه ریزی است.

اما عموم شهروندان جمهوری اسلامی ایران از منظر تربیتی دارای حقوق زیرند:

• حق دسترسی برابر به فرصت های تربیتی"؛

• حق برخورداری از تربیت منطبق با نیازها و شرایط فردی، خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی؛

• حق برخورداری از حد نصابی شایسته از تربیت (عمومی) به طور رایگان و الزامی ؛

• حق برخورداری از تربیت اخلاقی و دینی؛

• حق برخورداری از تربیت تأمین کننده کرامت انسانی؛

• حق برخورداری از تربیت تأمین کننده و ارتقا دهنده آزادی انسانی

• حق برخورداری از تربیت آگاهی بخشد؛

• حق برخورداری از تربیت تفکر برانگیز و خلاق

• حق برخورداری از تربیت زمینه ساز استقلال ملی و رهایی بخش از انواع سلطه"؛

• حق برخورداری از تربیت زمینه ساز وحدت ملی و انسجام اجتماعی

• حق برخورداری از تربیت مصون از تعرضات جسمانی و روانی؛

• حق برخورداری آحاد اقلیت های دینی و مذهبی رسمی از تربیت دینی و مذهبی متناسب؛

• حق مشارکت فعال و متناسب متربیان با تواناییهای هر دوره رشد، در مسائل تربیتی مربوط به خود؛

• حق برخورداری از تربیت فنی و مهارتی متناسب با نیازهای جامعه؛

• حق برخورداری از محیط تربیتی سالم و ایمن و بهداشتی؛

• حق توجه به علائق و استعدادهای فرهنگی و هنری در فرایند تربیت؛

• حق انتخاب فعالیت های مکمل و جانبی متناسب با علایق و استعدادهاء

• حق انتخاب نوع تربیت (متناسب با سطح رشد و توانایی متربی)

• حق تشکیل مؤسسات مردم نهاد و نهادهای مدنی برای مشارکت و نظارت بر نظام تربیتیه

**تکالیف و مسئولیت های تربیتی (دولت وخانواده)**

دولت اسلامی موظف است شرایط برخورداری از همه حقوق تربیتی را به شیوه مناسب برای عموم شهروندان فراهم آورد. تعهدات دولت نسبت به حق بر تربیت به سه شکل است:

• تعهد به رعایت؛

\* تعهد به حمایت؛

• تعهد به زمینه سازی برای تحقق کامل.

• وظایف دولت در خصوص حقوق تربیتی افراد نباید با نقض حقوق دیگر همراه باشد. به سخن دیگر، دولت باید تربیتی ارائه دهد که موجب ضایع شدن حقوق دیگر، از جمله «حق بر امنیت» نباشد. یعنی نباید نحوه تحقق حقوق مختلف با همدیگر تعارضی داشته باشد؟

\* در صورتی که والدین وظيفة تربیتی خود را ایفا نکنند، دولت اسلامی باید این وظیفه را بر عهده بگیرد. توضیح این که دولت اسلامی در این گونه موارد وظایف خاص و اضافی بر عهده دارد: کودکانی که والدین خود را به طور دایم یا موقت از دست داده اند، کودکانی که خود یا والدین آنها از سلامت جسمی یا روانی برخوردار نیستند، کودکانی که والدینشان صلاحیت اخلاقی یا تمکن مالی و امکانات رفاهی لازم برای برخورداری یکسان آنها با سایر کودکان از حق بر تربیت ندارند. زیرا، اصل برابری فرصتها که یکی از پایه های بنیادین عدالت اجتماعی را تشکیل میدهد، ایجاب می کند که دولت اسلامی با حمایت از چنین کودکانی، زمینه های فعالیت و شکوفایی استعداد آنها را فراهم آورد. دولت اسلامی می تواند با ایجاد تبعیض مثبت به نفع چنین کودکانی، بسترهای لازم را برای زندگی و رقابت عادلانه آنها در جامعه فراهم آورد؛ چه اینکه برای رسیدن به عدالت اجتماعی در یک جامعه، می بایست پیشاپیش، بسترها و زمینه های برابری فرصت ها پدید آمده باشد.

\* سیاست گذاری و برنامه ریزی در خصوص تربیت در زمرۂ اعمال حاکمیتی است، اما نحوه ارائه آن قابل واگذاری به بخش غیردولتی است؛ مشروط بر آنکه اصول و سیاستهای حاکم بر تربیت توسط این بخش رعایت شود.

• مسئولیت حفاظت از شئون تربیتی کودکان صرفا به عهده دولت نیست؛ بلکه والدین نیز در این امر مسئول اند. در عین حال، دولت می تواند و باید به هنگام وقوع آسیب های مهم تربیتی با دادن گزارش به مقامات صلاحیت دار، موضوع را پیگیری کند و موجبات تعقیب اشخاص حقیقی و حقوقی بزهکار را فراهم آورد.

1-3 **مبانی روانشناختی**

تربیت رسمی وعمومی به دلیل پوشش دادن به متربیان در سنین خاص (دورههای کودکی ونوجوانی) ناگزیر است با مباحث علمی مربوط به مراحل رشد وخصوصیات هر دوره سروکار داشته باشد؛ زیرا شناخت واقعیت های روان شناختی متربیان موجب تجویز ساز و کارهای مناسب و عقلانی در تربیت رسمی و عمومی خواهد شد. دانش روان شناسی، که دانشی تجربی است، تصویر روشن تری از چگونگی حیات آدمی را (در بعد روان شناختی) ارائه میدهد بنابراین در تدوین فلسفه تربیت رسمی و عمومی نمی توانیم به دستاوردهای دانش معاصر روان شناسی بی**توجه باشیم.**

در این جا به برخی از مهم ترین مبانی روان شناختی، که به نظر می رسد با مبانی اساسی مقبول تربیت (مندرج در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران) سازگارند، اشاره می کنیم

**۱ - ۳ - ۱ . آدمی تحت تأثير تعامل پیچیده و تأثیر متقابل عوامل درونی (طبیعت و فطرت)، عوامل بیرونی (محيط) و تجربیات خویش است.**

آدمی، باوجود تأثیرپذیری از عامل درونی و بیرونی، در نهایت خود (شامل تفکر، اراده و عمل) عامل تعیین کننده شکل گیری هویت (شخصیت) است. منظور از «عوامل درونی» همه امکانات و ظرفیت ها و حتی محدودیت هایی است که بشر با خود به دنیا می آورد و «محیط» به تمامی عواملی اشاره دارد که او را احاطه کرده است (مانند محیط فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و....).

در بین نظریه های مختلف روانشناختی، تأکیدات متفاوتی بر دو دسته عامل اساسی شده است: برخی بر طبیعت و دیگر عوامل درونی و برخی بر عوامل محیطی و بیرونی پافشردداند. اینک تردیدی نیست که نگاه افراطی ویا انحصاری به یکی از این دو دسته عوامل، که بر نوعی نگرش فلسفی جبرگرایانه تکیه دارد، مردود است. لذا، تمامی خصوصیات پیچیده انسان مانند هوش، شخصیت و انگیزش، محصول نهایی تعامل خود با مجموعه وسیعی از عوامل درونی وعوامل محیطی و... است.

**1-3-2 آدمی اساسا طبیعت فعال دارد.**

منبع اساسی رشد در وجود آدمی تعبیه شده است. لذا فرد می کوشد برای تحقق امکانات طبیعی خود، عوامل محیطی مشارکت فعال و پویا با داشته باشد. این مشارکت در طول حیات جریان دارد و گرچه در سال های اولیه کمتر است؛ اما به مرور افزایش می یابد. بنابراین، نباید آدمی را صرفا موجودی پذیرنده و در اختیار محيط پنداشت تا هر طور که دیگران بخواهند، بتوانند او را بار بیاورند. از سوی دیگر، نباید پنداشت که همه چیز به طور کامل از جانب فرد تعیین می شود و انسان از هر نظر بر تمام چگونگیهای رشد خود مسلط است. پس نه میتوان تمامی مسئولیتها را بر عهده عوامل بیرونی گذاشت و نه می توان همه چیز را به چگونگی های فردی منتسب کرد. واقعیت آن است که شرایط محیطی تا حد قابل توجهی بر تحولات آدمی تأثیر می گذارد، وگرنه ضرورت فعالیت های زمینه ساز برای تحقق یافتن ظرفیت های وجودی اش، فرد، مورد تردید واقع می شود.

**1-3-3 انسانها در عین داشتن اشتراک در بسیاری خصوصیات، تفاوتهای بین فردی و درون فردي قابل ملاحظه ای نیز با یکدیگر دارند.**

ظرفیت های وجودی انسان ها در سطوح مختلف و در مراتب گوناگون ظهور و بروز می کند. ترکیب پیچیده تعامل بین عوامل درونی (فطرت و طبیعت) و بیرونی (محيط) موجب تفاوت های فردی میشود و در جنبه های مختلف شناختی، عاطفی، جسمانی، اجتماعی این تفاوت ها بروز می کند. از سوی دیگر میان انسان ها از جمله تفاوتهای میان دو جنس) در بهره مندی از ظرفیت های وجودی و فعلیت یافتن آنها نیز تفاوت های قابل ملاحظه ای وجود دارد.

هریک از انسانها (کودکان و نوجوانان) دنیایی مخصوص به خود دارند؛ اما با وجود این تفاوتهای چشمگیر، در بین گروههای همانند (به لحاظ سن ومرحله رشد، جنسیت و....) شباهت های معینی نیز دیده می شود. از سوی دیگر، در میان ایشان گروهی وجود دارند که به س بب داشتن تفاوت های چشم گیر، در توانایی یادگیری، به برنامه تربیتی و ملاحظات ویژه نیازمندند. لذا لازم است این گروه به دقت مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند تا برنامه ریزی مناسبی برای نیازهایشان پیش بینی شود؛ همان طور که برای افرادی که به دلایل زیستی یا وراثتی توانشان در یادگیری محدودتر است، باید تدابیر ویژه ای اندیشید.

**1-3-4«رشد» آدمی نه صرفا ناشی از محیط و نه صرفا امری زیستی و تابع الگویی جهان شمول (کاملا منطبق بر همه) است، بلکه ماهیتی منعطف و قابل شناسایی دارد.**

رشد اگر چه دارای جنبه های کمی است، اما در نهایت امری کیفی است و به صورت جریانی مستمر و مرحله به مرحله شکل می گیرد. تمامی مراحل رشد اهمیت دارند، با این توضیح که مراحل اولیه رشد از حساسیت بیشتر و ویژه ای برخوردار است. ساده ترین مرتبه رشد، بعد جسمانی آدمی است و عالی ترین آن، رشد هماهنگ و موزون ابعاد مختلف و ظرفیتهای وجودی اوست. جریان رشد، در عین حال از الگوهای نسبتا کلی پیروی می کند که در قالب این طرح های کلی، با تأثیرپذیری از عوامل محیطی و زیستی و درونی، تفاوت های متعدد فردی نیز بروز می کند. لذا، میتوان گفت که در جریان رشد انعطاف و پویایی هم وجود دارد. |

**1-3-5 یادگیری یکی از ظرفیت های وجودی آدمی و منشأ اصلی بسیاری از تحولات در ابعاد وجودی اوست.**

یادگیری، حاصل تعامل پیچیده طبیعت (ظرفیتهای وجودی خدادادی)، عوامل محیطی تجربیات فردی، محیط مادی و فرهنگی و ...) و اراده و عمل فرد است و ابعاد مختلف و سطوح گوناگون دارد. یادگیری نه در خلا، که در محیط اجتماعی رخ میدهد و عوامل اجتماعی در آن نقشی تعیین کننده دارند. بر این اساس، یادگیری نیازمند زمینه است و هر زمینهای مساعد و مناسب یادگیری نیست. یادگیری قابلیت مادام العمر آدمی است؛ لذا آدمی می تواند در تمامی مراحل زندگی تغییر کند. البته نوع، روش و منابع انگیزشی انسانها برای یادگیری در مراحل مختلف متفاوت است.

**1-3-6 شخصیت (هویت)، ترکیبی پیچیده، پویا و حاصل تعامل اراده فرد با عوامل زیستی، اجتماعی، فرهنگی، شناختی و روانی است.**

شخصیت آدمی از ابعاد و جنبه های گوناگونی شکل یافته است. اما با وجود داشتن ابعاد و جنبه های مختلف، از وحدت و کلیتی یک پارچه بهره مند است. بنابراین، همواره بین جنبه های جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و معنوی هویت انسان ارتباط و پیوستگی عمیق و ژرفی وجود دارد.

**1-3-7 رشد آدمی در همه ابعاد رخ می دهد و محصول تعامل با عوامل متعدد است.**

رشد جریانی است که همه ابعاد وجودی آدمی را در بر می گیرد. ساده ترین مرتبه رشد، جسمانی است و عالی ترین آن رشد هماهنگ و موزون ابعاد مختلف و ظرفیت های وجود آدمی است.

همچنین رشد آدمی اگرچه دارای جنبه های کمی است اما در نهایت امری کیفی است که به صورت جریانی مستمر و طی مراحل، صورت می گیرد. هرچند تمامی مراحل رشد دارای اهمیت اند، با این حال مراحل اولیه رشد، به لحاظ آثار قابل توجه و تقریبا غیر قابل جبران، از حساسیت بیشتر و ویژه ای برخوردار است..

1**-3-8 انگیزش و میل درونی بر پایه شناخت و اراده از مبادی مهم عمل آدمی است؛ الذا، توجه مناسب به انگیزه اعمال، جایگاه خاصی در حیات وی دارد**.

بخش مهمی از نظریات روان شناختی به این مقوله مهم در حیات آدمی، یعنی عوامل شکل گیری عمل، اختصاص یافته است. این بحث در روان شناسی عمدتا تحت عنوان انگیزش مورد بحث قرار می گیرد. عموم نظریات انگیزشی، به دلیل خصوصیت کاهش گرایانه، نظریه جامعی را درباره پیچیدگی های فرایند انگیزش در عمل انسان ارائه نداده اند. در عین حال می توان چنین گزاره هایی را در خصوص انگیزش ارائه داد:

\* انگیزش متأثر از هدف انسان و نحوه شناخت آدمی از آن است؛

• انگیزش تحت تأثیر روابط فردی و هویت انسان است؛

\* انگیزش تحت تأثیر خودپنداره انسان (تلقی مثبت یا منفی آدمی از خویش است؛

• تأکید زیاد بر انگیزه های بیرونی عوامل تقویت کننده، الگوها موجب غفلت از منابع سرشارانگیزنده های درونی می شود؟

\* در انگیزش، کیفیت رفتار تحت تأثیر قدرت تفکر و انتخاب و مسئولیت پذیری فرد است.

لذا نظریاتی که به منابع درونی انگیزشی توجه می نمایند، تبیین دقیق تری ارائه می دهند. بر پایه این دسته از نظریه های انگیزش در یادگیری وقتی نیرومند است که منابع انگیزشی درونی باشند یا حرکت به سوی انگیزه های درونی باشد، هدفهای یادگیری مورد توجه فراگیران باشد، متمرکز بر اجرای تکلیف باشد، یادگیرنده موفقیت و شکست خود را در امر یادگیری به دلیل قابل پایش استناد دهد و یادگیرنده کارایی خود را باور داشته باشد.

**1-4مبانی جامعه شناختی**

تربیت رسمی بیش از هرچیز تابع مقتضيات محیط اجتماعی و شرایط تاریخی است و وضعیت

جامعه یا دوران، می تواند حدود و ثغور و ویژگی های آن را رقم بزند. شناخت واقعیت های جامعه موجب تجویز ساز و کارهای مناسب و عقلانی تربیت رسمی و عمومی خواهد شد. بنابراین تدوین فلسفه تربیت رسمی و عمومی نمی تواند به دستاوردهای دانش جامعه شناسی بی توجه باشد. در این جا به برخی از مهم ترین مبانی جامعه شناختی منطبق با دیدگاه اسلامی اشاره می کنیم

**۱ - ۴ - ۱ . جامعه حیاتی مستقل از حیات فردی آحاد خود دارد.**

جامعه به حکم این که خود، از نوعی حیات مستقل از حیات فردی برخوردار است، قوانین و سنتهایی مستقل از اجزای خود (افراد) دارد. در عین حال، اجزای جامعه، که همان انسانها هستند، از استقلال برخوردارند، زیرا حیات فردی و فطریات فردی و مکتسبات فرد از طبیعت، به کلی در حیات جمعی حل نمی شود. در حقیقت، انسان با دو حیات و دو روح زندگی می کند:

حیات و روح فردی انسان که مولود حرکات جوهری طبیعت و اراده شخصی و عمل اوست و دیگری حیات و روح جمعی که مولود زندگی اجتماعی است و به صورت هویت جمعی هر فرد و براساس انتخاب و عمل جمعی او ظهور و بروز می نماید. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین فرد و جامعه رابطه حقیقی برقرار است، نه رابطه قراردادی مانند رابطه کتاب های یک قفسه.

**1-4-2 انسان با محیط (جامعه) و آحاد آن تعامل فعال دارد.**

دیدگاه اسلامی، به لحاظ تأکید بر آزادی و مسئولیت فردی از محیط گرایی (منطوی در علوم اجتماعی معاصر) فاصله می گیرد. به لحاظ توجه به موقعیت، با فردگرایی نیز تفاوتی اساسی دارد و به ما گوشزد می کند که از تعامل با محیط ناگزیریم و نمیتوانیم آن را نادیده بینگاریم، ولی مجاز نیستیم برای تغییر محیط، دوباره خود را به محیط واگذاریم.

**1-4-3 نسبت فرد و جامعه نسبت وحدت و کثرت است.**

توجه به موقعیت اجتماعی، در نگرش اسلامی، هرگز به معنای اصالت جمع نیست؛ بلکه به معنای ملاحظه وحدت در کثرت، تشخص در محیط و فردیت در جماعت است. توجه به موقعیت سبب میشود ما در مقام تبیین اعمال آدمی، تأثیرات محیط اجتماعی و حتی عناصر طبیعی را (به لحاظ وجود مقتضی و رفع مانع) در بروز شیوه های رفتاری و در تداوم آنها و حتی در ظهور ویژگی های اخلاقی و نگرش انسان ها، مورد بررسی و مطالعه دقیق قرار دهیم، ولی در مقام تجویز از آدمیان بخواهیم با تکیه بر انتخاب و اراده خویش میزان و نوع این تأثیرات محیطی را شناسایی و حتی الامکان به کنترل در آورند. یعنی کانون توجه، چه در مقام تبیین عمل و چه در مقام تجویز اصلاحات، شخص یا همان فرد اندیشنده، تصمیم گیرنده و عمل کننده است.

پس دیدگاه اسلامی از یک سو (در تعارض با فردگرایی) به ما توصیه می کند از نفی ساده لوحانه آثار و لوازم ساختارها و سازوکارهای اجتماعی در ظهور و استمرار رفتار و تکوین هویت اشخاص بپرهیزیم و از سوی دیگر (در تعارض با جبرگرایی اجتماعی) به ما اجازه نمیدهد برای تغییر و اصلاح عملکرد یادگیرندگان، صرفا به ساختارهای اجتماعی متمسک شویم؛ زیرا قانون کلی در دیدگاه اسلامی آن است که هیچ کس بار دیگری را (به طور کامل) برنمی دارد. براین اساس ما نمی توانیم از تأثیرات محیطی بر اعمال افراد چشم بپوشیم. در عین حال، نمی توانیم نقش آنها را در تبیین اعمال ایشان و حتی در تصحیح آنها انحصاری و بیش از حد واقعی برجسته نماییم؛ زیرا مسئولیت نهایی عملکرد هر کسی برعهده خود اوست؟.

**1-4-4 نهادها، ساختارها و فرایندهای اجتماعی در نحوه عمل افراد در موقعیت های زندگی تأثیرگذار است.**

توجه به اهمیت و تأثیر گسترده نهادهای اجتماعی، ساختارها و فرآیندهای اجتماعی در تکوین نگرش افراد و نوع نگاه آنها به موقعیت و هم چنین تکوین دلایلشان برای عمل در موقعیت، میتواند سیاستگذاران اجتماعی را به تغییرات محیطی حساس کند. سیاست گذاران اجتماعی لازم است، ضمن توجه به پیچیدگی های بسیار فرآیندهای اجتماعی، انواع عوامل تأثیرگذار و شیوه های گوناگون تأثیرگذاری آنها را شناسایی کنند. بنابراین سیاست گذاران تربیتی باید با بررسی گسترۀ تأثیرگذاری نهادهایی نظیر اقتصاد، سیاست و علم برای دست کاری در عوامل محیطی آماده شوند. برنامه ریزان تربیتی لازم است تصویری نزدیک به واقعیت از حوزه عمل این نهادها در اختیار متربیان قرار دهند. آنها می توانند و باید برای دستیابی به تفسیری معتبر از موقعیت و راههای اصلاح مداوم آن از منابع معتبر علمی و دینی بهره مند شوند؟.

**1-4-5 زمینه سازی برای کسب شایستگی ها توسط شهروندان جامعه اسلامی عامل تحرک اجتماعی است.** عموم انسانها توانایی کسب شایستگی های لازم را برای مشارکت فعال در حیات فردی و اجتماعی دارند. لذا، جریان تربیت، باید فرصت مناسب تحقق این توانایی را به صورت عادلانه برای آحاد اجتماع فراهم آورد. از این رو نظام تربیت رسمی و عمومی باید زمینه مناسب شناخت و تعالی مستمر ظرفیتهای متربیان را فراهم سازد تا ضمن تکوین و تعالی هویت سالم و متعادل در آنان، از انسداد طبقاتی در جامعه جلوگیری کند.

**1-4-6 نهادهای اجتماعی دارای غایت مشترکاند و کارکرد همدیگر را در راستای غایت تکمیل می کنند.**

نهادهای اجتماعی س هیم در جریان تحقق حیات طیبه، با وجود داشتن تفاوت در ساختار و ظرفیت، از غایت مشترکی برخوردارند و کارکردشان مکمل و مؤید یکدیگر به شمار می آید و غایت ویژه آنها (متجلی در رسالت و کارکردهای خاص) در راستای تحقق غایت مشترک تعیین میشود. بنابراین نقص در کارکرد هریک از نهادهای اجتماعی را نمی توان به سادگی با تقویت نهادهای دیگر جبران کرد و لازم است همه نهادها با همدیگر تعامل داشته باشند.

1-4-7 نهاد خانواده، که نقش غیر قابل انکاری در تربیت برعهده دارد، یکی از نهادهای بنیادی جامعه به شمار می آید.

در نگاه اسلامی س لامت جامعه و رسیدن به جامعه ای سالم منوط به وجود خانواده های سالم و کارکرد مناسب آنها در همه ابعاد زندگی است. یکی از نهادهای اجتماعی مؤثر و بنیادی در انواع تربيت، به ویژه در سنین کودکی و نوجوانی، نهاد خانواده است. در واقع نهاد خانواده کوچکترین واحد اجتماعی و در عین حال مهم ترین و تأثیرگذارترین واحد تربیتی در جوامع محسوب می شود. اساسا یکی از عملکردهای مهم این نهاد، تربیت فرزندان است و لذا خانواده در هر حال نقش غیر قابل انکاری در فرایند تربیت دارد. در نگرش اسلامی نیز بر این موضوع مهم تأکید شده است. تنوع و تکرار فراوان روایات و احادیث، درباره وظايف تربیتی خانواده و نیز تصریح متون مقدس و معتبر اسلامی به نقش والدین در تربیت، در خصوص مسئولیت والدین نسبت به تربیت فرزندان، در میان علمای دین اجماعی کلی پدید آورده است.

1-4-8 در روند شکل گیری و تحول جامعه باید بین فرایند انسجام اجتماعی (پیوند یافتن واحدهای اجتماعی در راستای ایجاد وحدت و فرایند تمایز یافتگی (تقسیم و تشخص یافتگی واحدهای اجتماعی به منظور پذیرش کثرت و تنوع) - براساس اصل وحدت در کثرت وكثرت در وحدت- جمع نمود. در شکل گیری و تغییرات جامعه دو جریان کلان دخالت دارد. جریان اول فرایند "انسجام اجتماعی است. این فرایند شکل گیری و ایجاد مجموعة واحدی از انسانها را به نام جامعه عملی می سازد. در این جریان واحدهای اجتماعی از قبیل افراد یا گروهها با هم پیوند می یابند و جامعه را به وجود می آورند. این فرایند، پیوستگی و همبستگی اجتماعی ایجاد می کند. جریان دوم، فرایند تمایزیافتگی" نام دارد. این فرایند موجب تمایز و تشخص افراد و واحدهای اجتماعی می شود و گروهها و اصناف را در جامعه به وجود می آورد. همچنین موجب انشعاب و کثرت در گروه ها و بخش های جامعه و ایجاد خرده فرهنگ ها می شود و حتی به برخورد و تعارض بین آنها منجر می گردد .

اما رویکرد جامعه شناختی مطلوب، بر اساس اصل فلسفی وحدت در کثرت و کثرت در وحدت، رویکردی است که هر دو جریان کلان اجتماعی یعنی " انسجام" و " تمایز یافتگی " را در کنار هم در نظر می گیرد و تبیینی کلان از آنها ارائه میدهد. یعنی هم بر وحدت و انسجام اجتماعی تاکید دارد و هم بر وجود کثرت در گروهها و فرهنگ ها عنایت دارد. |

در اینجا توضیح و تشریح مبانی فلسفه تربیت رسمی و عمومی به پایان می رسد و در ادامه از چیستی تربیت رسمی و عمومی بحث خواهیم کرد منظور از چیستی تربیت رسمی و عمومی بیان تعريف تربیت رسمی به نحو تجویزی است یعنی تعریف تربیت رسمی و عمومی بر اساس مبانی پذیرفته شده و چنانچه باید باشد. از این رو در این تعریف تمامی مبانی تدوین شده در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و فلسفه تربیت رسمی و عمومی مورد اعتنا و ابنتا می باشد.

**288-312**

**2 - 4**. مدرسه صالح؛ بستری برای تحقق تربیت رسمی و عمومی مطلوب

**1- ۲ - 4 . تعریف مدرسه صالح**

همچنان که در تعریف تربیت رسمی و عمومی و ویژگی های آن گفته شد، این شکل از تربیت در شرایط و زمینه ویژه ای رخ میدهد که «مدرسه» نام دارد و از دیرباز و در همه جوامع وجود داشته است. اما بنا برفلسفه تربیتی جامعه اسلامی، مدرسه محیط اجتماعی سازمان یافته ای(مشتمل بر مجموعه ای از افراد و روابط و ساختارهای منظم است برای کسب مجموعه ای از شایستگی های لازم (فردی، خانوادگی، اجتماعی) که متربیان برای وصول به مرتبه ای از آمادگی جهت تحقق حیات طیبه در همه ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی باید آنها را به دست آورند. از این رو «مدرسه فضای اجتماعی(جامعه) هدفمندی است که از طریق زنجیره ای از موقعیتها، فرصت حرکت رشدیابنده و تعالی بخش را برای متربیان فراهم می سازد که در آن شایستگی های لازم برای درک و بهبود موقعیت خود و دیگران از طریق یادگیری های رسمی و غیر رسمی کسب می شود». به طور کلی برخورداری از حیات طیبه در بعد جمعی و تحقق جامعة صالح نیازمند مدرسه صالح است. یعنی در کنار خانواده صالح، بقا و توسعه جامعه صالح به وجود مدرسه صالح نیز وابسته است. لذا با عنایت به غایت جریان تربیت در دیدگاه اسلامی یعنی آماده شدن متربیان برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی و نیز با توجه به اصل عقلانی تناسب بین وسیله و هدف لازم است فضاهای های تربیتی و به خصوص، مدرسه و زندگی مدرسه ای، که در واقع زمينه اجتماعی سامان یافته ای برای تحقق حیات طیبه است، از ویژگی های جمعی حیات طیبه برخوردار باشد تا به مثابه کانون تجلی بخش حیات طیبه، امکان تجربه این نوع زندگانی را برای همه متربیان فراهم آورد.

**2 - ۲ - 4 خصوصیات مدرسه صالح**

بنا بر آنچه گذشت، مدرسه باید محل تجربه حیات طیبه و آماده شدن متربیان برای تحقق مراتب آن در همه ابعاد و ورود به جامعه صالح باشد. لذا مدرسه صالح باید چند ویژگی مهم و اساسی زیر را داشته باشد

1-نخستین ویژگی «ساده سازی» است؛ به این معنی که تجربیات مدرسه ای باید شکل ساده شده (و نه پیچیده ای از تجربیات و اشکال واقعی حیات طیبه باشد. روابط واقعی در زندگی اجتماعی پیچیده است و می تواند مانعی بر سر راه یادگیری و رشد و تعالی و بروز استعدادهای متربیان گردد. لذا محیط مدرسه، با عنایت به شرایط رشد آنان، باید ساده باشد تا فرایند تربیت با موانع کمتری مواجه گردد. این ویژگی به معنای تصنعی کردن موقعیت ها و تجارب نیست، بلکه تجارب مدرسه ای متربیان باید تا حد امکان با تجارب زندگی واقعی نزدیک باشد و حتی فعالیت ها و تجارب تربیتی طراحی شده در **مدرسه باید ناظر به چالش ها و مسائل واقعی زندگی متربیان باشد.**

2-ویژگی دوم «پالایش» است. مراد از پالایش، زدودن برخی عوارض و نتایج ناخوشایند نامطلوب احتمالی از برخی تجربیات مدرسه است. جریان رشد متربیان جریانی است که نسبت به عوارض و مخاطرات محیطی و تغییرات نامطلوب محیط بسیار حساس است و به شدت تحت تأثیر قرار می گیرد. بنابراین برای این که عوارض، مخاطرات و تغییرات نامطلوب موجود بر جریان رشد متربیان کمترین اثر را داشته باشد، محیط مدرسه باید مورد پایش و مراقبت دائم قرار گیرد و حتی الامکان از عناصر و عوامل مخل و نامطلوبی که مانع رشد و تعالی متربیان می شوند به دور باشد، اما از آنجا که این پالایش به قصد حمایت از رشد و تعالی متربیان صورت می گیرد، نباید به شکل تحميل و تهدید یا محدود سازی افراطی متربیان ظاهر شود. باید با اقدامات و تدابیر تربیتی اثباتی (ایجاد مقتضيات) در محیط مدرسه، زمینه بروز و ظهور موانع درونی تربیت ونیز تأثیر موانع برونی را از میان برداریم، نه این که با برخوردی انفعالی، تنها پس از بروز موانع، در صدد حذف و مبارزه با آثار آنها باشیم. از سوی دیگر، در جریان رفع موانع تربیت نیز نباید محیط مدرسه به محیطی کاملا قرنطینه و سترون تبدل شود؛ به صورتی که ایجاد توانمندی در متربیان را برای مواجهة مآلا اختیاری با موانع رشد و کمال خویش مد نظر قرار ندهد و امکان مصون سازی ایشان را برای حضور در محیط واقعی همراه با خطر از میان بردارد. بنابراین در محیط مدرسه تدابیر و اقدامات پیش گیرانه برای پالایش محیط مدرسه باید متناسب با میزان رشد متربیان باشد و ایشان را برای مواجهه اختیاری با خطرات و موانع رشد در شرایط واقعی زندگی پس از رسیدن به مراحل بلوغ) اماده سازد.

معنی این بیان به عبارت دیگر چنین است که مدرسه باید محیطی حمایت گر و امن باشد. شرط نشو و نمای مطلوب متربیان در فضای مدرسه، امنیت خاطر آنان است. زیرا نیاز به ایمنی از نیازهای اساسی بشر به ویژه متربیان است. لذا مدرسه، که برای زمینه سازی تعالی وجودی متربیان اهتمام جدی دارد، باید به تأمین امنیت آن توجه کافی مبذول داشت. در قرآن کریم نیز ایمان و تعالی روحی و وجودی در کنار محیط امن به کار برده شده است. از سیاق آیات یکصد و بیست و شش از سوره مبارکه بقره و آیه سی و پنج از سوره مبارکه ابراهیم چنین بر می آید که محیط امن را لازمه ایمان به خدا و دوری از شرک قرار داده است.

مدرسه صالح از دو منظر به امنیت خاطر متربیان و اولیای آنان توجه دارد. در واقع محیط مدرسه، که زمینه مناسب برای رشد و تعالی متربیان تلقی می شود، باید از نظر جسمانی و روانی " امن (دور از خطر) باشد. از منظر نخست، مدرسه صالح به امنیت متربیان در فضای کالبدی می اندیشد یعنی فضای فیزیکی مدرسه باید به گونه ای طراحی شود که با مقتضیات رشدی آنان متناسب و فاقد عوامل خطر آفرین جسمی باشد. از منظر دوم به امنیت روانی توجه می نماید. از این منظر متربیان باید در فضای مدرسه احساس آرامش و راحتی نمایند و با شوق و انگیزه درونی به مدرسه وارد شوند و در آن به تجربه بپردازند. در مدرسه نباید هیچ عاملی برای نگرانی و ترس و هر گونه فشار نامساعد روانی وجود داشته باشد.

**3-ویژگی سوم «متناسب سازی» است**. بر اساس این ویژگی، تجربیات مدرسه، باید با شرایط رشدی متربیان در همه ابعاد، متناسب باشد. متناسب سازی به سایر ابعاد مدرسه مانند مدیریت، مربیان، فضا و تجهیزات نیز تعمیم داده می شود. این اصل ناظر به یک اصل محوری در منابع و متون تربیتی است که به پیروی از طبیعت مشهور است. این اصل در نظريه دانشمندان سلف مسلمان نیز نمود دارد. منظور از این اصل آن است که در تنظیم سازوکارهای تربیتی یا به بیان دیگر، فراهم کردن زمینه های مناسب و تجارب تربیتی باید چگونگی رشدی شئون مختلف حیات متربیان را در نظر گرفت. لذا در تنظیم موقعیت های تربیتی باید این چگونگی ها را در نظر داشت.

**۴- ویژگی چهارم «تعادل» است**. مراد از تعادل، تناسب با اصول همه جانبه نگری و یک پارچگی است و تعریف مختار تربیت در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران در توجه متوازن به جنبه های مختلف حیات انسانی است. صرف توجه به یک بعد، موجب غفلت از ابعاد دیگر می شود. از این دیدگاه، مدرسه نه تنها به توسعه بعد عقلانی و مهارتهای فکری، بلکه به ابعاد مختلف و ساحت های گوناگون حیات انسانی توجه می نماید. اگر چه هسته اصلی اقدامات تربیتی مدرسه، بر بعد عقلانی استوار است، اما به سبب یکپارچگی وجود انسانی، غفلت از ابعاد دیگر حیات انسانی برای مدرسه ناروا ست. حتی در بعد شناختی نیز از توجه صرف به سطوح پایین توانش های شناختی متربیان، مانند حافظه، خودداری می شود. یعنی یکی از محرمات مدرسه صالح پرهیز از حافظه گرایی است. در منابع اسلامی توجه به رشد عقلانی و درک و فهم متربی از جهت گیری های اساسی بوده است. در آیات قرآن، بسیاری موارد یافت میشود که انسانها را به تدبر و تعقل دعوت نموده است. شلبی مورخ تاریخ آموزش و پرورش اسلامی در خصوص توجه به فهم، درک متربی در اسلام می نویسد:" ابن عربی می گوید از اینان (شاگردان) که بیشتر چنین است، کسانی هستند که قران را از بر ندارند و حال آن که فقه و حدیث و آنچه را خدا بخواهد یاد می گیرند و چه بسا پیشوایند ولی قرآن را از بر ندارند و من به چشم خود پیشوایی ندیده ام که قرآن از برکند و فقیهی ندیده ام که جز دو آیه قرآن از بر باشد دانش پژوهان این نگرش را دریافت کرده اند زیرا در این آیه قرآن که می گوید" ما این کتاب فرخنده را فرو فرستادیم تا در آیه های آن به تدبیر بنشینی" (سوره ۳۸، آیه ۲۷) پاسخ خود را شنیده اند و دریافته اند که مقصود از بر کردن نیست که درنگ است و اندیشیدن و دستورهای قرآن را به کار بستن .

برمبنای این ویژگی باید گفت رویکرد رئالیستی صرف، در خصوص کارکرد مدرسه مورد پذیرش نیست. بر اساس رویکرد رئالیستی، "مدرسه نهاد ویژه ای است که رسالت اصلی آن توسعه بعد عقلانی، یعنی انتقال دانش بشری و ایجاد مهارت های پژوهشی است؛ لذا نباید وظایف و احیانا جبران ضعف کار کرد دیگر نهادها، که عمدتا در فعالیتهای فوق برنامه مدرسه متجلی می شود، موجب کاهش توجه مدرسه به این بعد اساسی شود.

پس دغدغه اصلی مدرسه، آکادمیک و آزادی آکادمیک است . همچنین بر این اساس، رویکرد ایدئالیستی نیز مورد تأیید نیست. بر اساس این رویکرد، مدرسه وظیفه انتقال میراث فرهنگی (ارزش ها و گنجینه معارف بشری را به شکل برنامه ای و منظم (متوالی و متراکم) برعهده دارد. لذا مدرسه باید به ارزیابی و توسعه و گسترش آن نیز دست زند. هم چنین در مقابل دو نگاه انتقال دانش و مهارت گرایی، رعایت اعتدال در تربیت رسمی و عمومی ضرورت می یابد. به این صورت که کسب حدی از دانش معتبر و همچنین تأکید بر مهارته ای شناختی از یک سو و اکتساب توانمندی ها و مهارت های عملی برای زندگی از سوی دیگر، دو بخش مکمل اند و باید برای شایستگی های لازم مورد تأکید قرار گیرد. لذا می توان گفت که در مدرسه صالح باید دو نکته، توأمان مد نظر باشد: نخست این که کسب معرفت (به معنای اعم آن) و اعتلای معرفت یکی از محور اصلی فعالیت است، زیرا براساس مبانی معرفت شناختی، کسب معرفت اساس اشتداد وجودی آدمی است و هرگونه تحول در هویت و کسب شایستگیها برای تحقق حیات طیبه، نخست ناظر به درک و فهم موقعیت و بنابراین اساسا معرفت محور است (هرچند بر اساس مبانی معرفت شناختی این معرفت به صورت انتقال دانش صرف نیست. بلکه روند کسب معرفت معتبر و دست یابی متربیان به معرفت همچنین تولید معرفت نیز مهم و کانون توجه است). دوم این که معرفت حاصل شده، باید به صورت دستمایه عمل برای اصلاح بهبود موقعیت خود و دیگران، به کار رود. از این رو، بین معرفت و عمل نسبت وثیقی بر قرار است. در واقع نسبتی دوسویه بین عمل و شناخت وجود دارد. زیرا شکوفایی استعدادهای متربیان در حین عمل صورت می گیرد و عمل خود از یک سو به شناخت می انجامد و از سوی دیگر شناخت به عمل معتبر منجر می شود. توجه به این امر در تربیت رسمی وعمومی دلالت های مهمی به همراه دارد. یعنی مدرسه، که عرصه این نوع تربیت است، صرفا محل کسب دانش و فهم امور نیست، بلکه در آن زمینه سازی برای عمل شایسته نیز جایگاه و شأنی در خوردارد. در واقع یکی از راه های اساسی و مهم کسب شناخت و ارتقای معرفت، انجام اعمال شایسته است. یعنی متربی باید درگیر موقعیت هایی باشد که او را به اقدام و عمل مناسب فراخواند تا از قبل این درگیری و اقدام، به معرفت حقیقی نایل شود و هویتش تعالی یابد.

**5-ویژگی دیگر مدرسه صالح، «انعطاف پذیری**» است. بر مبنای اصل کثرت گرایی و اصل تفاوت های فردی، نظام مدرسه ای باید از حدی از انعطاف برخوردار باشد تا برنامه ها و رویه های جاری در آن دچار جمود و تصلب نگردد. به سخن دیگر، مدرس صالح از یک سوبر شباهت های انسانی تأکید دارد و در واقع بیشتر سازو کارهای مدرسه بر مبنای چنین شباهت هایی شکل می گیرد. از سوی دیگر با توجه به وجود تفاوت های فردی، سازو کارهای خود را منعطف می سازد تا زمینه تعالي وجودی بیشتر متربیان را فراهم آورد. از یک منظر مراد از این ویژگی، تلاش مدرسه برای ارتباط هرچه بیشتر آحاد متربیان با شرایط اجتماعی محیط پیرامون است؛ به این معنی که مدرسه باید تا حد امکان با شرایط متنوع زندگی متربیان سازگار شود و بکوشد از طریق فراهم آوردن موقعیت های متنوع تربیتی، تمامی متربیان جامعه هدف) را به سطح مطلوبی از شایستگی های پایه (ضمن توجه به شایستگی های ویژه) برساند. براین اساس تنوع مدارس در شرایط خاص و مبتنی بر نیاز متربیان ضروری به نظر می رسد.

بر اساس آنچه گفته شد، تربیت رسمی و عمومی به هرحال در مدرسه و تحت مدیریت مدرسه صورت می پذیرد؛ هرچند ممکن است مدرسه برای نیل به این مقصود، از دیگر موقعیت های جامعه، که می توانند کار کرد تربیتی داشته باشند، استفاده برد. البته این امر نیز با مدیریت مدرسه در سامان دهی موقعیت ها و فرصت های تربیتی (در چهارچوب معنای موسع برنامه درسی) میسر است؛ لذا مدرسه از تمامی ظرفیت های محیط اجتماعی، در راستای تحقق اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی و عملی شدن رسالت آن کمک می گیرد و حتی اشکال گوناگون تربیت غیررسمی و ظرفیت های فضای مجازی را به صورت فضای مکمل مورد استفاده قرار می دهد. لذا تربیت رسمی و عمومی،کلا در فضایی با محوریت فرهنگ و اهداف مدرسه صورت می گیرد؛ مگر در مواردی که برخی از مخاطبان تربیت رسمی و عمومی (افراد در سنین خاص) نتوانند در مدرسه (از جهت فضای فیزیکی حاضر شوند مانند افراد دارای بیماری های صعب العلاج، کودکان ساکن در مناطق دور افتاده، کودکان ساکن در کشورهایی که به مدرسه ایرانی دسترسی ندارندکه در این صورت باید اشکال مناسب و مختلفی برای بهره مندی ایشان از فرصت های تربیتی مدرسه ای فراهم آورد.

به سخن دیگر، می توان گفت مدرسه صالح را نه به صورت یک مکان یا یک فضا بلکه به صورت ترکیبی از فضا و مکان باید دید. منظور از "مکان" محیط مادی و کالبد مدرسه است. اگر تلقی از مدرسه تنها کالبد باشد، محدویت های زیادی در کارکرد و تأثیرگذاری مدرسه ایجاد خواهد شد. در این صورت تجارب متربیان تنها در چهارچوب فضای کالبدی مدرسه رخ میدهد و به حدود مادی مدرسه مربوط می شود. منظور از " فضا نیز ارزش ها، هنجار، رویه ها و فرهنگ حاکم بر مدرسه است. این بعد از مدرسه با وجود اهمیت زیادی که دارد نیز نباید جدای از مکان و کالبد مدرسه دیده شود. با نگاه ترکیبی به مدرسه امکان بهره گیری از فرصت ها و زمینه های دیگر اجتماعی را پیدا می کنیم که دارای خصوصیات بالقوه یا بالفعل تربیتی هستند. هم چنین برای افرادی که، بنابر دلایل مختلف، امکان حضور در مدرسه به صورت مکان ندارند فرصتی فراهم می شود تا برای حضور فعال در عرصه های اجتماع به کسب شایستگی های پایه بپردازند.

یکی از این فرصت ها و زمینه ها، فضای مجازی است. کسب دانش و معرفت از طریق فضای مجازی و فناوری اطلاعات و ارتباطات مکان محور نیست و آنچه به این فرصت بها و ارزش می بخشد مفهوم فضای مدرسه است، یعنی همان هنجارها و روندهای حاکم بر مدرسه است که از فرصت تربیتی فضای مجازی و فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می کند. از این رو، میتوان به رهیافتی مهم در خصوص مواجهه با تحولات اخیر در توسعه حیرت انگیز فناوری اطلاعات و ارتباطات اشاره کرد.

بر مبنای این استدلال، فناوری را باید یک فضای مکمل و ابزار مناسب برای تحقق بهتر اهداف تربیت رسمی و عمومی به شمار آورد. تردیدی نیست که کسب مهارت های عملی و اخلاقی و بهره گیری از این فضای مجازی در دستور کار مدرسه نیز قرار دارد، اما با این توضیح که ماهیت تأثیر تربیتی، به ویژه تربیت رسمی و عمومی، در ارتباط حضوری و رو در رو است. یعنی تعامل مربی و متربی در فضای مدرسه على الاصول رو در رو است.

لذا تعامل و ارتباط مجاری در تربیت رسمی و عمومی اساسا محور قرار نمی گیرد.

**۶-ویژگی ششم مدرسه صالح**، حاکمیت «رابطه احسان و عدالت» بین مربیان ومتربیان درمدرسه است زیرا اساسا خداوند مبنای رابطه انسان ها را با همدیگر بر اساس عدل و احسان قرار داده است. در آیه نود سوره نحل، انسان ها به عدل و احسان نسبت به یکدیگر امر شده اند. از این رو می توان گفت رابطه انسان با انسان در تفکر اسلامی رابطه عدل و احسان است. به بیان امام (ع) عدالت اصلاح کننده انسان هاست. گسترش رابطه عدل و پاگرفتن آن در روابط انسان ها با یکدیگر، حاصل پختگی فکری و پیشرفت فرهنگی است و پیامد نبود رابطه عدل، عقب ماندگی فکری و فرهنگی و ناتوانی و تکیه بر دیگران است. در جامعه ای که عدالت در آن فراگیر باشد فرصت برای افراد هوشمند و توانا فراهم است تا برای این که پیشرفت و سازندگی را رهبری کنند. سیاق آیه ۷۶ سوره نحل نشان میدهد که از ویژگی های اهل داد، از جمله پیشرفت در دانش و شناخت توانایی تولید، تحقیق، استقلال و وابسته نبودن به دیگران و سیاست جذب خیر و دفع شر است. برقراری روابط عدل و احسان در سطح مدرسه، در واقع زمینه سازی برای تربیت افراد عادل و محسن است، که از اهداف بعثت انبیا و از لوازم تحقق حیات طیبه در جامعه صالح است. به سخن دیگر، تحقق هدف انبیا به تربیت انسان هایی نیازمند است که عادل بوده و انگیزه سرشاری برای تحقق عدالت و احسان در جامعه داشته باشند. اما با توجه به این که ماهیت تربیت اساسا زمینه سازی است، حاکمیت عدل و احسان بر روابط درون مدرسه نیز کار کردی تربیتی خواهد داشت. به سخن دیگر، روابط عادلانه و مبتنی بر احسان از لوازم ضروری تحقق اهداف تربیت رسمی و عمومی در مدرسه است و خود، هدف و غایت تربیت نیز هست. حاکمیت این رابطه در بین آحاد مدرسه صالح، مدرسه را به فضایی احترام بر انگیز و شوق آور برای کسب شایستگی ها تبدیل می کند.

برقراری روابط عادلانه و مبتنی بر احسان در مدرسه خود لوازمی دارد. از جمله مهم ترین این لوازم، محوریت اخلاق و تحقق عینی ارزش های اخلاقی در مدرسه است.

۲۹۵

اخلاق در مدرسه صالح به مانند عدالت کارکردی دوگانه دارد: اخلاق از یک سو هدف است، زیرا که متخلق شدن متربیان از پیامدهای مورد نظر یک نظام تربیتی به ویژه نظام تربیت اسلامی است و از سوی دیگر، روش است، زیرا که خود بستری است برای تحقق اهداف دیگر. بی شک، در فضای اخلاق مدار مدرسه، شایستگی های مورد نظر توسط متربیان بهتر و بیشتر تعقیب و کسب می گردد. در این فضا آزادی متربی و سندیت مربی بدون وجود تعارض، آثار تربیتی به همراه خواهد داشت. بنابراین، فضای مدرسه باید سرشار از ارزش های انسانی و اسلامی باشد تا متربیان آنها را به صورت مستقیم و غیرمستقیم به دست آورند و تجربه کنند. در این خصوص، یکی از رویکردهای مدرسه صالح ایجاد جو اخلاقی است و از این طریق زمینه تحقق حیات طیبه و تحقق تجارب متعالی و معنوی متربیان در تمامی مؤلفه ها و ساز و کارهای مدرسه صالح فراهم می گردد. یکی از ملاک های مهم ارزیابی تربیت در مدرسه صالح این است که همه ساز و کارهای آن با ارزش های اخلاقی هماهنگ و مطابق باشد. لذا باید این ساز و کارها به نحو درونی و بیرونی با ارزش های اخلاقی معتبر نقد شود و محک بخورد.

**۷- یکی دیگر از خصوصیات مهم فضای مدرسه صالح، مشارکت و تعاون** است. از آن جا که انسانها در جامعه متولد می شوند و در جامعه رشد می کنند، تربیت آنها نیز باید اساسا اجتماعی باشد. لذا فضای حاکم بر محیط های تربیتی، به ویژه محیط های تربیت رسمی، باید به گونه ای باشد که شخصیت متربیان را از شکل گیری فردگرایی و رقابت گرایی مخرب دور نگه دارد. لذا محیط های تربیتی باید به جای تأکید بر مقایسۀ فردی و رقابت با دیگران در یادگیری، به ایجاد فضای رفاقت سالم و تعامل سازنده و مؤثر با دیگران و رقابت هر فرد با خودش برای تعالی مداوم ظرفیت های وجودی خویش) روی آورند.

اگر بپذیریم که مدرسه صالح وضعیتی است که شکل ساده ای از حیات طیبه را به ظهور می رساند تا متربیان آن را تجربه کنند، می توان گفت که مدرسه وضعیتی سامان یافته برای انجام اعمال خیر و مسابقه و شتاب کردن در خیرات " است. به سخن دیگر در نگرش اسلامی، مفهوم "خیر" مفهوم اساسی و بنیاد عمل مدرسه صالح در مفهوم اسلامی است. در این صورت بر مبنای آیه دوم از سوره مائده می توان نتیجه گرفت که تعاون در امور نیک نیز از ویژگیهای اساسی مدرسه مطلوب است. از آنجا که بنای مدرسه اساسا بر مبنای خیر و در راستای زمینه سازی برای انجام اعمال خیر است از این رو همکاری در انجام خیرات اساسا بر تمامی ساز و کارهای مدرسه صالح حاکم است.

این همکاری در مدرسه در دو بعد درونی و بیرونی نمود می یابد:

* . در بعد درونی این همکاری بین مربیان و متربیان صورت می گیرد. گفتنی است که به سبب تفاوت

سطح تأثیرگذاری متربیان و مربیان در فرایند تربیت رسمی و عمومی و مراحل آن، ساز و کارهای همکاری و تعاون در بعد درونی با اجتماع تفاوت خواهد داشت. این تفاوت در ویژگی «ساده سازی و انعطاف» مورد توجه قرار می گیرد. به طور کلی تعاون در مدرسه امری تشکیکی است و مراتبی دارد، که به تناسب سطح رشد متربیان تنظیم می شود. نمود همکاری در مدرسه می تواند برای تحقق حیات طیبه و آمادگی برای تحقق آن در عرصه اجتماع تجربه سازنده ای باشد. این ویژگی مصداق اصل تعامل است. همکاری در این بعد مستلزم احترام متقابل و مسئولیت متقابل اوليا، مربیان و متربیان مدرسه است.

* در بعد بیرونی همکاری، مدرسه، که در واقع بخشی از جامعه محلی متناسب با ویژگیهای پیش گفته است

، می تواند در جریان های اجتماعی ناظر به اصلاح مداوم موقعیت، فعال باشد، و مشارکت نماید و مشارکت بپذیرد. این مشارکت با نهادهای محلی و همچنین با مدارس هم جوار صورت می گیرد. یک بعد از این مشارکت به این صورت است که مدرسه محور توسعه جامعه محلی باشد. بعد دیگر این که مدرسه از همکاری نهادها و مؤسسات، اشخاص حقیقی و حقوقی، که فراهم کننده فرصت های مکمل و جانبی برای توسعه و تعالى تجارب ارزنده یادگیری هستند، بهره مند گردد. این گونه مشارکت، علاوه بر این که فرصت های تربیتی را برای مدرسه توسعه می دهد، باعث خواهد شد تا مدرسه محور توسعه محلی تلقی شود و نقش اصلی را در هدایت تغییرات اجتماعی در راستای اصلاح مداوم موقعیت و پیشرفت و تعالی جامعه صالح) برعهده گیرد. این به آن معناست که، علاوه بر نقش کلان فرایند تربیت در شکل گیری جامعه صالح، توسعه اجتماع صالح محلی، نیز تربیت محور باشد و ومدرسه در آن نقش نخست را برعهده دارد. |

اگرچه تلاش مدرسه، در مجموع، برای فراهم آوردن زمینه های مناسب رشد و توسعه استعدادهای متربیان صورت می گیرد اما کاملا مشخص است که مدرسه در این راستا قادر مطلق نیست و به یاری و مشارکت دیگر نهادهای دولتی و غیردولتی نیازمند است. لذا ضرورت دارد برای تحقق تربیت همه جانبه، در حاشیه و جنب مدرسه مؤسسات و نهادهای مکمل و جانبی شکل بگیرند تا با فراهم کردن فرصتهای تربیتی مضاعف، در تحقق اهداف تربیت رسمی و عمومی یاریگر مدرسه باشند.

یکی از جلوه های کانونی همکاری و تعاون در مدرسه، در نسبت وثیقی است که مدرسه و خانواده برقرار می کنند.

در این نگرش، خانواده و مدرسه دو فضای تربیتی مکمل همدیگر خواهند بود. به ویژه با توجه به این که والدین، براساس مبانی حقوقی پیش گفته، باید نقش تعیین کننده ای در سازو کارهای اجرایی تربیت رسمی داشته باشند، لازم است اولیا با معلمان و مدیریت مدرسه ارتباط مستمر داشته باشند و همواره مدرسه محل تردد آنان باشد.

این به آن معناست که حساسیت تربیتی والدین افزایش یابد و مسئولیت کل تربیت رسمی و عمومی یک سره به مدرسه واگذار نگردد. لذا ساز و کارهای تربیت رسمی و عمومی باید به گونه ای ترتیب داده شود که حق خانواده، به مثابه یکی از ارکان تربیت، رعایت گردد. گرچه ممکن است در شرایطی، به دلیل تخصصی شدن امر تربیت رسمی و عمومی، این دخالت کاهش یابد اما می توان انتظار داشت که با افزایش آگاهی تربیتی آحاد جامعه، مشارکت خانواده ها در تربیت رسمی وعمومی روز افزون شود و این موضوع خود یک مطالبه عمومی تلقی گردد.

۲۹۸

**3 - 4. الگوی نظری ساحت های تربیت**

در ادامه بحث از چگونگی تربیت رسمی وعمومی، موضوع چگونگی عمل مربیان را باتوجه به ساحت های مختلف وجودی متربیان، پی می گیریم. همان گونه که از اصل همه جانبه نگری در تربیت رسمی وعمومی برداشت می شود، تربیت در مدرسه باید به ابعاد مختلف وجودی متربیان توجه نماید. در مباحث مربوط به انواع تربیت در فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران این موضوع مورد اشاره قرار گرفت که می توان تربیت را براساس ابعاد و ساحت های وجودی متربیان و توجه به شئون مختلف حیات طیبه به شش ساحت تقسیم کرد. از این رو در این بخش از بحث چگونگی تربیت رسمی وعمومی به بیان ساحت های شش گانه و تشریح چگونگی مواجهه مربیان با روند زمینه سازی برای کسب شایستگی های لازم و متناسب با هر ساحت، می پردازیم.

برای رسیدن به این مقصود، الگوهای نظری، مربوط به ساحت های شش گانه تربیت تشریح و تبیین می شوند. منظور از الگوی نظری‘‘ طرحواره مفهومی نظام مندی است، متشکل از عناصر مربوط به جریان تربیت و روابط میان آنها که پاسخ های مستدل و عامی را برای هدایت مربیان در عمل تربیتی فراهم می آورد. هر الگوی نظری شامل سه دسته مؤلفه است («حدود و قلمرو»، رویکرد» و «اصول» ).

شایان ذکر است که اصول عام و کلی پیش گفته بر عمل مربیان، در این ساحت ها نیز حاکم اند لذا در بیان اصول، از تکرار عام آنها خودداری شده و به اصول خاص هر ساحت و با تأکید ویژه پرداخته شده است. بنابراین در این بخش، الگوی نظری مربوط به هر یک از ساحت های شش گانه تربیت تشریح می شود و در آن «حدود و قلمرو»، «رویکرد» و «اصول» مربوط به هر ساحت تبیین می گردد.

**1 - ۳ - 4 . ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی**

**الف) حدود و قلمرو**

چنان که در فلسفه تربیت گذشت(ذیل بحث انواع تربیت)، به طور کلی دو گونه تربیت دینی قابل تصور است: نخست تربیتی که چهار چوب بنیادی و اصول آن بر اساس دین و آموزه های دینی باشد. این شکل از تربیت دینی در مقابل تربیت سکولار قرار دارد و همه ابعاد یک نظام را براساس مبانی معیارهای دینی شامل می شود. در مجموعه حاضر از این مفهوم با تعبیر تربیت اسلامی یاد شده است وهمه ساحت های تربیت را در بر می گیرد. دوم، بخش خاصی از تربیت که برای تقویت روند دین داری و دینورزی متربیان صورت می پذیرد. در این شکل از تربیت، اعتقادات و مناسک دین خاصی مورد توجه قرار می گیرد و متربی برای رسیدن به ایمان و باور و عمل به آنها تربیت میشود(البته مطابق قانون اساسی کشور ما، اقلیت های دینی و مذهبی رسمی در تعلیم دین و مذهب خود به فرزندانشان آزادند).. به همین دلیل و برای تمایز این دو شکل از تربیت دینی، نوع اخیر را تربیت ساحت اعتقادی و عبادی نام نهاده ایم و به سبب نزدیکی و خویشاوندی اخلاق و دین، در مجموع ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی نام گذاری شد

ساحت تربیت اعتقادی، عبادی واخلاقی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است، ناظر به رشد و تقویت مرتبه قابل قبولی از جنبه دینی و اخلاقی حیات طیبه در وجود متربیان و شامل همه تدابیر و اقداماتی که جهت پرورش ایمان و التزام آگاهانه و اختیاری متربیان نسبت به مجموعه ای از باورها، ارزش ها، اعمال و صفات اعتقادی عبادی و اخلاقی و در راستای تکوین و تعالی هویت دینی و اخلاقی ایشان صورت می پذیرد. لذا قلمرو ساحت تربیت اعتقادی، عبادی واخلاقی، ناظر به خودشناسی و معرفت نسبت به خداوند متعال، معاد، نبوت و پذیرش ولایت رهبران دینی (پیامبر(ص) و ائمه معصومین (ع) و پیروی از ایشان است، که به حق برترین انسان های کامل در طول تاریخ هستند.. .

هم چنین این ساحت ناظر به سایر عقائد و ارزش های دینی، ایمان (انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه دین حق یعنی آیین زندگی و نظام معیار)، تقید عملی به احکام، مناسک و ارزش های دینی و رعایت اصول و آداب اخلاقی در زندگی روزمره (در همه ابعاد فردی و اجتماعی و تلاش پیوسته برای خودسازی بر اساس نظام معیار (مهار غرائز طبیعی، تعدیل عواطف و خویشتن داری، حفظ کرامت و عزت نفس، کسب صفات و فضایل اخلاقی و پیشگیری از تکوین صفات و رذایل اخلاقی) است.

۲۹۹

**ب) رویکرد**

جهت گیری ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی دارای این خصوصیات است:

• فطرت مداری (شروع از معرفت و میل ربوبی سرشته در وجود متربیان)؛

* تعالی مرتبتی (رعایت مراتب تشکیکی تدین و تخلق، با توجه به مراتب دینداری و اخلاق)؛
* جامع بودن بین روش موضوعی (در بعد بینش و دانش دینی و روش تلفیقی (با سایر ساحت های تربیت و در بعد نگرش و عمل دینی)؛
* عقلانیت محوری (اصالت دادن به تعقل و عقلانیت، که اسکلت و محور تربیت اعتقادی،عبادی و اخلاقی تلقی میشود)، ضمن توجه به ابعاد عاطفی و عملی (پرهیز از مواجهه صرفا احساسی یا انتخاب دین بر اساس اکراه و اجبار و تلقین محض)؛ یعنی تأکید برکسب بصیرت دینی؛
* مشارکت و همراهی همه عوامل (تقسیم کار بین خانواده، مدرسه، مسجد و رسانه)؛
* انعطاف پذیری، تنوع و پویایی (توجه به مقتضیات زمان و مکان، ضمن حفظ اصول)؛
* فعال بودن (تأکید بر نقش اصلی متربیان در فرایند و نتیجه)؛
* مسئله محوری (توجه به موضوعات و مسائل زندگی روزمره)؛
* توجه به بعد عاطفی و ولایی دین (بهره مندی مناسب از عواطف، احساسات و تجارب شخصی برای تعمیق و گسترش تدین)، تولا و تبراء
* چند بعدی بودن (پرهیز از تحویل دین داری به یکی از ابعاد آن)؛
* بهره گیری از میراث غنی و ارزشمند ادب پارسی برای توسعه و تعالی ارزش های دینی و

اخلاقی

**ج) اصول**

در اینجا اصول ایجابی مطرح می شود. رعایت این اصول مستلزم برخی نبایدهای کلی در این زمینه است از جمله: پرهیز از تحویل تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی به یکی از ابعاد شناختی، عاطفی، رفتاری دینداری (پرهیز از

یک سونگری و تحویل انگاری)، پرهیز از تلقین، اکراه و اجبار در بعد اعتقادی و نگرشی تربیت دینی؛ پرهیز از تقارن دعوت به اصل دین و اخلاق با دفاع از عملکرد همه

مدعیان دین واخلاق؛ پرهیز از رویکرد عاطفه گرایی وایمان گروی صرف (به معنای واگذاشتن عقل و معرفت)؛ پرهیز از تکفیر و تفسیق (تأکید بر اقناع، شرح صدر و گفت و گو و مدارا)؛ پرهیز از ارائه حجم زیاد مطالب دینی (بدون توجه به ظرفیت فکری مخاطب)؛ پرهیز از تحجر و خرافه گرایی و بدعت گذاری و التقاط و پرهیز از تطویل و تکرار ممل خاطر.

**اصل تحول مداوم**

مصادیق این اصل عبارت اند از:

* حرکت از اصلاح ظاهر به تحول باطن؛
* حرکت از پیامد گرایی به تکلیف مداری؛
* حرکت از تلقین و عادت به تبیین و انتخاب و استدلال؛
* حرکت از ظن به اطمینان و یقین؛
* حرکت از ارزیابی بیرونی به ارزشیابی توسط خود شخص؛
* حرکت از اصلاح محیط (محدودسازی) به سوی مقاومت در مقابل محیط (مصون سازی) و سپس تأثیرگذاری بر آن؛
* حرکت از انگیزه های دنیوی مشروع به انگیزه های اخروی (تصعید)؛
* حرکت از اصلاح فردی به اصلاح اجتماعی؛
* حرکت از ارزش های عام انسانی به ارزشهای الهی؛
* حرکت از اجبار برنامه ای به انتخاب فردی؛ و حرکت از الزام بیرونی به التزام شخصی

**اصل ایجاد توازن**

مصادیق این اصل عبارت اند از:

• تأکید بر پرورش روحیه نقادی، هم نسبت به مدرنیته و هم، نسبت به سنت؛

• انعطاف پذیری نسبت به واقعیات متنوع محیطی و خرده فرهنگ ها و خانواده ها (ضمن حفظ اصول)؛

* توازن بين ظاهر و باطن؛
* توازن و تلفیق میان اخلاق و دین؛
* تلفیق و ترکیب مناسب و هماهنگ تعلیم و تزکیه؛
* توجه به خصوصیات فردی و جنسی متربیان، ضمن تأکید بر مشترکات میان آنها؛

• رعایت اعتدال (پرهیز از افراط و تفریط)؛

• تأكید متوازن و سازوار بر استفاد از روشهای مختلف تربیت اخلاقی و دینی؛

• تأكید متوازن بر تبیین، استدلال، حساسیت و عمل اخلاقی؛

• جمع بین حفظ امور ثابت دینی و پویایی، نسبت به مقتضیات زمان و مکان.

**اصل رعایت اولویتها (الأهم فالأهم)**

مصادیق این اصل عبارت اند از:

• اولویت استدلال بر تعد؛

• تقدم پیش گیری بر درمان (تقدم مبارزه با علت نسبت به برخورد با معلول)؛

• دفع افسد به فاسد؛

• تقدم پیرایش از زشتیهای اخلاقی بر آراسته شدن نسبت به زیبایی ها؛

• تقدم رفع بر دفع رذایل و عوامل مؤثر در آن؛

• تقدم فضل بر عدل (تقدم رحمت بر غضب)؛

• اصالت مصونیت بر محدودیت؛

• تأکید بر کاربرد دین و اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی (با تأکید بر مسائل واقعی زندگی متربیان). بعد پیامدی اخلاق و دین باید از این روش مورد توجه قرار گیرد که اخلاق و دین با مسائل زندگی روزانه مرتبط شود. برای مثال، با توجه به گسترده شدن کاربرد فاوا، اخلاق در حوزه تربیت اخلاقی باید مورد توجه قرار گیرد و بیان مهارت های کاربرد اخلاق مدارانه را در این محیط مجازی در نظر بگیرند. همچنین است رعایت اخلاق زیست محیطی و مانند آن.

2 - ۳ - 4. **ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی**

**الف) حدود و قلمرو**

ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی هایی است که متربیان را قادر می سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. قلمرو ساحت تربیت اجتماعی سیاسی شامل موارد زیر است:

ارتباط مناسب با دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان و همکاران و...)، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی رعایت قانون، مسئولیت پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش های اجتماعی)، کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت های ارتباطی (بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم اجتماعی، مسالمت جویی، درک و فهم سیاسی، عدالت اجتماعی، درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بين المللی، حفظ وحدت و تفاهم، توانایی های زبان ملی (فارسی) محلی، جهانی (عربی، انگلیسی و...) است.

**ب) رویکرد**

جهت گیری ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت برای عضویت فضیلت مدارانه در خانواده صالح وجامعة صالح است. ارتباط با خانواده یکی از اساسی ترین مؤلفه های ارتباط است که در شکل گیری بنیادی های هویت انسان ها نقشی انکار نشدنی دارد. بر این اساس، زندگی خانوادگی، آمادگی برای آن و شکل گیری و تداوم این شکل از حیات اجتماعی از مؤلف های اصلی و اساسی تربیت اجتماعی است. در تربیت رسمی و عمومی، صرف نظر از تأکید بر شایستگی های پایه عواملی که به تقویت نهاد خانواده منجر می شوند و از لوازم استحکام خانواده محسوب می گردند، به نقش های جنسیتی مانند نقش پدری و نقش مادری نیز توجه جدی می شود.

در واقع آمادگی برای زندگی مشترک خانوادگی از شایستگی های مشترکی است که چنانچه گذشت در کانون توجه تربیت رسمی و عمومی نیز قرار می گیرد، اما رویکرد تربیت جنسیتی در تربیت رسمی و عمومی یک رویکرد نرم است. منظور از رویکرد نرم توجه به سطح رشدی است و این که وظیفه اصلی ایجاد آمادگی برای تشکیل خانواده (ازدواج) برعهده نهادهای ذی ربط خواهد بود. اما به هر حال تربیت رسمی و عمومی آمادگی های لازم را برای کسب صفات و توانمندی ها و مهارت های لازم را برای زندگی خانوادگی و در واقع، تکوین هویت جنسیتی متربیان فراهم می آورد. به طور کلی تربیت رسمی و عمومی، باتوجه به ظرفیت های خود، برای دنبال کردن سیاست تشکیل و حفظ خانواده صالح و در راستای شکل گیری جامعه صالح، زمینه های لازم را دنبال خواهد نمود

ایجاد به آمادگی برای عضویت در جامعه صالح، به لحاظ اهمیت کلیدی واژه شهروندی، در مباحث مربوط به تربیت اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. بی گمان تربیت شهروندان خوب یکی از دل مشغولی های اکثر نظام های تربیتی در بسیاری از کشورهای دنیاست. مسائل و مشکلاتی هم که در حوزه اجتماعی در کشورمان پدید می آید ضرورت باز اندیشی در تربیت شهروندی را می طلبد.

به کارگیری واژه فضیلت مدار در این رویکرد نیز حاکی از اهمیت توجه کردن به مباحث ارزشی و اخلاقی و لحاظ کردن آنها در این نوع تربیت است. اخلاق به منزله آیین نامه ای است که انسان را، به لحاظ انسان بودن، موظف می سازد آن را رعایت کند. چنین دستورالعمل ها و آیین نامه های اخلاقی در دین و دستورات دینی، به بهترین نحو مورد تأکید قرار گرفته اند. دین که در واقع سپهر فراگیر تمام ساختارها و سازوکارهای اجتماعی و سیاسی و منبع هنجارفرست (نظام معیار) در تربیت اجتماعی و سیاسی است باید مورد نظر قرار گیرد و نقش بی بدیل خود را در هدایت و اعتلای مناسبات اجتماعی در سطح خانوادگی و اجتماعی ایفا کند؛ چرا که اصلاح رابطه با خدا که اصلاح رابطه با خود، دیگران و طبیعت را نیز به همراه خواهد داشت. در تربیت اجتماعی و سیاسی عنصری کلیدی است و به آن جهت خواهد داد.

**ج) اصول**

• توجه به روابط سازنده متربی و جامعه؛

• فراهم ساختن زمینه خروج متربی از خودمحوری، خودکامگی و استبداد؛

• نگریستن به حقوق و مسئولیت های خانوادگی و اجتماعی به صورت دو عنصر مکمل

• مورد نظر قرار گرفتن فردیت ممتاز و متمایز آدمی و عزت متربی و جامعه؛

• تأکید بر قانون مندی و قانون مداری (پذیرش قانون اساسی کشور به مثابه میثاق ملی)

• توجه به شایستگی های پایه برای مشارکت فعال (عمل آگاهانه و آزادانه) متربیان در حیات خانوادگی، مدرسه ای، اجتماعی و سیاسی مدیریت زندگی فردی و اجتماعی)؛

• توجه به شایستگی های پایه و ویژه(با رویکرد نرم) برای تشکیل خانواده صالح به مثابه مولفه اساسی و تداوم بخش حیات جامعة صالح؛

• توجه به بازیابی موقعیت خود در دامنه سنت های اجتماعی و در بستر فرهنگ و روابط اجتماعی و خانوادگی با نگاهی گزینشی و اقدام برای اصلاح و بهبود مستمر آن؛

* تأکید بر هویت مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) برای وحدت ملی و انسجام اجتماعی؛
* تأکید بر اصل تولا و تبرا و ولایت پذیری؛
* تأکید بر ظلم ستیزی و عدم ظلم پذیری؛
* تأکید بر رسالت جهانی و مسئولیت بشری و گسترش عدالت در جهان؛
* تأکید بر مدارا و تحمل عقاید مخالف و خرده فرهنگ ها در سطح ملی و جهانی؛
* تأکید بر پرورش منش آزادگی در هویت متربیان؛
* • طرد تفکیک میان دین و سیاست، حق و تکلیف، اختیار و وظیفه و عبادت و کار
* توجه به میراث ادبیات فارسی در جهت انتقال ارزش های اصیل اخلاقی؛
* : توجه به میراث ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در راستای ایجاد هویت مشترک

ایرانی و اسلامی

**3 - ۳ - 4 . ساحت تربیت زیستی و بدنی**

**الف) حدود و قلمرو**

ساحت تربیت زیستی و بدنی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متربیان در قبال خود و دیگران، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت است. قلمرو این ساحت (پرورش قوای بدنی و تأمین سلامت جسمی) موارد زیر را پوشش می دهد: تربیت جنسی، سلامت فردی و اجتماعی (تأمین نیازهای اساسی، حفظ شادابی در زندگی، برخورداری از رفاه و سلامت، استفاده از تفریحات سالم و اوقات فراغت، مراقبت از جسم و روح و پاکیزگی و آراستگی فردی)، بهداشت زیست محیطی، قلمروهای زیست بوم شهری (احساس مسئولیت در قبال حفظ زیست بوم شهری، آگاهی از الگوهای صحیح تولید و مصرف و یادگیری عادت ها و گرایش ها در حفظ پاکیزگی و سلامت محیط شهری و منابع طبیعی (شناخت طبیعت و احترام قائل شدن برای آن). در واقع همه این موارد به جنبه هایی مهم ومغفول از حیات طیبه در وجه کامل آن اشاره دارد.

**ب) رویکرد**

مهم ترین جهت گیری ساحت تربیت زیستی و بدنی عبارت است از: تعامل مستمر روح وبدن، با این توضیح که در این جهت گیری رابطه روح و بدن رابطه ای بنیادین، عمیق و در اصل هستی است نظریه جسمانية الحدوث و روحانية البقا)، به این معنا که مادہ جسمانی بر پایه حرکت اشتدادی وجود، در ذات و جوهر خود کامل می شود. در چنین فضای فکری، مفهوم سلامت در این ساحت معنای گسترده تری می یابد و ابعاد روانی را نیز شامل میشود. از این رو می توان گفت که رویکرد این ساحت از تربیت نیز نگاهی کل نگر و تلفیقی است.

**ج) اصول**

• توجه هماهنگ و مستمر به تربیت زیستی و بدنی متربیان؛

* : توجه به کسب شایستگی های پایه (توانمندی های ضروری). توسط متربیان جهت ارزیابی خطرها، لحاظ کردن نتایج بالقوه آنها و درک و فهم موقعیت خود در زمینه زیستی وبدنی و عمل برای بهبود آن؛
* امروزه بحث رفتارهای پرخطر در جوامع جهانی به شدت مطرح است لذا از تربیت رسمی و عمومی این انتظار می رود که متربیان را در مواجهه با فرصت های خطرساز زندگی آنان مراقبت کنند و با ارزیابی آگاهی و خویشتن داری با آنها مواجه شوند. این موضوع در اخلاق اسلامی مورد تأکید است و ارزش تقوا مورد توجه جدی جامعه صالح است
* توجه هماهنگ و متعادل به ابعاد جسمانی، روانی، زیستی، اجتماعی، محیطی و معنوی رشد متربیان در تربیت زیستی و بدنی آن ها
* توجه به کسب شایستگی ایجاد رابطه سالم با محیط، یعنی احترام به محیط زیست به مثابه آیه ای از آیات الهی(نگاه آیه ای) و در عین حال، بهره مندی معقول و اخلاقی از ظرفیت های آن (نگاه وسیله ای برای اعتلای سطح کیفی حیات بشری؛
* : توجه به ایجاد روحیه تعهد و مسئولیت پذیری نسبت به آفریده های خداوند، اعم از انسان ها و طبیعت در متربیان؛
* : توجه به تربیت جنسی با توجه به تفاوت های جنسی متربیان؛
* توجه به مشارکت و تعامل همه نهادها و عوامل سهیم و مؤثر در زمینه سلامت و تربیت بدنی متربیان؛
* : توجه به ایجاد زمینه مناسب کسب شایستگی های پایه، مرتبط با ابعاد زیستی زندگی خانوادگی برای متربیان؛
* : امروزه مهارتهای زندگی بخشی از موضوعات مورد توجه نظامهای تربیت رسمی و عمومی است. این موضوع را می توان در همه ساحت های تربیت مورد نظر قرار داد. در اینجا بر مهارتهای ناظر بر بعد سلامت جسمانی و مراقبت از آن تأکید می شود؛
* توجه به زمینه سازی برای کسب شایستگی های لازم در سطح تربیت همگانی بدنی و در عین حال توجه به زمینه سازی برای کسب شایستگی های لازم، بویژه تربیت بدنی، در سطوح قهرمانی؛
* : توجه به ظرفیت های تربیت غیررسمی برای زمینه سازی کسب شایستگی های پایه و ویژه در حوزه سلامت و تربیت بدنی.

**۴ - ۳ - ۴ . ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری**

**الف) حدود و قلمرو**

ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی شناختی متربیان (توان درک موضوعات و افعال دارای زیبایی مادی یا معنوی توان خلق آثار هنری و قدردانی از آثار و ارزش های هنری) است.

ب) رویکرد در ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری، تربیت هنری موضوع محور، به مثابه رویکرد اصلی و رویکرد دریافت احساس و معنا به منزله رویکرد مکمل و به مثابه جهت گیری کلی این ساحت انتخاب شده است.

رویکرد تربیت هنری موضوع محور در مقایسه با رویکردهای دیگر، جامعیت بیشتری دارد. این رویکرد، ضمن برخورداری از سه قلمرو معرفتی تولید هنر، تاریخ هنر و زیبایی شناسی که فصل مشترک سه رویکرد مطرح در ساحت زیبایی شناختی و هنری شمرده می شود شامل قلمرو معرفتی نقد هنر نیز هست که وجه تمایز این رویکرد نسبت به رویکردهای دیگر به شمار می آید.

اتخاذ رویکرد دریافت احساس و معنا شامل دو فرآیند خلق معنا و کشف معناست. به عبارت دیگر، خلق هنر، نوعی رمزگذاری یا رمزگردانی و درک و دریافت هنر، نوعی رمزگشایی است. خلق معنا یا رمزگذاری، خاص هنرمند و کشف معنا یا رمزگشایی، مختص به افراد عادی و غیراهل فن است؛ مشروط به آن که ادراک زیبایی شناسی آنها پرورش یافته باشد. از این رو هدف تربیت هنری، نه پرورش هنرمند حرفه ای، که پرورش ادراک زیبایی شناسی در همه متربیان است. لذا لازم است در کنار رویکرد تربیت هنری موضوع محور، به رویکرد ادراکی دریافت احساس و معنا هم توجه شود و این دو رویکرد مبنای سیاست گذاری، تصمیم گیری، و برنامه ریزی واقع شوند.

**ج) اصول**

• تأکید بر پرورش حواس؛

• فراهم سازی زمینه های مناسب پرورش تخیل و قوه خیال

• تأکید بر فراهم سازی زمینه های کسب شایستگی رمزگذاری و رمزگشایی برای متربیان"؛

• تلقی تربیت زیبایی شناختی و هنری به مثابه تربیت همگانی؛

• تأکید بر فراهم سازی زمینه ها و شرایط آفرینشگری و خلاقیت برای متربیان

• تأکید بر تربیت زیبایی شناختی و هنری به منزله یک فرابرنامه درسی و روح حاکم بر کل برنامه های درسی

• تأکید بر انعطاف پذیری تربیت زیبایی شناختی و هنری؛

• تأكید بر فراهم آوردن زمینه گرایش و تخصص هنری در متربیان".

**5 - ۳ - 4 . ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای**

**الف) حدود و قلمرو**

ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی یعنی بعد اقتصادی و معیشتی انسان هاست. این ساحت ناظر به رشد توانایی های متربیان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه ای است (اموری نظیر درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه ای، التزام به اخلاق حرفه ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره وری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب و کار و احکام معاملات و التزام به اخلاق و ارزش ها در روابط اقتصادی).

**ب) رویکرد**

مهمترین جهت گیری ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای جهت گیری کل نگر و تلفیقی است که برخی مشخصه های آن عبارت اند از:

* توسعه متوازن و متعادل ابعاد و ساحت های وجودی فرد در راستای تحقق حیات طیبه در ابعاد فردی و اجتماعی؛
* درونی سازی ارزش های اصیل دینی و اخلاقی در زمینه اقتصادی و حرفه ای، مانند ارزش کار و تلاش، کسب حلال، انصاف و عدالت، تعاون، وفای به عهد، پرهیز از اسراف و تبذیر؛
* گرایش به ایجاد و توسعه شایستگی های متربیان برای یادگیری مادام العمر؛
* : توجه به شکل گیری و توسعه الگوی مصرف مبتنی بر نظام معیار اسلامی؛
* رفع موانع بین مراحل تربیت رسمی و عمومی و ساحتهای تربیت و بين نظام تربیت رسمی و عمومی و نیازهای جامعه و بين مدرسه و جامعه از طریق
* تلفيق مناسب تربیت اقتصادی و حرفه ای با تربیت رسمی و عمومی در همه مراحل تربیت

رسمی و عمومی؛

* به حساب آوردن نیازهای فردی، تحول مشاغل و حرفه ها در جامعه؛
* و توجه به تجربه کاری که بخشی از فرآیند یادگیری است). و ایجاد شایستگی یادگیری مادام العمر، به گونه ای که به متربیان اجازه دهد برای شناخت و اصلاح مستمر موقعیت اقتصادی خود در جامعه بپردازند شایستگی های حرفه ای عام را .. به طور مداوم توسعه دهند.

در نتیجه، به جای رویکردهای دانش محور یا مهارت مدار خشک و محصور شده در یک دوره زمانی مشخص، به رویکردی کل گرا و تلفیقی از تربیت در ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای نیاز خواهد بود که نتیجه آن توسعه و تعالی کلیه ظرفیت های وجودی متربیان در راستای اصلاح و بهبود مستمر موقعیت خود و دیگران در همه ساحت ها، به ویژه تربیت اقتصادی و حرفه ای است و بی تردید یکی از زمینه های تحقق حیات طیبه در ابعاد فردی و اجتماعی به شمار می آید.

**۳۱۰**

**ج) اصول**

• انعطاف پذیری هم در ساختار نظام تربیت رسمی و عمومی از طریق هماهنگی ساختار نظام تربیت رسمی و عمومی با ساختار اقتصادی کشور و هم در برنامه درسی از طریق هماهنگی آن با ایجاد شایستگی های جدید در متربیان و به روزسازی مستمر آن)؛

• تأکید بر تربیت مستمر و مداوم تربیتی که متربیان شایستگی های لازم را با خود آموزی مستمر و به روزسازی توانمندی های خود به دست آورند)؛

• توجه به کار آفرینی" (برنامه های درسی باید تا حد امکان بتواند متربیان را کارآفرین و توانمند تربیت کند، به نحوی که راههای آشنایی و پاسخگویی به نیازهای متنوع جامعه و بازار کار را فرا گیرند و بتوانند برای خود و دیگران کار تولید کنند)؛

• توجه به تفاوت های فردی و تنوع علایق و استعدادهای متربیان در تولید برنامه های درسی و روش های تدریس؛

* : توجه به کسب شایستگی های عام، پیش نیاز رشد حرفه ای و اقتصادی؛

• تأکید بر کسب شایستگی های اخلاقی در بهره گیری از طبیعت در چهار چوب نظام معیار اسلامی؛

• کسب شایستگی های مناسب در متربیان به منظور حل مسائل فردی و گروهی آن ها در ارتباط با خانواده، جامعه و محیط کاره؛

• استفاده مطلوب از فناوری اطلاعات و ارتباطات در تربیت اقتصادی و حرفه ای.

3 -4-۶. **ساحت تربیت علمی و فناوری**

**الف) حدود و قلمرو**

ساحت تربیت تربیت علمی و فناوری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به کسب شایستگی ها (صفات و توانمندی ها و مهارت هایی است که متربیان را در شناخت و بهره گیری و توسعه نتایج تجارب متراکم بشری در عرصه علم و فناوری یاری کند تا بر اساس آن متربیان قادر شوند، با عنایت به تغییرات و تحولات آینده، نسبت به جهان هستی (نگاه آیه ای به هستی) و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت (نگاه ابزاری)، بینشی ارزش مدار کسب کنند.

ترکیب نگاه آیه ای و ابزاری منجر به تصرف و بهره گیری مسئولانه از طبیعت منجر خواهد شد، که می تواند به یک راهبرد اساسی در نگاه انسان به طبیعت و حفظ و مراقبت از آن بینجامد.

لذا این ساحت از تربیت ناظر به رشد توانمندی افراد جامعه در راستای فهم و درک دانش های پایه و عمومی، کسب مهارت دانش افزایی، به کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی، توان تفکر انتقادی، آمادگی جهت بروز خلاقیت و نوآوری و نیز ناظر به کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی است.

**ب) رویکرد**

مهم ترین جهت گیری ساحت تربیت علمی و فناوری، جهت گیری کل نگر و تلفیقی در چهارچوب نظام معیار اسلامی است که برخی از مشخصه های آن عبارت اند از:

• تلفيق نظر و عمل یا توجه همزمان به تربیت نظری و عملی که در معنای وسیع تر، ناظر به تلفیق علم و فناوری است؛

• تلفيق نگاه آیه ای به طبیعت و نگرش ابزاری و شناخت آن با همدیگر(یعنی ضمن شناخت طبیعت به مفهوم آیه ای از آیات جمال و جلال الهی، تلاش می شود به صورت روشمند و اخلاقی از آن بهره گرفته شود)؛

• تأکید بر هماهنگی علم و دین؛

• توجه متعادل و متوازن به رویکردهای پژوهش کمی و کیفی؛

* : ملاحظه درهم تنیدگی مرزهای علوم و رشته های علمی؛ که طی آن تلاش می شود متربیان دیدگاه و نگرشی جامع نسبت به جهان هستی بیابند؛
* : توجه به ارزش مداری محتوا که این مسئله عمدتا ناظر به چرایی آموخته هاست، نه صرفا چیستی آنها. از این رو شایستگی های کسب شده (یادگیری ها باید مفید و سودمند باشند؛ یعنی در راستای غایت و هدف تربیت و هم چنین متناسب با نیازها و مرتبط با زندگی یادگیرنده ها باشند و به آنها کمک کنند تا مستمرا به شناخت و عمل برای اصلاح و بهبود موقعیت خود و دیگران بپردازند؛
* تلفیق مهارت ها، دانش ها و نگرش های علمی به ویژه تلفيق بين مهارتهای فرآیندی، در تربیت علمی و فناوری و به کارگیری مهارت های مربوط به سواد اطلاعاتی و ارتباطی در جریان یادگیری محتوا، به منزله روشی و ابزاری برای یاددهی و یادگیری عمیق تر و بهتر.

**ج) اصول**

* **:** توجه به درک متربیان از جهان هستی، از منظر ارتباط با خدا (درک عظمت خلقت و تعظیم خالق)؛

• توجه متعادل و متوازن به عرصه های علوم نظری (انسانی ریاضی و تجربی) و کاربردی و حوزه فناوری؛

• ارتباط محتوای یادگیری با زندگی فردی و اجتماعی حال و آینده متربیانی

• ارزش مداری و توسعه ارزشهای اخلاقی؛ • رشد توانمندیهای تفکر منطقی، خلاق، نقاد و حل مسئله؛

• زمینه سازی برای تولید علم از طریق تکوین و تعالی توانمندی ها و مهارت های عملی (کمی و کیفی) متناسب با نیازها و زندگی متربیانه؛

* : توجه به چشم انداز آینده رشد و توسعه علم و فناوری در زندگی بشر؟

348-353

**2-8 ساختار نظام تربیت رسمی و عمومی**

بحث درباره ساختار نظام تربیت رسمی و عمومی مشتمل است بر توصیف و تبیین مراحل تربیت(دوره های تربیت ) و اصول حاکم بر آنها، تعریف مولفه ها و زیر نظام های اصلی و بیان نقش و وظایف آنها که در ذیل به آنها می پردازیم.

**2-8-1 دوره ها و مراحل تربیت**

**دوره های تربیت و اصول حاکم بر آنها**

براساس یافته های فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت امر تربیت پیش از آغاز تربیت رسمی، بر عهده خانواده است و سایر نهادها باید به خانواده در تدارک زمینه های لازم کمک نمایند. اما با توجه به اهمیت مراحل اولیه رشد در حیات آدمی و تأثیرات آن در مراحل بعدی در صورتی که خانواده نتواند شرایط لازم را برای رشد کودک فراهم نماید یا بنا به دلایلی کودک از سرپرستی خانواده محروم باشد، حاکمیت وظیفه حمایت از خانواده و یا ایجاد شرایط لازم برای رشد همه جانبه کودک را بر عهده خواهد داشت.

لذا شروع زمان تربیت رسمی و عمومی مرتبط با سن بوده و همه متربیان یک سن خاص در آغاز هر سال تحصیلی را دربرمی گیرد و از متربیان انتظار می رود در پایان هر مرحله به سطوح معینی از شایستگی ها(توانایی و صفات) دست پیدا کنند. ارزیابی از سطح شایستگی ها در درون و پایان هر مرحله با هدف درک و بهبود موقعیت بر اساس انتخاب و التزام نظام معیار اسلامی از سوی متربی و به منظور رشد همه جانبه و متعادل ظرفیتهای وجودی متربیان، صورت می گیرد.

**اصول و ویژگی حاکم بر دوره ها**

با توجه به آنچه گذشت اصول حاکم بر تمامی دوره های تربیت و نیز ویژگی های هر یک از دوره های تربیت در نظام تربیت رسمی وعمومی عبارتند از:

**اصول**

• در تعیین زمان شروع و پایان، سطوح و مراحل کلیدی اگذر در هر یک از دوره های تربیت

**• در وضعیت فعلی سن ورود به مدرسه 6 سال تمام می باشد که (با عنایت به** شواهد تجربی و در صورت فراهم آمدن شرایط لازم و مناسب می توان آن را به 5 سال تمام تقلیل داد. متربیان می توانند بنا به تشخیص خانواده ها در ماه تولد یا هر زمانی که کودک آمادگی ورود به مدرسه را داشته باشد در مرحله مقدماتی نظام تربیت رسمی و عمومی پذیرفته شوند.

**•**برنامه درسی دوره ها تابع نیازها و ویژگیهای رشدی در هر یک از سطوح و مراحل کلیدی اگذر است و باید در طراحی و تدوین آن به طیف تفاوت های رشدی توجه شده و برنامه درسی از انعطاف لازم برای پاسخگویی به نیازهای متربیان برخوردار باشد.

• ارزشیابی از وضعیت تربیتی متربیان در مراحل کلیدی اگذر از هر دوره به دوره بعد بر اساس سطح شایستگی های تعیین شده برای هر مرحله بر اساس سن، شرایط بلوغ جسمی، رشد اجتماعی، استانداردهای برنامه درسی و نظر مربیان صورت می گیرد. در موارد خاصی که تصمیم گیری متوجه متربیان با نیازهای ویژه یا افراد مستعد است، مشارکت اولیاء برای تصمیم گیری ضروری است.

• متربيان على الاصول دوره آموزش رسمی و عمومی را در ۱۲ سال طی می نمایند. این زمان برای متربیان مستعد یا افرادی که داری نیازهای ویژه میباشند متناسب با سطح توانایی آنان سازماندهی خواهد شد.

• ارزشیابی در مورد میزان کارآیی نظام تربیتی در سطح ملی در مراحل کلیدی اگذر صورت می گیرد و اطلاعات لازم را برای قضاوت در اختیار تصمیم گیرندگان در سطوح مختلف نظام تربیت رسمی و عمومی قرار میدهد.

• مشاوره و هدایت تربیتی، شامل تمامی مراحل تربیت است و معطوف به تمامی فعالیتهای مرتبط با سه بخش تجویزی (الزامی)، نیمه تجویزی (انتخابی)، و غیر تجویزی (اختیاری) برنامه های درسی است.

• فرایند تربیت در پایان دوره متوسطه باید امکان ورود متربیان به دوره های متنوع تربیت شغلی را برای اشتغال ونیازهای بازار کار و سایر فعالیتهای علمی، اقتصادی، اجتماعی در سطح جامعه را متناسب با تواناییها، علایق آنان فراهم نماید.

• ارائه خدمات حمایتی و مشاوره ای به خانواده ها در تمامی دوره ها به ویژه برای کودکان در مناطق دوزبانه، خانواده های محروم از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار است.

**ویژگی مراحل تربیت مرحله اول تربیت(سه سال اول پیش دبستانی)** مرحله اول و دوم در محدوده دوره تمهيد و معادل دوره كودكي اول و دوم محسوب مي شود.

مرحله اول شامل دوره پيش دبستان/آمادگي و سال هاي اول و دوم دبستان)در نظام فعلي(است

**•**توجه به محوریت نقش خانواده در تدوین واجرای برنامه های تربیتی

**•**وجود ارتباط و هماهنگی کامل میان عوامل و نهادهای تربیت رسمی و غیر رسمی

**•**انعطاف پذیر بودن برنامه ها و تدارک فرصتهای تربیتی برای کسب آداب (رفتارها ومهارتهای شایسته اخلاقی و دینی جهت زندگی مطلوب، فردی خانوادگی و اجتماعی، ) وکنترل امیال آنی از طریق تنظیم بیرونی

• رشد جنبه های طبیعی، بینش هاو گرایشهای فطری با توجه به جنبه های شهودی و روحیه کاوش گرانه متربی در برنامه های تربیتی .

• توجه به تعامل پیچیده عوامل درونی و بیرونی در فرآیند تربیت و تدارک محیطی غنی وشاداب و متنوع برای بروز تفاوت های فردی در ابعاد مختلف وجودی .

• توجه به آزادی عمل متربی در برنامه ها و فعالیت های یادگیری و ارتباط آن با تجربیات روزمره زندگی و چشیدن لذت دانایی

• توجه به پرورش حواس، بکارگیری تخیل و آغاز شکل گیری منش کودک. و ایجاد زمینه های عاطفی برای انس وموانست با مفاهیم قرآنی و ارزشهای اسلامی متناسب باشرایط سنی متربیان

**مرحله دوم تربیت(این مرحله شامل سالهای سوم، چهارم و پنجم نظام فعلی دوره ابتدائی است.)**

• وجود هماهنگی و همسویی رابطه میان خانواده، مدرسه و سایر نهادهای سهیم برای تدارک تجربیات غنی و متنوع فردی و گروهی در داخل و خارج از محیط مدرسه.

• تدارک برنامه ها و فرصتهای تربیتی برای فراهم آوردن امکان کسب تجربیات عملی مختلف، به منظور پرورش مهارتها، باورها و گرایش هایی که زمینه ساز عمل و تداوم عمل فرد در آینده برای دستیابی به هویت یکپارچه می باشند.

**•** پرورش روحیه کار جمعی و مسئولیت پذیری، قدرت تشخیص و باز شناسی ارزش ها خوب و بد و زشت و زیبا در متربیان.

• توجه به تفاوت متربیان و محدودیت آنها در کسب دانش های پایه و ایجاد شرایط مناسب برای یادگیری مفاهیم اساسی و درک روابط علت و معلولی جهت دستیابی به تفکر منطقی و علمی.

• تدارک فرصتهای تربیتی که امکان بکارگیری و پرورش ظرفیت شناختی را از طریق فعالیت و تلاش متربی فراهم کند.

• زمینه سازی برای شناخت علاقه شخصی و پرورش خلاقیت وقوه تخیل متربیان جهت دستیابی به ظرفیتهای وجودی ایشان با تکیه بر قوه ابتکار و تلاش شخصی).

**مرحله سوم تربیت (این مرحله حدودا همزمان با رسیدن متربیان به بلوغ جنسی دختران در آغاز این مرحله و پسران در اواخر آن است و معادل سال های اول، دوم و سوم راهنمایی فعلی می باشد.**

**)**

• وجود هماهنگی و همسویی میان خانواده و سایر نهادهای سهیم در جریان تربیت رسمی و عمومی، برای کمک به فرد در شناخت و انتخاب آگاهانه نظام معیاراسلامی و التزام به آن

• توجه به عنصر اختیار( در تربیت اعتقادی، عبادی واخلاقی )برای انتخاب آگاهانه و آزادانه بر اساس نظام معیار اسلامی - با لحاظ نمودن تفاوت های جنسیتی در پذیرش تکلیف شرعی- به گونه ای که متربی به تدریج رابطه میان حق و تکلیف، اختیار و وظیفه و مسئولیت پذیری برای کسب شایستگی ها و رشد و تعالی خویش را درک کند.

**•** پرورش استعدادهای فردی و امکان انتخاب های مختلف و بکارگیری آن در موقعیتهای فردی برای شناسایی هویت ویژه.

**•** توجه به توانایی ومهارت متربیان در ساختار بندی و سازماندهی دانش برای رمز گشایی و کسب دانش سازمان یافته .

• زمینه سازی برای شناخت علائق شخصی و پرورش قدرت تخیل و ابتکار متربیان و بهره گیری از آن برای حل مسائل واقعی و پیچیده.

•توجه به توانایی متربیان در ارزیابی فرایندهای تفکر، یادگیری و بهره گیری از آن در شناخت و اصلاح موقعیت بر اساس نظام معیار اسلامی

**مرحله چهارم تربیت (**شامل سال های ده، یازده، دوازده دوره متوسطه نظام فعلی میباشد.)

• وجود هماهنگی و همسویی میان برنامه ها و فعالیتهای عوامل سهیم و مؤثر در جریان تربیت (اعم از تربیت رسمی و غیر رسمی، تخصصی و عمومی برای مشارکت سازنده متربی در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی جامعه

•ایجاد شرایط لازم برای کسب تجربیاتی که به فرد در تجزیه و تحلیل موقعیت، موضع گیری شایسته نسبت به فراموقعیت و انتخاب راههای مناسب برای اصلاح مداوم موقعیت به گونه ای که به سبک زندگی شخصی مبتنی بر نظام معیاراسلامی دست یابد.

• تدارک شرایطی که امکان برقراری رابطه و پیوستگی عمیق و ژرف میان ابعاد وجودی (جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و معنوی) شکل گیری، یکپارچه سازی و تکوین و تعالی هویت ویژه فرد را فراهم کند.

• ایجاد فرصت های تربیتی متنوع برای رویارویی متربیان با مسائل پیچیده در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی و کسب تجربیات واقعی در بکارگیری تواناییهای ذهنی، قدرت تخیل و ابتکار در یافتن راه حل هایی مناسب برای مشارکت سازنده در جامعه صالح.

• زمینه سازی برای انتخاب های متنوع بين عناصر سه گانه برنامه درسی و گسترده جهت وحدت بخشی میان نقش های وجودی و اجتماعی متربیان همسو با نیازهای حال و آینده جامعه.

• با توجه به اهمیت رکن خانواده در نظام اجتماعی، برنامه ها و فرصتهای تربیتی باید ضمن توجه به تفاوت های خلقی و خلقی" متربیان به گونه ای تدارک دیده شود که مهارتهای ورود به زندگی مستقل، زندگی خانوادگی، تربیت فرزند، زندگی حرفه ای را ایجاد نماید. با مشارکت عوامل سهیم و مؤثر در جریان تربیت در پایان دوره تربیت رسمی و عمومی بر حسب علايق و توانایی و تجربیات کسب شده متربیان در طول تربیت رسمی و عمومی دوره یک تا دوساله ای برای تکمیل فرآیند بکارگیری آموخته های کسب شده در فرصت های واقعی زندگی سازماندهی خواهد شد. این دوره متناسب با جهت گیری اختیاری آنان برای ورود به زندگی خانوادگی، زندگی حرفه ای یا ادامه تحصیل و کسب تخصص خواهد بود

357-361

**• مدرسه صالح**

مدرسه صالح به عنوان کانون عمل و جلوه عینی نظام تربیت رسمی و عمومی، فضایی منعطف، پویا، بالنده وهدفمند است که می تواند زمینه کسب شایستگی های لازم را در متربیان برای درک و اصلاح مداوم موقعیت بر اساس نظام معیاراسلامی فراهم می کند. مدرسه صالح به عنوان سازمان یادگیرنده با ایجاد فضایی تعاملی میان مربیان و متربیان (با سطوح خبرگی متفاوت) امکان ترکیب و بهم پیوستن تجربیات برای شناخت نقاط هستی بخش و هستی زدا و راههای مواجهه با آن را متناسب با تفاوت های فردی متربیان تدارک بیند.

ساماندهی مداوم زمینه های تربیتی در فضای مدرسه صالح، در گرو تغییرات هویتی؟ کلیه عوامل تربیت " (اعم از معلم، مدیر و همه عواملی است که به نوعی با متربیان سروکار دارند) و ارتقاء پیوسته مراتب وجودی آنان و نیز ساماندهی مداوم روابط و ساختارها و شکل گیری فرهنگ سازمانی مدرسه صالح بر اساس نظام معیاراسلامی است. در چنین فضایی برنامه ها در عین سازمان یافتگی مملو از فرصتهای گزینش، ترجیح وانتخاب آزادانه و آگاهانه بوده، به گونه ای که هر یک از متربیان بر اساس استعدادها و توانایی های خویش، از فرصت های متنوع تربیتی برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود براساس نظام معیاراسلامی برخوردار خواهند شد.

برنامه ریزی و تدارک فرصت های تربیتی با رعایت ویژگی هر یک از مراحل تربیت رسمی وعمومی و با مشارکت ارکان تربیت صورت می گیرد. مشارکت مستقیم خانواده یا از طریق نمایندگان رسمی آنان در برنامه ریزی و اداره امور مدرسه صالح با هدف هماهنگی و همسویی روشها و اهداف تربیت ضروری است.

خانواده می تواند همسو با اهداف تربیت در هر یک از مراحل و تحت نظارت مدرسه (یا با هماهنگی مدرسه) نسبت به غنی سازی برنامه ها و تدارک فرصت های متنوع تربیتی در داخل یا خارج از ساعات رسمی اقدام نماید. علاوه بر خانواده می توان از مشارکت جامعه محلی یا فرصتها و امکاناتی که از سوی دیگر نهادهای اجتماعی و مؤسسات مدنی تدارک دیده میشود جهت غنی سازی فرصت های تربیتی برای پاسخگویی به ظرفیت های وجودی متنوع متربیان استفاده نمود.

عموم مدارس در صورت امکان توسط هیأت امنا اداره می شوند. مسئولیت پشتیبانی همه جانبه از اداره شایسته مدرسه، .و سازماندهی منابع (اعم از انسانی، مالی، مادی برای پاسخگویی به نیازهای متربیان بر عهده هیأت امنا مدرسه است. شایسته است هر مدرسه دارای شورای علمی مستقلی باشد که زیر نظر هیأت امنا وظیفه ارزیابی عملکرد معلمان و سایر کارکنان و به روز رسانی شایستگی های عمومی و حرفه ای آنان را بر عهده خواهد داشت. پیشنهاد انتخاب مدیر از سوی هیأت امنا می باشد که با نظر و مشورت شورای علمی مدرسه صورت می گیرد. البته مدارس در قبال ادارات مناطق برای حفظ استانداردهای نظام تربیت رسمی و عمومی و نیز انواع شوراها در درون مدرسه) پاسخگو می باشند. نظارت بر عملکرد مدارس و ارزیابی کیفیت برنامه ها و فعالیت ها بطور سالیانه بر عهده مراجع ذیربط خواهد بود. | ساماندهی مداوم و متنوع فرصتهای تربیتی در مدرسه صالح در چهارچوب اصول و مقررات مصوب با لحاظ نمودن موارد زیر صورت می گیرد:

• تنوع در زمان زمان ورود و پایان، زمان ارائه برنامه زمان رسمی و غیر رسمی) و سرعت متفاوت ،

• تنوع در محیط تربیتی: مدرسه، خانه، مسجد، مراکز فرهنگی، علمی و پژوهشی، مراکز شغلی، صنعتی،

• تنوع در طراحی انواع برنامه های درسی: برنامه های غنی سازی، آموزش های خاص، گروه بندی های منعطف در درون سطح، پایه، یا کلاس ، تنوع در روش ونحوه اجرای برنامه های درسی: گروه کلاسی، سطح مدرسه، گروه های کوچک، پژوهش فردی و گروهی، کارآموزی، کارورزی، و مربی گری در محیط واقعی، مجازی و الکترونیکی

تجلیات سازمانی مدرسه صالح عبارت است از:

• جلوه ای از تحقق مراتب حیات طیبه و نمونه ای آشکار از جامعه صالح اسلامی ،

• نقطه اتکای دولت و ملت در رشد و تعالی و پیشرفت کشور و کانون تربیتی محله ،

• برخورداری از یک چشم انداز آرمانی اختصاصی در راستای دستیابی به مراتب حیات طيبه و همسو با چشم انداز نظام تربیت رسمی عمومی،

• عشق به تربیت و جدی انگاشتن آن در تمامی فعالیتها و شئون مدرسه،

• مقابله با یاس و نومیدی و حمایت از نوآوری و نواندیشی در راستای شکل گیری ظرفیت تصمیم سازی در نظام تربیت رسمی و عمومی،

• برخورداری از روح علمی و پژوهشی در یکایک افراد و در درون گروه برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و کمک به متربیان در دستیابی ظرفیت های جدید، و رواج روحیه خلاقیت و نوآوری برای نیل به مراتب حیات طیبه،

• حاکمیت مناسبات اخلاقی واعتقادی، رابطه احسان و عدالت، فضایی باز و منعطف، ارتباط متقابل سازنده مبتنی بر مشارکت فعال مشارکت کنندگان،

• تقویت کننده شایستگی های پایه مورد نیاز برای حضورفعال، بانشاط واثربخش متربیان در زندگی فردی، خانوادگی واجتماعی،

• درک و اصلاح مداوم عملکرد مدرسه صالح در پرتو تمرکز بر برآیند رویدادها و روندها به جای رخدادهای موردی (اعم از پیش رونده یا پس رونده).

**عمده ترین وظایف مدرسه صالح عبارتند از:**

• برنامه ریزی و تعیین چشم انداز مطلوب در زمینه ایجاد فرصت های متنوع و پویا برای یکایک متربیان در درک و اصلاح موقعیت خویش با توجه به اهداف تربیت رسمی وعمومی و مقتضیات بومی ومحلی،

•شناسایی ظرفیت های بالقوه خانواده و جامعه محلی در تدارک فرصتهای تربیتی و و بهره گیری از آن، و ایجاد فرصت هایی برای هماهنگی، مشارکت مربیان در درک و بهبود موقعیت خود و متربیان در جریان تربیت برای دستیابی به مراتب حیات طیبه ،

• تأمین منابع با رعایت اصل عدالت تربیتی نظارت و ارزیابی و اصلاح مداوم برنامه ها در تحقق ظرفیت های بالقوه متربیان در سه سطح محصول، برونداد و پیامد،

•ایجاد فرصت هایی برای مشارکت نهادهای مردمی در ارائه خدمات متنوع و با کیفیت در جهت تحقق اهداف تربیت رسمی و عمومی،

• مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی در س طوح مختلف به منظور ارتقاء سطح عملکرد مدرسه و جامعه در راستای اهداف تربیت رسمی و عمومی

•ارزیابی مداوم عملکرد خود با توجه به تحولات حوزه تربیت در سطح ملی و بین المللی و برنامه ریزی برای ارتقاء سطح عملکرد خود،

• مشارکت با سایر عوامل سهیم و مؤثر در جریان تربیت برای تحقق اهداف در سطح جامعه محلی و ملی،

• مشارکت در اجرای پروژه های علمی- پژوهشی در تولید علم و اجرای طرح های پژوهشی با مشارکت عوامل تربیت در سطح ،

• تدارک فرصتهای تربیتی غنی با بهره گیری از فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی و ادب فارسی برای کمک به تقویت ارزش های اصیل اخلاقی،

• ایجاد فضایی هدفمند از تجربیات و اشکال واقعی حیات طیبه با تدارک مجموعه ای از موقعیت ها، فرصت حرکت رشد یابنده و تعالی بخش برای متربیان؛ به این معنی که تجربیات مدرسه ای باید شکل ساده شده (و نه پیچیده ای از تجربه حیات طیبه باشد.

• تدارک فضای تربیتی که در آن نه تنها موانع و محدودیتهای تربیت از میان برداشته شود، بلکه زمینه های بروز برخی از محدودیت هایی که به صورت بالفعل در سنین مدرسه ای در انسان حضور دارد و در شرایط خاصی آشکار می گردد را با اتخاذ راهکارهای تربیتی به بستری برای رشد ارزش های اخلاقی و توانایی های فردی تبدیل نماید،

• لحاظ نمودن شایستگی های ضروری در برنامه درسی برای تشکیل خانواده صالح که زمینه استحکام بنیان خانواده را فراهم می آورد،

• با توجه به نقش محوری متربی در کسب شایستگی ها و اصلاح موقعیت، مدرسه باید زمینه ی خودارزیابی مداوم متربیان را فراهم آورد و ملاکهای ارزیابی از انعطاف لازم برای پاسخگویی به شرایط و نیازهای متنوع متربیان برخوردار باشد.

372-385

**3-2 الگوی نظری زیر نظام برنامه درسی**

**3-2-1 .تعریف و قلمرو**

برنامه درسی به مجموعه فرصت های تربیتی نظام مند و طرح ریزی شده (از سطح ملی، منطقه ای و محلی تا مدرسه و کلاس درس با طیف مخاطبان بسیار گسترده و فراگیر تا بسیار محدود) و نتایج مترتب بر آنها اطلاق می شود که متربیان برای کسب شایستگی های لازم جهت در ک و اصلاح موقعیت بر اساس نظام معیار اسلامی در معرض آنها قرار می گیرند تا با تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش مرتبه قابل قبولی از آمادگی برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد را به دست آورند. زیر نظام برنامه درسی شامل ابعاد چهار گانه طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی است، که با توجه به عوامل مؤثر بر کیفیت " در یک بافت منسجم و یک پارچه هم سو و هم آهنگ با غایت و اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی سامان دهی می شود.

**3-2-2 .وظائف:**

زیر نظام برنامه درسی ماموریت های زیر را در نظام تربیت رسمی و عمومی بر عهده دارد:

• زمینه سازی برای اتخاذ تصمیمات مناسب در خصوص ابعاد مختلف برنامه درسی در سطوح ملی تا محلی .

• استقرار ساز و کارهای مناسب طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی از برنامه های درسی در سطوح ملی تا محلی

• مشارکت فعال در تصمیم سازی های مرتبط با سایر کلیه زیرنظامها به دلیل تاثیرگذاری مستقیم آنها بر کیفیت اجرا و بهسازی برنامه درسی در سطوح ملی تا محلی

**۳ - ۲ - ۳ .رویکرد**

در راستای رویکرد نظام تربیت رسمی و عمومی، جهت گیری کلان این زیر نظام با توجه به قلمرو آن موقعیت محوری و یکپارچه نگری است.

• موقعیت محوری، هم سو با هدف کلی تربیت رسمی و عمومی ، ویژگی برنامه های درسی است که در تصمیم گیری های مربوط به ابعاد مختلف آن (اعم از طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی )، موقعیت در کانون توجه قرار می گیرد.

•یکپارچه نگری، همسو با اصول آزادی، وحدت گرائی و همه جانبه نگری در فلسفه تربیت رسمی و عمومی، بدین معناست که مفاهیمی مانند " برنامه و فوق برنامه"، " دانش سازمان یافته و دانش آموز "، " آموزش و پرورش"، " حال گرائی و آینده گرائی، تمرکز و عدم تمرکز "، " منابع درسی و کمک درسی"، " تخصص گرائی و عام گرائی، موضوع محوری و مضمون محوری" و "حیطه های شناختی، عاطفی "ضرورتا متقابل و غیر قابل جمع تفسیر نمی شوند، بلکه می توانند لازم و ملزوم و مکمل یکدیگر تلقی شده و زیر نظام برنامه درسی باید در جهت وحدت بخشیدن به آنها حرکت نماید.

• تأکید بر جهت دهی تمامی عناصر برنامه درسی در راستای تکوین و تعالی هویت متربیان برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه.

اتخاذ این رویکرد اصلی از جمله دلالتهای زیر را داراست:

**تاکید بر مضامین فرارشته ای**: مرزهای شناخته شده میان حوزه های مختلف دانش بشری در طراحی برنامه درسی مبنا نیست. برنامه درسی با تاکید بر مضامین فرارشته ای یا پیامدها به سمت یکپارچگی (تلفیق برنامه های آموزشی و فوق برنامه فعالیت های پرورشی) هر چه بیشتر و رویاروئی موثرتر عناصر برنامه درسی با موقعیت ها بر اساس نظام معیار **اسلامی سوق یابد.**

**تاکید بر کارکردهای ثانوی و فرا برنامه درسی**

در مواقعی که حفظ ساختار رشته ای (موضوعی) مواد درسی ضرورت می یابد، ارتباط نظام مند میان حوزه های یادگیری با استفاده از تلقيق متکی به اصل ‘‘کارکردهای ثانوی در دستور کار قرار می گیرد. تلفیق از نوع فرا برنامه درسی، به عنوان شکل فراگیر و بسط یافته تلفیق از نوع کارکرد ثانوی، نیز باعنایت به انتخاب والتزام به نظام معیار اسلامی مورد تاکید می باشد.

**تاکید بر انعطاف در عین ثبات**:سیاستها، برنامه ها و روشها در کلیه ابعاد زيرنظام برنامه درسی باید ضمن ابتناء بر مبانی فلسفی، ارزشی و دینی قدرت انطباق با تغییرات و تحولات در کلیه سطوح جهانی تا محلی را داشته باشد تا کفایت و کارآیی آن به مخاطره نیفتد.

**همه جانبه نگری**: برنامه درسی رشد همه جانبه استعدادهای فطری و طبیعی و ایجاد تعادل در امیال و عواطف متربیان را در جهت تکوین و تعالی هویت ایشان را به عنوان یک ’’كل‘‘ مد نظر قرار میدهد تا دست یابی به آمادگی تحقق مرتبه قابل قبول‘‘ حیات طیبه در تمامی ساحتها که غایت تربیت رسمی و عمومی است فراهم شود.

**توجه به ابعاد، لایه ها و انواع هویت:** برنامه درسی ابعاد، همه لایه ها و انواع هویت فردی، جنسیتی، دینی، قومی، ملی و جهانی را نیز چون لازمه دست یابی به حیات طیبه می باشند، مورد تاکید قرار می دهد. بدین ترتیب هرچند تکوین و تعالی هویت مشترک انسانی، اسلامی و ایرانی و هویت اختصاصی(مذهبی، قومی، شغلی و جنسیتی) متربیان هر دو موردتوجه برنامه درسی است اما تاکید برنامه درسی همچون نظام تربیت رسمی و عمومی بر هویت مشترک انسانی، اسلامی و ایرانی خواهد بود ولی با فراهم نمودن فرصتهای مناسب به خصوص در ابعاد غیر تجویزی (انتخابی واختیاری) برنامه درسی۔ زمینه مقدماتی تکوین و تعالی هویت اختصاصی متربیان را نیز متناسب با خصوصیات فردی آنان فراهم می آورد.

**3-2-4 -اصول**

• اصول طراحی برنامه درسی

• ساختار کلان برنامه درسی ضمن برخورداری از بخش تجویزی یا الزامی(تک وضعیتی و تعیین تکلیف شده به شکل پیشینی)، از بخش نیمه تجویزی یا انتخابی(چند وضعیتی) وغير تجویزی یا اختیاری (بی وضعیتی یا باز) نیز برخوردار خواهد بود. این ساختار مثلثی ثابت بوده ولی باید در ارتباط با هریک از دوره های تربیت و برای دستیابی متربیان به هویت مشترک و ویژه و لحاظ نمودن سایر متغیرهای ذی مدخل به شکل متناسب

عملیاتی شود.

• برنامه درسی در سطح خرد (هر یک از حوزه های یادگیری) نیز از بخش های تجویزی یا الزامی، نیمه تجویزی یا اختیاری و غیر تجویزی یا انتخابی تشکیل می شود.

• در طراحی برنامه درسی از حیث جهت گیری کلان زمانی با تعیین محیط زمانی"، "حال گرائی (معنا بخشیدن به فرایند تربیت و تجربیات تربیتی برای متربیان در حال یا در حال زیستن ) و آینده گرائی (معنا بخشیدن به فرایند تربیت و تجربیات تربیتی برای متربیان در آینده یا برای آینده زیستن) باید توامان در کانون توجه باشد. حال گرائی منهای آینده گرائی و آینده گرائی منهای حال گرائی هر دو فاقد وجاهت تربیتی است. •برای تدارک فرصتهای تربیتی اتکاء به رویکرد رفتاری یا قالب رفتاری در تدوین اهداف برنامه درسی تجویزی باید به حداقل ممکن تنزل یابد تا دست یابی به هویت مشترک(انسانی، اسلامی ایرانی) و تداوم آن در ابعاد ساحت های مختلف امکان پذیر گردد؟.

• برنامه درسی تجویزی یا الزامی باید با استفاده از رویکرد حل مساله یا قالب حل مساله در تدوین هدفها، از انعطاف برخوردار شده و فرصتهای تربیتی از عمق و غنای بیشتری برخوردار شود؟.

• تدارک فرصتهای تربیتی متنوعی که در آن امکان درک و اصلاح مداوم موقعیت بر اساس نظام معیار اسلامی برای تمامی متربیان فراهم شود، مستلزم آن است که نیاز سنجی، متناسب با کثرت و تنوع پذیرفته شده در خاستگاه تصمیم گیری ( آزاد سازی به صورت چند لایه ای چند مرحله ای) ادراک شده و از انحصار تشکیلات مرکزی خارج شود.

•سازماندهی محتوای برنامه درسی باید با اتکا بر رویکرد تلفیقی و مسئله محور و تأکید بر مفاهیم، مهارتها و ایده های اساسی در هر یک از ساحتهای تربیت صورت گیرد، تا فرصت تجربیات دست اول برای کسب شایستگیها جهت درک و اصلاح مداوم موقعیت از سوی متربیان بر اساس نظام معیار اسلامی را فراهم کند.

• در برنامه درسی مرحله دوم دوره متوسطه باید ‘‘گرایش تخصصی نرم’’ را تعریف و تعبیه

نمود و از شکل گیری افتراق کامل برنامه ای ۲’’یا ایجاد شاخه های تخصصی مجزا به صورت از پیش طراحی شده جلوگیری کرد و توجه به هویت ویژه متربیان و نیازهای جامعه را در اولویت قرار دهد، به گونه ای که آنان آماده ورود به زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی شوند.

• با توجه به مفهوم برنامه درسی مغفول (پوچ)، باید از تکیه انحصاری به الگوها و روشهای رایج در تعیین اولویت های محتوائی پرهیز نموده و رقابت های درون موضوعی و میان موضوعی برای حضور در برنامه درسی را به رسمیت شناخته. (همه جانبه نگری؛ پویایی)

• اصول تدوین برنامه درسی

• برای آن که عاملان تربیت در کلیه س طوح نظام تربیت رسمی و عمومی در قبال کیفیت تربیت و نتایج آن مسئول و پاسخگو باشند و بستر لازم را برای مشارکت موثر ارکان و عوامل سهیم و موثر در فرآیند تربیت فراهم آید، ضروری است متناسب با نقش ارکان و عوامل سهيم وموثر در سطوح مختلف به تناسب، و به ‘‘ آزاد سازی معقول به عنوان یک اصل مبنائی نگریسته شود.

•نگاه قطبی (صفر و یکی، همه یا هیچ) به تمرکز زدائی از نظام برنامه ریزی درسی یا آزادسازی پاسخگو نبوده و منجر به بیفعلی (بی عملی) از یک سویا اقدامات عملی نسنجیده و مخرب از سوی دیگر می شود. در نگاه غیرقطبی، شناخت سطوح آزادسازی از یک سو، شرایط و ظرفیت های گوناگون و متغیر عوامل سهيم وموثر در مناطق مختلف کشور از سوی دیگر ضروری است.

• شش سطح آزادسازی (که با بخش های سه گانه برنامه درسی هماهنگ است) باید به طور هم زمان در نظام برنامه ریزی درسی بکار گرفته شده و به درستی مدیریت شود. سیاست آزادسازی در این سطوح، سیاست واحد و اجرای آن در مناطق و مدارس ثابت یا متغیر است.

• تمرکز زدائی از برنامه های درسی باید زمینه رقابت سازنده در جهت افزایش کیفیت و کارآئی نظام تربیت رسمی وعمومی را در چارچوب نظام معیاراسلامی نیز فراهم سازد.

به برنامه ریزی درسی باید به مثابه یک فرایند پژوهشی( پژوهش از نوع عمل فکورانه) که دارای اهمیت ویژه ای است و منجر به ابداع یک محصول فرهنگی - تربیتی می شود نگریسته شود.

• اصول اجرای برنامه درسی(آموزش)

• اجرای برنامه درسی (جدید) با نگاه کل نگرانه یا بوم شناختی و با توجه به تأثیرات آن بر

رویه های جاری، اندیشه ها و انگارههای رایج در درون و برون مدرسه باید در کانون توجه باشد. به دیگر سخن، طراحی و تدوین برنامه درسی مطلوب نباید شرط لازم و کافی برای تحقق تغییرات یا اجرای آن در محیطهای مختلف دانسته شود و باز آفرینی فرهنگ مدرسه صالح به عنوان مقصد نهایی باید در صدر اقدامات قرار گیرد. • مسئولیت پذیری جمعی تمامی عوامل سهیم و موثر در کلیه سطوح، برای بهره گیری هم زمان از ظرفیت های ملی و محلی برای استقرار برنامه های درسی جدید.

• در تغییر با منشا بیرونی، انتظار اجرای وفادارانه (منفعلانه) باید جای خود را به رویکرد انطباق متقابل داده و در فرایند اجرا به مربی به منزله ‘‘کارگزار / مجری فکور’’نگریسته شود. . در تغییر با منشا بیرونی، به تغییر باید به عنوان یک فرایند پیچیده انسانی، نه یک واقعه یا حادثه نگریسته شود. چرا که مجریان یا عاملان اجرا هر یک به گونه ای خاص تغییر مطالبه شده را فهم و تفسیر نموده و در قبال آن واکنش نشان می دهند؟.

• در تغییر با منشا بیرونی، هر چه تغییر از تازگی بیشتر یا وضوح کمتری برای عاملان اجرا برخوردار باشد، ضرورت نگاه انسانی و فردی(انفرادی) به فرایند تغییر و اعمال انعطاف در آن بیشتر میشود. تنها در اینصورت میتوان به استقرار نوآوری و تغییر (عدم رجعت به گذشته) امیدوار بود؟.

• اجرای تغییرات متاثر از تصمیمات سطوح غیر مرکزی، در چارچوب ‘‘ سطوح آزاد سازی’’برنامه درسی، به میزان نزدیکی خاستگاه تصمیم گیری به محیط اجرا، می تواند با رویکرد وفادارانه یابی نیاز از انطباق تعقیب شود

• تغییرات برنامه درسی باید در قالب یک طرح کلان پردازش شده و در یک فرایند مرحله ای و گام به گام به اجرا گذاشته شود.(خرد در عین کلان).

• از نگاه تک ساحتی به ماهیت تدریس باید پرهیز نموده و نسبت به صبغه هنری(زیبا شناختی) آن علاوه بر صبغه علمی و فنی توجه خاص مبذول داشت. (ایده معلم به عنوان کارگزار فکور)(اصل 3).

• به کسب شایستگیها باید به عنوان فرایند دستیابی به معنا نگریست که در آن متربی عاملیت داشته و مربی راهنماست (اصل 3).

• در فرایند کسب شایستگی ها لازم است پرسشگری متربیان (از آن جا که پرسش انرژی متراکم یادگیری است ) مورد تاکید و تشویق قرار گیرد(اصل ۴).

• وجه رقابت زائی یا رقابت جوئی ارزشیابی باید به حداقل ممکن تقلیل یافته و ارزشیابی گروهی (مشارکتی) مورد تاکید قرار گیرد(اصل 7).

• در سنجش شایستگیها (صفات و توانمندی ها)، تماميت تجارب تربیتی کسب شده (متاثر از برنامه درسی صریح و برنامه درسی ضمنی / پنهان) باید مورد توجه و تاکید باشد. و با توجه به تأكید برنامه درسی بر کسب شایستگی های پایه، ارزیابی از این شایستگی ها در مقایسه با شایستگی های ویژه باید در اولویت قرار گیرد. • ارزشیابی از شایستگیها (توانمندی ها مهارتها و صفات) متربیان باید در خدمت یادگیری قرار داشته و فرایند ارزشیابی تا سر حد امکان در فرایند یاددهی-یادگیری منحل گردد ارزشیابی تکوینی /تدریجی فرایندی).

•در ارزشیابی از شایستگیها (توانمندی ها مهارتها و صفات) متربیان (اعم از تکوینی یا مجموعی (پایانی) باید اصل ارزشیابی منصفانه ’’ که از به رسمیت شناختن تفاوتهای فردی متربیان به ویژه از نظر هوش (استعداد های آنان سرچشمه می گیرد در کانون توجه قرار گیرد.

•مفهوم ارزشیابی نباید به مفهوم اندازه گیری تقلیل داده شود.ارزشیابی باید آئینه تمام نمای اهداف برنامه درسی و نظام تربیت رسمی و عمومی باشد. ارزشیابی مغناطیس توجه است و عدم هماهنگی، به معطل ماندن هدف منجر می شود؟

**• اصول ارزشیابی برنامه درسی**

• ارزشیابی برنامه درسی باید در مراحل سه گانه فرایند تدوین (تکوین)، اجرای آزمایشی (تکوینی) و پایانی (مجموعی) برای ارزیابی میزان موفقیت نظام تربیت رسمی وعمومی در دستیابی متربیان به مراتب حیات طیبه انجام شود.

• ارزشیابی باید با شناخت کیفیت اجرای برنامه درسی در سطوح مختلف ملی، منطقه ای و محلی میزان ارزشمندی، جامعیت، کارآمدی و اثربخشی شایستگی ها را در سه سطح محصول، بروندادو پیامد) تعیین نماید • ارزشیابی برنامه درسی باید فراهم کننده اطلاعات معتبر، مفید و به موقع برای کلیه عوامل سهیم (اعم از سیاست گذاران، کارکنان، کارشناسان، برنامه ریزان درسی، مدیران، مربیان، اولیاء، مشاوران و سایر افراد ذینفع) باشد و مشارکت موثر تمامی عوامل سهیم را در بهره برداری از نتایج در سطوح مختلف به دنبال داشته باشد.. • از آنجا که هدف فرصتهای تربیتی تدارک دیده شده در برنامه درسی درک و اصلاح مداوم موقعیت از سوی متربیان است، لذا ارزشیابی برنامه درسی باید با استفاده از ظرفیت طیف رویکرد مربوطه، به ویژه رویکرد هدف آزاد و هدف گرا، انجام شود تا بتواند کلیه واقعیت های اجرای برنامه درسی را در فرآیند دستیابی به مراتب حیات طیبه به تصویر بکشد..

• ارزشیابی از برنامه درسی باید نسبت به دستیابی متربیان به هویت مشترک و هویت ویژه (اقتضائات بخش تجویزی، نیمه تجویزی و غیر تجویزی برنامه درسی حساس بوده و رویکردهای مناسب هریک را مورد توجه قرار دهد.

• ارزشیابی باید به تناسب با استفاده از داده های کمی و کیفی یا ترکیبی از آنها انجام شود تا به نتایج دقیق تر و سودمندتری برای اصلاح مداوم نظام تربیت رسمی بر اساس نظام معیار اسلامی دست یابد؟.

**• اصول ناظر به عوامل موثر در کیفیت زیرنظام**

**اصول بخش غیر تجویزی (انتخابی و اختیاری ) در ساختار کلان برنامه درسی**

• توجه به طیف ظرفیتهای وجودی (علائق و استعدادها و نیازهای متربیان در طراحی برنامه ها و فعالیت ها

• توزیع بهینه فرصتهای تربیتی میان انواع سه گانه (مکمل، فوق برنامه و اوقات فراغت) و انواع اهداف در ساحتهای تربیت (اعتقادی عبادی و واخلاقی اجتماعی و سیاسی / بدنی و زیستی اقتصادی و حرفه ای /علمی و فناوری / زیبایی شناختی و هنری).

• اصالت قائل شدن برای هویت ویژه (نیازها، علایق و رغبت) متربیان در استفاده از برنامه ها و فعالیت ها. و کوشش در جهت برقراری تعامل سازنده میان برنامه درسی تجویزی (الزامی) و برنامه نیمه تجویزی (انتخابی) وغیر تجویزی (اختیاری) و ایجاد هم افزایی میان این اجزاء سه گانه در نیل به شایستگی ها .

• اصالت قائل شدن برای ارزشیابی فرایندی، غیر رسمی و درونی (اثر بخشی).

• بهره مندی از همه عوامل تربیتی درون مدرسه تحت نظارت مدیریت برای طراحی واجرای فرصتهای تربیتی غیر تجویزی (انتخابی و اختیاری) برنامه درسی همسو با بخش تجویزی آن

• توجه به هویت ویژه در بخش نیمه تجویزی و غیر تجویزی برنامه درسی برا ارتقاء سطح سلامت و توانمندسازی متربیان با عنایت به ملاحظات جنسیتی آنان.

• اصول زبان آموزش و در تدریس متکی به منابع زبانی (مکتوب) باید نسبت به سطح زبانی کلامی ) متربیان

کاملا هوشیار بود و تناسب دشواری متن با سطح توانائی زبانی خوانندگان را مورد توجه قرا داد.

• کسب آگاهی از اشتراک زبانی و واژگانی متربیان در مناطق مختلف کشور (در زبان فارسی و تلاش برای استفاده از واژگان مشترک و آشنای متربیان ایران زمین باید در کانون توجه تولید کنندگاه مواد و منابع یادگیری قرار گیرد.

• برای حمایت از یادگیری کودکان متعلق به اقوام غیر فارس زبان ایرانی و برخورداری آنان از فرصت برابر در کسب شایستگیها، نظام برنامه درسی باید یک دوره تعریف شده انتقال از زبان مادری به چرخه زبان رسمی (فارسی) را در کانون توجه قرار دهد. ویژگیهای فرهنگی و زبانی مناطق مختلف در برنامه های درسی این دوره محوریت خواهد داشت؟

• ایجاد تنوع در رسانه ها و تاکید بر استفاده از رسانه های غیر کلامی در فرایند یاددهی - یادگیری هماهنگ با اهداف گوناگون یادگیری و همچنین انواع دانش (معرفت) که آموختن آنها در دستور کار نظام تربیتی قرار دارد باید در کانون توجه قرار گیرد.

• با توجه به خزانه واژگان غیر مشترک فارسی میان متربیان مناطق مختلف کشور، تولید منابع یادگیری زبانی متناسب با ویژگی های زبانی (فارسی) خاص مناطق مختلف در دستور کار قرار گیرد. و تدریس زبان های فارسی و عربی در چارچوب بخش الزامی (تجویزی) برنامه درسی متناسب با ضرورت تقویت و تحکیم هویت اسلامی و ایرانی و پیش نیاز آنها در کانون توجه خواهد بود.

• زبان خارجی اول در چارچوب بخش اختیاری (نیمه تجویزی) برنامه درسی متناسب با تقویت و تثبیت هویت انسانی و پیش نیاز آن در کانون توجه خواهد بود. در این رابطه حفظ هویت ملی و دینی متربیان باید مورد اهتمام باشد. : زبان خارجی دوم نیز در چارچوب بخش انتخابی (غیر تجویزی) برنامه درسی و با همان هدف تدریس زبان خارجی اول در دستور کار خواهد بود.

**• اصول زمان آموزش**

• پیوستگی زمان تحصیل باید پاس داشته شده و از بروز شکاف زمانی در طول سال تحصیلی جلوگیری شود .

• سازماندهی زمانی حوزههای یادگیری باید به گونه ای باشد که امکان تمرکز بر حداقل حوزه های یادگیری در زمان واحد را فراهم سازد؟.

• زمان تدریس متناظر با ساختار کلان و خرد برنامه درسی باید دارای مولفه تجویزی یا الزامی، نیمه تجویزی یا انتخابی و غیر تجویزی یا اختیاری باشد".

• زمان تدریس علاوه بر بعد درون مدرسه ای دارای بعد برون مدرسه ای نیز باید شناخته شود تا اصل استمرار کسب شایستگی ها و محدود نشدن آن به محیط مدرسه رعایت شود؟.

• اصول راهنمایی و مشاوره

• راهنمائی یک جریان پیوسته و متوالی تربیتی است که از پیش از دبستان آغاز می شود و در دوره های بعدی تربیت با هدف تسهیل فرآیند دستیابی متربیان به مرتبه ای از حیات طیبه ادامه می یابد.

• انواع راهنمائی و مشاوره شامل تحصیلی، تربیتی (سازشی) و شغلی باید در کانون توجه نظام تربیت رسمی و عمومی قرار گیرد.

• در راهنمائی و مشاوره باید هویت ویژه متربیان وتنوع فرهنگ ها به ویژه نظام معیار اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

• تنوع هویت ویژه (علائق، استعدادها و نیازهای فردی و اجتماعی) متربیان، انعطاف فزاینده در برنامه های درسی در مراحل تربیت را طلب می نماید؟.

• فرایند یاددهی و یادگیری باید با نگاه مشاوره و راهنمائی- محور سامان یابد.

415-416

**دلالت های يافته های مطالعات نظری جهت تحول بنيادين درنظام تربيت رسمي وعمومي**

همانگونه که در ضرورت فلسفه تربيت و فلسفه تربيت رسمی و عمومی مطرح شد استقرار نظام

تربيتی مبتنی بر اقتضائات جامعه اسلامی- ايرانی مستلزم آن است که تغييرات بنيادين در تمامی

ابعاد و مولفه های نظام موجود آموزش و پرورش صورت پذيرد. بديهی است اصلاحات و تغييرات

ايجاد شده در ساختار و فرآيندهای اين نظام پس از پيروزی انقلاب اسلامی، باوجود آنکه در زمان

خود حرکت سازنده ای بشمار می آمد اما به دلايل مختلف ازجمله مشکلات اجرايی پس از پيروزی

انقلاب و فقدان فلسفه مدون برای نظام تربيتی با ويژگی های اسلامی- ايرانی نتوانسته است منجر

به تحقق آرمان های فرهنگی تربيتی انقلاب اسلامی شود. بر اين اساس مقتضی است که نظام

تربيت رسمی وعمومی در يک بازده زمانی معقول حرکت های تحولی نظام مندی را در راستای

تغيير بنيادين آغاز نما يد.

... تحولات بنيادين در نظام تربيت رسمی وعمومی شامل تغييرات هماهنگ و منظمی است

که بر اساس يافته های مطالعات نظری بايد تمامی عناصر، مولفه ها وفرآيند ها و روابط درون و

بيرون نظام تربيت رسمی وعمومی وعملکرد ارکان و عوامل سهيم وموثر را دربر گيرد. اين سلسله

تغييرات منظم که از آن ها در اينجا تحت عنوان "چرخش ها از وضع موجود به سمت وضع مطلوب"

نام برده می شود، از سويی مبتنی بر يافته های مطالعات نظری است و از ديگر سو با توجه به نتايج

پژوهش های توصيفی- تحليلی انجام شده در سند ملی آموزش و پرورش در کميته مطالعات

محيطی و مولف ههای نظام آموزش و پرورش طراحی وتدوين شده است.

بر اين اساس مهم ترين چرخش ها از وضع موجود به وضع مطلوب، **تبديل نهاد فعلی با**

**کارکرد صرفا آموزشی به نهادی است که وظيفه و رسالت اصلی آن**"**بستر سازی برای**

**دستيابی نسل آينده به مرتبه قابل قبولی از آمادگی جهت تحقق حيات طيبه در تمام**

**ابعاد"مي باشد،**

**چرخش های کلان 10بند**

**چرخش های زیر نظامهای سند تحول -6زیر نظام دارد و 37چرخش خرد**

**اهم اين چرخش ها عبارتند از:**

• از نهادی آموزشی به نهادی فرهنگی - اجتماعی و مولد سرمايه انسانی

• از کنترل بيرونی و ايجاد محدوديت، به خويشتن بانی(تقوا)، ارزش مداری عقلانی و مسئوليت پذيری

• از انحصاری انگاذي در تربيت، به مشارکت و مسئوليت پذيري ارکان و عوامل سهيم و موثر

• از يکسان نگری و توليد انبوه، به پذيرش تنوع و تکثر در چارچوب نظام معياراسلامی

• از نگاه تجزيه ای و تفکيکی به نگاه يکپارچه نگر وتلفيقی به هويت انسان در تمام ابعاد و ساحت های تربيت

• از دانش آموز منفعل در کلاس درس به متربی فعال در محيط های تربيتی

• از روش های خشک، فردی و انعطاف ناپذير به روش های خلاق، فعال و گروهی

•از رقابت های فردی و تنش زا به رفاقت های جمعی و تعالی بخش

• از انباشت اطلاعات و حافظه محوری، به كسب شايستگی ها در تمام ساحت هاي تربيت

• از سازگاری با شرايط محيطی، به هويت يابی و مقاومت در برابرشرايط نا مساعد وتغييرآنها

از آنجا که زيرنظامهای تربيت رسمی وعمومی مسير اجرايی و عملی تحقق چرخش ها را نشان

می دهد برخی از اين چرخش هاي اساسي در هر يک از زير نظا م ها عبارتند از:

**زير نظام راهبری تربيتی و مديريت**

• از مديريت اداری و کنترلی به راهبری تربيتی مبتنی برنظام معيار اسلامی

• از تمرکزگرايی به مشارکت جويی و مسئوليت پذيري مبتنی برخرد جمعی

• از برنامه ريز یهای موردی و پراکنده به برنامه ريز یهای راهبردی و آينده نگر

• از حاکميت نگاه جزيره ای در حوزه های اجرايی به تاکيدبرفرايندهاو پيامد ها بر اساس نظام

معيار اسلامی

• از انتصاب سليق های مديران بر اساس ضوابط اداری به شايسته سالاری در مديريت

**زير نظام برنامه درسی**

• از برنامه درسی موضوع محور به برنامه درسی مبتنی بر ساحت های تربيت برای کسب شايستگی ها

• از برنامه ريزی درسی کاملا متمرکز به برنامه ريزی درسی متکی برمشارکت موثرارکان وعوامل سهيم در تربيت در تمام سطوح

• از برنامه درسی تک وجهی به برنامه درسی چندوجهی(ساختار مثلثی)

• از برنامه درسی نتيجه محور به برنامه درسی پيامد محور(تحقق شايستگی ها در سطح محصول و سطح برونداد نظام و پيامد آن در سطح جامعه)

• از يادگيری موضوعات به فرآيند دستيابی به انديشه ورزی و درک معنا

• از جداسازی برنامه های آموزشی و پرورشی به برنامه درسی يکپارچه

**زيرنظام تربيت معلم و تأمين منابع انسانی**

• از معلم به عنوان انتقال دهنده دانش به معلم به عنوان مربي واسوه تربيتی و سازمان دهنده

فرصت های تربيتی متنوع برای احيا و ارتقاء مراتب حيات طيبه متربيان

• از معلم بعنوان مجری تصميمات برنامه درسی به معلم تصميم ساز در فرآيند برنامه ريزی

درسی

• از برنامه های صلب و بسته در تربيت مربيان به برنامه هايی منعطف برای دستيابي آنان به

هويت حرف هاي منحصر بفرد و توسعه آن مبتني بر نظام معيار اسلامی

• از ارتقاء خودبخودی سطح حرفه ای مربيان به ارزيابی عملكرد و صدور درجه مربی گری

بر اساس ميزان كارآمدي و اثربخشي

• از فرهنگ سازمانی بسته )محصورنمودن مربيان در فضای مدرسه( به مشارکت جويی

علمی و انتقال تجربيات در سطوح مختلف )مدرسه، محلي، ملي و بين المللي(

• از نگاه به معلم به عنوان کارمنداداری به معلم به عنوان شخصيتی علمی و تربيتی

**زير نظام تأمين و تخصيص منابع مالی**

• از انحصار در تأمين منابع به مشارکت در تأمين منابع

• از هزينه کرد منابع به مديريت وسياس تگذاري بهينه منابع و مصارف

• از عرضه مدار و نهاده محور به ستاند همدار و نتيجه محور

• از توزيع يکسان منابع به تنوع منابع وتوزيع عادلانه آن

• از نگاه به نظام تربيت رسمی و عمومی به مثابه دستگاهی مصرفی به دستگاه سرمايه ای

و مولد منابع انسانی

• از تغيير در روش نظارت بر هزينه توسط ذيحسابی به حسابرسی پس از خرج

**زيرنظام فضا، تجهيزات و فناوری**

• از تأمين کلاس درس به ساماندهی موقعيت های يادگيری

• از انحصار يادگيری در کلاس درس به تنوع بخشی به محي طهاي تربيتی ويادگيری

• از نگاه تفکيکی به فضای فيزيکی مدارس به نگاه فرآيندی به تربيت و ساخت مجتمع های

تربيتی

• از معماری بی هويت و وارداتي به معماری اسلامی ايرانی

• از مدارس بی هويت وفاقدامکانات وفناوری ها به مدارسی با هويت مدرسه صالح وکانون

تربيتی محله

• از طراحی مدارس توسط مهندسين فنی به طراحی تيمی با لحاظ نمودن ابعاد مدرسه

صالح

• از نگاه ابزاری به فناوری ها به استفاده هوشمندانه از فناوری های نوين متناسب با نظام

معيار اسلامی

**زير نظام پژوهش و ارزشيابی**

• از نگاه جزي ینگر به نگاه آينده نگر و کل نگرانه برای مواجهه سازنده با چال شهای نظام

• از تمرکز بر رو شهای کمی در پژوهش به تنوع و کثرت در روش های پژوهش

• از پژوهش های توصيفی، موردی وپراکنده به پژوهش های.. نظام مند، نوآورانه و تحول آفرين در راستای عملياتی نمودن اهداف و کار کر دهای نظام تربيت رسمی و عمومی

• از پراکندگی و جدايی مراکزپژوهشی به وحدت و يکپارچگی عملکرد مراکزپژوهشی سهيم

و موثر در امر تربيت

• از تخصيص فرصت های پژوهشی به مراکز رسمی و پژوهشگران حرفه ای در سطوح کلان

به ايجاد فرص تهای پژوهشی و جاری و ساری شدن پژوهش در تمامی سطوح

• از تصدی گری در امر پژوهش به مديريت، نظارت و بهره گيری از نتايج پژوهش ها

• از رويكرد آكادميك ونظري در پژوهش هاي تربيتي و پژوهش برای پژوهش به جهت گيري

عمل مدار، تشخيصي ودرماني، تصميم ساز وكاربستي